

## موج جدید گرانی کشور را فراگرفت

### ترکیه و ایران دیپلمات‌های یکدیگر را اخراج کردند



بعد از امضای قرارداد نظامی بین اسرائیل و ترکیه، مناسبات بین ایران و ترکیه رو به تیرگی گذاشته است. رئیس سازمان امنیت استانبول اعلام کرد که «عرفان چاگیری چی»، رهبر «سازمان اقدام اسلامی» در سال ۱۹۸۲ در ایران آموزش نظامی دیده است. وی متهم به قتل دو روزنامه‌نگار ترک است. به گفته رئیس سازمان امنیت استانبول، عرفان در سال ۱۹۹۲ یکی از مخالفین حکومت اسلامی را ربوده و تحویل رژیم ایران داده است. دولت ترکیه در عین حال رژیم اسلامی را به قتل دو مخالف رژیم به نامهای علی اکبر قربانی‌فر و عباس قلی‌زاده، در چهار سال پیش، متهم کرده است. دولت ترکیه برای بررسی فعالیت حزب الله در ترکیه هیئتی را رهسپار تهران کرد. این هیئت با مقامات وزارت خارجه پیرامون ترورها و دخالت دیپلمات‌های سفارتخانه جمهوری اسلامی در ترکیه در ترورها و آموزش حزب الهی در ایران به مذاکره بقیه در صفحه ۲

● قیمت بتزین و نفت ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافت.

● قیمت یک کیلو پیاز و سیب زمینی از ۲۵۰ تومان گذشت.

تهران و شهرستانها به شدت افزایش پیدا کرد پیامد تورم شتابانده و انفجار با افزایش بهای فرآورده‌های نفتی و سایر خدمات دولتی، قیمت کالاها و خدمات اساسی مورد نیاز مردم در

قیمت‌ها، سقوط هرچه بیشتر قدرت خرید عمومی، ورشکستگی واحدهای تولیدی، افزایش بیکاری و افزایش فشار بر کارگران، کارمندان و محرومانی است که درآمد ناچیز و یا ثابت دارند و علیرغم کار و تلاش بقیه در صفحه ۲

## در جریان انتخابات مجلس چندین نفر کشته و دهها تن زخمی شدند.

- ۴ نفر در بناب، ۲ نفر در ایرانشهر و ۲ نفر در خمین کشته شدند.
- ۳ تن از نامزدهای انتخاباتی تهران بازداشت شدند.

روز جمعه ۳۱ فروردین مرحله دوم انتخابات مجلس پنجم شورای اسلامی در تهران و سراسر کشور برگزار می‌شود. در مرحله نخست انتخابات که روز ۱۸ اسفند برگزار شد، نصف نمایندگان مجلس تعیین شدند و تکلیف کرسیهای خالی مجلس به مرحله دوم موکول گردید. در تهران از میان ۵۸ نامزد نمایندگی که از سوی جامعه روحانیت مبارز، مجاهدین انقلاب اسلامی و جامعه ریاست جمهوری، مجاهدین انقلاب اسلامی و جامعه معرفی شده بودند، فقط اسامی ناطق نوری، رهبر جامعه روحانیت مبارز و فائزه هاشمی، دختر رفسنجانی به عنوان نمرات اول و دوم انتخابات تهران از صندوقها درآمدند. در مرحله نخست انتخابات بر اثر درگیریهایی که در شهرستانها روی داد چندین تن کشته و دهها تن زخمی شدند. در درگیریهای ایرانشهر در

استان سیستان و بلوچستان ۲ نفر کشته شدند، در خمین گروههای رقیب ۲ نفر را به قتل رساندند. در بناب در استان آذربایجان غربی، روز ۱۸ اسفند پاسداران در جریان سرکوب اعتراضات مردم ۴ تن را هدف گلوله قرار دادند و دهها نفر را زخمی کردند. بنا به برخی گزارشها، تعداد کشته شدگان بیش از ۲۰ نفر است. در مطبوعات دولت در مورد حوادث خونین بناب هیچگونه گزارشی بازتاب نیافته است. در تهران ۳ نفر از نامزدهای انتخاباتی و ۵۰ نفر دیگر، تحت عنوان تخلف در تبلیغات انتخاباتی بازداشت شدند و برای ۲۰۰ نفر پرونده تشکیل شد. علی رازینی، رئیس دادگستری استان تهران روز سه‌شنبه ۲۱ فروردین در باره «تخلفات انتخاباتی» گفت: «در دور اول انتخابات، دو نفر از نامزدهای انتخاباتی تهران و یک نفر کاندیدای بقیه در صفحه ۳

برای حضور عوامل ایجاد بحران واخلال در ثبات و صلح و آرامش منطقه‌ای و مخدوش کننده روابط دوستانه با همسایگان است.» امضای این قرارداد با عکس‌العمل اتحادیه عرب نیز مواجه شد. اتحادیه عرب نسبت به امضای قرارداد نظامی‌مانیتی بین ترکیه و اسرائیل پشددت به دولت ترکیه اعتراض کرد و آن را عملی بسر خلاف مصالح بقیه در صفحه ۳

## توافق نامه نظامی اسرائیل و ترکیه

مناسبات ترکیه و ایران فراهم آورد. ولایتی اعلام کرد که جمهوری اسلامی اعطای هرگونه تسهیلات به رژیم صهیونیستی را خلاف «منافع اسلام و منطقه» می‌داند. روزنامه کیهان نوشت: «صدور مجوز پرواز برای هوایماهای نظامی رژیم صهیونیستی در حریم فضایی ترکیه، دعوتنامه‌ای

اسرائیل و دولت ترکیه «توافقنامه استراتژیک» امضا کردند. بر پایه این توافقنامه اسرائیل می‌تواند در قلمرو هوایی ترکیه به پروازهای نظامی دست یزند و از پایگاههای هوایی ترکیه استفاده کند. به نوشته روزنامه اسرائیلی «یدهوت آهارونوت» این قرارداد در روز ۵ آوریل در سفر معاون ستاد مشترک ارتش ترکیه به اسرائیل امضا شده است. در این توافقنامه کمیته‌ای برای «گفتگوهای

## پیرامون تیرگی روابط جمهوری اسلامی و ترکیه

در روزهای اخیر، روابط جمهوری اسلامی و ترکیه تا حدی که از هنگام روی کار آمدن رژیم فقیها بدین سو بی‌سابقه می‌نماید، رو به تیرگی نهاده است. طرفین، به اخراج متقابل دیپلمات‌های دیگر روی آورده‌اند. دولت ترکیه، جمهوری اسلامی را متهم کرده که در ترور یک روزنامه‌نگار ترک که چند سال پیش صورت گرفت، دست داشته است. بلندنگویان جمهوری اسلامی، ترکیه را به بهانه قرارداد نظامی این کشور با اسرائیل، مورد حمله قرار داده‌اند.

در طول هفده سال اخیر، ترکیه و جمهوری اسلامی همواره کوشیده‌اند اختلافات خود را از طریق مذاکره حل و فصل کنند. آنکارا علیرغم پیوند نزدیک سیاسی و نظامی با آمریکا، حتی در سالهای اخیر نیز که واشنگتن به افزایش فشار به جمهوری اسلامی روی آورد، مناسبات نزدیک خود را با تهران حفظ کرد. قدرتمندان ترکیه از یک سو نمی‌خواستند تیرگی شدن روابطشان با رژیم فقیها، به حمایت تهران از کردهای ترکیه بیانجامد، و از سوی دیگر نگران به خطر افتادن منافع تجاری و اقتصادی ترکیه بودند که به علت همجواری با ایران و قرار داشتن بر سر راه اروپا به ایران، حجم مبادلات سالانه اش با ایران به میلیاردها دلار بالغ می‌شود. جمهوری اسلامی نیز چه زمانی که درگیر جنگ با عراق بود و چه پس از آن، به شدت به روابط خوب با ترکیه نیازمند است. علیرغم حمایت ارگانهای تبلیغاتی رژیم آخوندی از بنیادگرایان ترکیه، دولت رفسنجانی در سالهای اخیر همواره کوشیده است روابط نزدیک با ترکیه تحت تأثیر منفی اختلافات ایدئولوژیک و تحولات داخلی ترکیه قرار نگیرد.

اما این بار به نظر می‌رسد علاقه دو طرف به حفظ روابط، نتوانسته است مانع بالا گرفتن اختلاف گردد. منطقی است که بپذیریم عوامل منفی تأثیرگذار بر مناسبات دو جانبه، این بار حداقل به طور موقت، قوی‌تر از کار درآمده‌اند. ترکیه از شرکت‌کنندگان در کنفرانس شرم‌الشیخ مصر بود که در آن، آمریکا و اسرائیل متحدان اروپایی و خاورمیانه‌ای خود را برای جدی تر گرفتن مبارزه با بنیادگرایی اسلامی، تحت فشار بیشتری گذاشتند. این کنفرانس، با تشکیل دولت جدید ترکیه به دنبال ماهها کشمکش میان احزاب محافظه‌کار این کشور مصادف شد. در حالی که بسیاری از ناظران، پیش‌بینی می‌کردند رقابت‌های شخصی رهبران دو حزب راه راست و مام وطن ترکیه، تانسو چیلدر و مسعود ایلماز، مانع ائتلاف این دو حزب گردد و این امر به شرکت دادن بنیادگرایان در دولت ترکیه بیانجامد، عاقبت ایلماز و چیلدر بر سر تقسیم زمانی مسئولیت ریاست دولت به توافق رسیدند و حزب بنیادگرایی رفاه از دولت برکنار ماند.

یکی از نخستین اقدامات دولت جدید ترکیه، انعقاد قرارداد نظامی با اسرائیل بود. طبق این قرارداد، نیروی هوایی اسرائیل امکان می‌یابد در حریم هوایی ترکیه به پروازهای تمرینی دست زند. قراردادهای نظامی، همواره معنای سیاسی نیز دارند. تمرین جنگنده‌های اسرائیلی در قلمرو یک کشور همسایه ایران، همان جنگنده‌هایی که در همین روزها مواضع متحدان حزب‌اللهی جمهوری اسلامی را در جنوب لبنان می‌کوبند، نمی‌تواند بقیه در صفحه ۲

## شکست مأموریت هیأت ترویکا در تهران

روز سه‌شنبه ۱۴ فروردین (۲ آوریل)، هیأت اعزامی از سوی کشورهای عضو اتحادیه اروپا وارد تهران شد و طی اقامت دوازده روزه خود در ایران با ولایتی وزیر امور خارجه و محمود واعظی معاون اروپا-آمریکایی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی بگفتگو پرداخت. این هیأت مرکب از مقاماتی از وزارت امور خارجه کشورهای ایتالیا، اسپانیا و ایرلند بود. این هیأت که به هیأت ترویکا شهرت یافت، از سوی اتحادیه اروپا مأموریت داشت پیرامون روند صلح خاورمیانه، اقدامات تروریستی و فتوای قتل سلمان رشدی به مذاکره بنشیند و از جمهوری اسلامی بخواهد صریحاً اقدامات و حملات گروههای بنیادگرایی فلسطینی را محکوم کند. قبل از آن به مقامات ایرانی هشدار داده شده بود که در صورت عدم موضع‌گیری صریح در این زمینه ممکن است اتحادیه اروپا در این زمینه تجدید نظر کند. تصمیم به اعزام هیأت ترویکا به تهران در پی نشست ۱۵ تن از وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در پالمیرو ایتالیا اتخاذ شد. از پیش از آغاز سفر هیأت مزبور و بدنبال سخنرانی رفسنجانی، رئیس جمهور

## بازتاب حکم بازداشت فلاحیان در بین سران حکومت

حکم بازداشت فلاحیان توسط دادستان کل آلمان، سران حکومت اسلامی را بدست و پا انداخت. آنها انتظار صدور چنین حکمی را از جانب آلمان نداشتند. تصور آنها بر این بود که دولت آلمان به دادستان اجازه نخواهد داد که دست به چنین عملی بزند. سران حکومت پشددت از تیرگی شدن مناسبات دو کشور نگران هستند. آنها ابتدا با تهدید و تطمیع به میدان آمدند و سپس با کم‌اهمیت نشان دادن مسئله بر «دعایت دولتمردان آلمان» تاکید کردند. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی هیئت دولت تصمیم دادستانی آلمان را محکوم کرد و اعلام نمود: «خیلی بعید است که دولت آلمان موافق چنین اقدام خلاف عرف و رویه بین‌المللی باشد.» موسویان سفیر ایران در مصاحبه با مجله «فوکوس» گفت: آلمان با این اقدام به دولت و ملت ایران توهین کرده است و اضافه نمود: «اگر کاظم دارابی که به اتهام قتل کردهای مخالف ایران در رابطه با ماجرای رستوران می‌کونوس در برلین محاکمه می‌شود محکوم گردد حکومت وی دارای عراقی از لحاظ بقیه در صفحه ۳

نگاهی به  
تحریم اقتصادی ایران و  
استراتژی «مبار دوگانه»  
بهرز خلیق  
صفحه ۷

---

در کدام سو  
ایستاده‌ایم؟  
ف. تابان  
صفحه ۸

---

در پاسخ آقای  
علی‌اصغر حاج سیدجوادی  
الف - برزگر  
صفحه ۹

---

خودمان را هم  
باید انکار کنیم  
بهرام بیضائی  
صفحه ۶

یادداشت

پیرامون گزارش فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر

جمهوری اسلامی پایمال کننده حقوق انسانی

گزارش آقای موریس کاپیتورن، نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران، روز ۱۰ فروردین (۲۹ مارس) در ژنو منتشر شد.

در شماره گذشته نشریه کار، خبر انتشار گزارش مزبور را درج کردیم. این گزارش به دنبال دیدار کوتاه پنج روزه کاپیتورن از ایران تهیه و به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ارائه شده است. در این گزارش به روشنی آقای کاپیتورن بر نقض گسترده حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی تأکید کرده است. نقض آشکار حقوق زنان در ایران، اعمال فشار بر دگراندیشان و ادامه اعدام‌ها، از جمله مواردی بوده است که در گزارش منتشر شده ویژه کمیسیون حقوق بشر برجستگی یافته است. آقای کاپیتورن در گزارش خود قید کرده است که حقوق انسانی به عنوان یک ارزش عام مورد پذیرش جمهوری اسلامی قرار ندارد. گزارش موریس کاپیتورن که خود آن را گزارشی موقت نامیده است، در کلیت خود سند دیگری است در محکومیت جمهوری اسلامی به خاطر پایمال کردن حقوق بشر در ایران. اما باید افزود این گزارش فاقد همه‌جانبه‌نگری، گستردگی تحقیقات، دقت نظر و تجربه تبلور یافته در گزارش‌های متاخر آقای رونالد گالیندوپل، نماینده قبلی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در امور مربوط به ایران است. این گزارش تا حدودی سیما و چهره گزارش نخست آقای گالیندوپل را دارد.

مقامات مسئول در جمهوری اسلامی، در آستانه تهیه گزارش‌های کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و سفر نماینده ویژه آن به ایران، ترفندهایی را به کار می‌بندند و به اتخاذ تدابیری مبادرت می‌کنند. تا فرستاده گان ویژه و گزارش‌های آنها را تحت تأثیر قرار دهند. این ترفندها از جمله عبارتند از: صدور اجازه دیدار کوتاه مدت از ایران و تلاش برای پر کردن آن با دیدارهای رسمی با مقامات رژیم، کوشش برای کشاندن مساله مشخص نقض حقوق بشر در عرصه‌های مختلف، به بحث‌های تجریدی پیرامون حقوق بشر اسلامی، تشکیل سازمان‌های فرمایشی مدافع حقوق بشر و ایجاد گروه‌هایی در این راستا توسط وزارت اطلاعات برای پیشبرد اهداف تبلیغاتی، تلاش برای مخفی کردن توریسیم گسترده دولتی در پشت اقدامات مسلحانه و یا تروریستی بخشی از مخالفین، و سرانجام، به عنوان یکی از مهمترین ترفندهای رژیم، مشروط و مربوط کردن سیاست در قبال حقوق بشر و نحوه ادامه رابطه با سازمان‌های حقوق بشر، به نحوه ارائه گزارش از سوی آنان. جمهوری اسلامی می‌کوشد از سویی این امید را در نمایندگان مجامع بین‌الملل حقوق بشر بیافریند که مسکوت گذاشتن و یا طرح ضمنی موارد نقض حقوق بشر در ایران به روند رعایت این کمک خواهد کرد. و از سوی دیگر تهدید تلویحی در این راستا که موضع گیری صریح و محکوم کردن جمهوری اسلامی به خاطر پایمال کردن حقوق بشر، به قطع رابطه با این سازمان‌ها و در نتیجه حذف امکان تأثیر گذاری منجر خواهد شد.

رونالد گالیندوپل، نماینده سابق کمیسیون حقوق بشر در امور ایران، با شناختی که از ترفندهای جمهوری اسلامی کسب کرده بود، وضعیت حقوق بشر در همه عرصه‌های اساسی آن را، یعنی حق حیات، حق آزادی بیان، اندیشه، مذهب، نشر، شکل، تجمع، حق تعیین سرنوشت سیاسی، برابر حقوقی زن و مرد، حق رهایی از شکنجه و پیگرد و حق زندانی در برخورداری از رفاه انسانی و عادلانه؛ با دقت پی می‌گرفت و به تجربه آموخته بود که اگر امری جمهوری اسلامی را به عقب نشینی در زمینه رعایت حقوق بشر وادارد نه اغماض و کنار آمدن که اعمال فشار بین‌المللی است. گزارش‌های گالیندوپل به عنوان مبنای اسناد ارائه شده به مجمع عمومی سازمان ملل، به چندین بار محکومیت جمهوری اسلامی در این مجمع منجر شد.

آقای موریس کاپیتورن در مدت پنج روزه اقامت خود در تهران با برخی شخصیت‌های اپوزیسیون، از جمله، آقایان امیر انتظام و فروهر ملاقات کرد و آنان اطلاعاتی پیرامون عرصه‌های نقض حقوق بشر در ایران، در اختیار وی قرار دادند.

ارائه اطلاعات مشخص و ذکر موارد متعدد نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی به گزارشگران کمیسیون حقوق بشر، به ارائه تصویری روشن تر از وضعیت حقوق بشر در ایران و حدت و گستردگی پایمال شدن آن در عرصه‌های مختلف، یاری خواهد کرد. باید هم در داخل کشور و هم در خارج از مین، در این راستا کوشید.

پیرامون تیرگی روابط...

بقیه از صفحه اول  
به منزله اعمال فشار نظامی بر جمهوری اسلامی تلقی نگردد. اکنون به حضور نظامی آمریکا در آب‌های جنوب ایران، حضور نظامی اسرائیل در شمال غربی ایران نیز اضافه می‌شود. دو کشوری که در عرصه بین‌المللی بیشترین مخالفت‌ها را با جمهوری اسلامی ابراز می‌کنند، یعنی آمریکا و اسرائیل، می‌کوشند که محاصره نظامی را نیز در کنار تحریم اقتصادی و ایزوله کردن دیپلماتیک، برای تحت فشار قرار دادن رژیم اسلامی به کار گیرند. ظاهراً ترکیه حاضر شده است در این راستا به فشار آمریکا تن دهد و حداقل در حال حاضر به پیشبرد مقاصد واشنگتن در قبال حکومت اسلامی کمک کند.

قابل پیش‌بینی نیست که ترکیه در همراهی با آمریکا تا کجا پیش رود و روابط آنکارا و تهران، به چه حد از وخامت برسد. می‌توان تصور کرد که همکاری نظامی ترکیه و اسرائیل، فعلاً در همین حد که تا به حال اعلام شده است، بماند و جمهوری اسلامی علیرغم اعتراضات فعلی خود، ناگزیر گردد

موج جدید گرانی کشور را فرا گرفت



قیمت پیاز و سیب زمینی در اکثر شهرها به شدت افزایش یافت

دولت بهای هر لیتر بنزین سوپر با ۴۰ ریال افزایش، به ۱۸۰ ریال رسید و قرار شد از اول سال جاری هر لیتر روغن فله الوند ۸۰۰ ریال فروخته شود. پیش از تغییرات اخیر قیمت هر یک لیتر روغن ۲۲۵ ریال بود. غلایمضا آقازاده، وزیر نفت در مصاحبه مطبوعاتی از افزایش بهای نفت حمایت کرد و اظهار داشت که هدف دولت از افزایش بهای فرآورده‌های نفتی، کاهش مصرف داخلی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها است. بنا به گفته وی دولت در سال ۷۲ از طریق دو برابر کردن بهای بنزین و نفت، یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار صرفه‌جویی کرده است. وی توضیح نداد این مبلغ کلان در کدام بخش هزینه و یا سرمایه‌گذاری شده است. بر اساس تبصره ۱۹ برنامه پنج ساله دوم، به دولت اجازه داده شده است به منظور اعمال سیاست صرفه‌جویی در مصرف انرژی، از سال ۷۵ قیمت فرآورده‌های نفتی را تا سطحی افزایش دهد که مجموع

دولت بهای هر لیتر بنزین سوپر با ۴۰ ریال افزایش، به ۱۸۰ ریال رسید و قرار شد از اول سال جاری هر لیتر روغن فله الوند ۸۰۰ ریال فروخته شود. پیش از تغییرات اخیر قیمت هر یک لیتر روغن ۲۲۵ ریال بود. غلایمضا آقازاده، وزیر نفت در مصاحبه مطبوعاتی از افزایش بهای نفت حمایت کرد و اظهار داشت که هدف دولت از افزایش بهای فرآورده‌های نفتی، کاهش مصرف داخلی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها است. بنا به گفته وی دولت در سال ۷۲ از طریق دو برابر کردن بهای بنزین و نفت، یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار صرفه‌جویی کرده است. وی توضیح نداد این مبلغ کلان در کدام بخش هزینه و یا سرمایه‌گذاری شده است. بر اساس تبصره ۱۹ برنامه پنج ساله دوم، به دولت اجازه داده شده است به منظور اعمال سیاست صرفه‌جویی در مصرف انرژی، از سال ۷۵ قیمت فرآورده‌های نفتی را تا سطحی افزایش دهد که مجموع

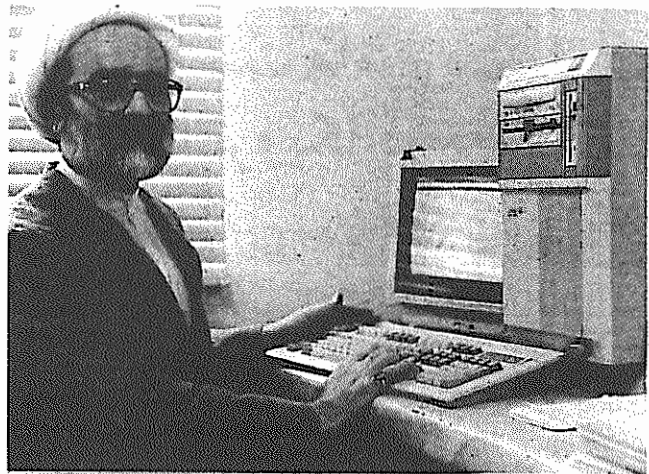
دولت بهای هر لیتر بنزین سوپر با ۴۰ ریال افزایش، به ۱۸۰ ریال رسید و قرار شد از اول سال جاری هر لیتر روغن فله الوند ۸۰۰ ریال فروخته شود. پیش از تغییرات اخیر قیمت هر یک لیتر روغن ۲۲۵ ریال بود. غلایمضا آقازاده، وزیر نفت در مصاحبه مطبوعاتی از افزایش بهای نفت حمایت کرد و اظهار داشت که هدف دولت از افزایش بهای فرآورده‌های نفتی، کاهش مصرف داخلی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها است. بنا به گفته وی دولت در سال ۷۲ از طریق دو برابر کردن بهای بنزین و نفت، یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار صرفه‌جویی کرده است. وی توضیح نداد این مبلغ کلان در کدام بخش هزینه و یا سرمایه‌گذاری شده است. بر اساس تبصره ۱۹ برنامه پنج ساله دوم، به دولت اجازه داده شده است به منظور اعمال سیاست صرفه‌جویی در مصرف انرژی، از سال ۷۵ قیمت فرآورده‌های نفتی را تا سطحی افزایش دهد که مجموع

افزایش بهای

فرآورده‌های نفتی

روز ۱۵ فروردین خبرگزاری‌ها گزارش دادند که دولت در چارچوب برنامه پنج ساله دوم قیمت انواع فرآورده‌های نفتی را که در داخل کشور مصرف می‌شود، بین ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش داده است. بر اساس تصمیم اخیر هیأت دولت، قیمت بنزین معمولی و بدون سرب هر لیتر ۱۵ ریال تعیین شده است. بنا به تصمیم

آخوندهای کامپیوتری



خبرنگار روزنامه آلمانی تانس از قم گزارش می‌دهد در کشوری که آنتن‌های ماهواره‌ای ممنوع‌اند، از کامپیوتر برای مقاصد ایدئولوژیک استفاده می‌شود. عکس فوق، یکی از مسئولان معمم بنیاد گلیایگانی را نشان می‌دهد. این بنیاد و نیز مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی حوزه علمیه قم، به اقداماتی مانند ضبط قرآن روی کامپاکت دیسک دست زده‌اند تا آخوندها بتوانند به سرعت درباره یک موضوع معین، نقل قول‌های لازم را از متون اسلامی بیابند. اگر فرض را بر این بگذاریم که تا چند سال دیگر، همه متون قدیمی اسلامی کامپیوتری‌تریزه شده‌اند، دیگر چه نیازی به کسانی است که تنها هنرشان حفظ کردن احادیث و آیات است؟

مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی ارزیابی نمی‌کنیم و مسئولیت اصلی این تشنج‌ها را بر عهده حکومت اسلامی می‌دانیم. این جمهوری اسلامی است که با ایدئولوژیک کردن روابط خارجی، با حمایت و گسترش تروریسم و با مقاومت در برابر روند صلح خاورمیانه، انزوا را به ایران امروز تحمیل کرده است. این جمهوری

پیش از تغییرات اخیر ۸۰۰ تومان بود.

قیمت نیم لیتر شیر، از ۱۶ تومان به ۲۰ تومان رسید، هر قالب کره ۲۵۰ گرمی به ۷۵۰ تومان فروخته شد، گوشت از کیلویی ۱۳۰۰ تومان گذشت و قیمت دو کیلو سیب زمینی و پیاز به ۵۰۰ تومان افزایش یافت.

در پی افزایش قیمت سیب زمینی زمستانی، واردات آن آزاد شد و وزارت بازرگانی اعلام کرد متقاضیان برای تخصیص ارز به معاونت بازرگانی خارجی مراجعه کنند. برخی از کارشناسان کشاورزی و اقتصادی معتقدند دولت بایستی از خروج سیب زمینی و پیاز جلوگیری کند و با اقدامات نادرست خود بر تولید بهاره این محصول لطمه زند.

افزایش کرایه تاکسی‌ها

تاکسی‌داران و صاحبان اتوبوس‌های بین شهری برای جبران هزینه‌های سوخت، عوارض جاده، گرانی لاستیک و لوازم یدکی ۴۰ تا ۵۰ درصد بر کرایه‌های خود افزودند. در مسایل تاکسی‌داران در اعتراض به افزایش بهای فرآورده‌های نفتی، دست به اعتصاب زدند و در تهران در برخی نقاط درگیری‌هایی بین مسافران و رانندگان تاکسی‌ها روی داد.

به دنبال گسترش اعتراض مردم به انفجار قیمت‌ها و گرانی وسایل ایاب و ذهاب، مقامات جمهوری اسلامی برای انحراف افکار عمومی تلاش کردند دارندگان وسایل حمل و نقل و رانندگان تاکسی‌ها را عامل گرانی قلمداد سازند. دولت با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد افزایش قیمت‌ها «غیر قانونی» است و در سطح تهران ۱۵۰ تیم بازرسی مسیرهای رفت و آمد تاکسی‌ها را کنترل خواهند کرد. رانندگانی که از مسافران کرایه اضافه دریافت کنند، مجازات خواهند شد.

بر اساس اطلاعیه شهرداری تهران، رانندگان متخلف در مرحله نخست از دریافت لاستیک ارزان قیمت محروم خواهند شد، در صورت تکرار تخلف از ورود آنان به مسیر ممنوعه - منطقه رفت و آمد تاکسی‌ها - جلوگیری خواهد شد و در مرحله سوم از اتحادیه تاکسی‌داران اخراج خواهند شد.

علیرغم تهدیدهای دولت، قیمت‌ها همچنان در حال صعود است و به هشدارهای شهرداری و سازمان تاکسیرانی مبنی بر «غیر قانونی بودن افزایش نرخ کرایه‌ها» کسی توجهی ندارد و همه می‌گویند وقتی دولت بی‌توجه به تأثیر اقدامات خود بر قیمت بنزین و نفت را که در انحصار دارد می‌افزاید، نباید انتظار داشته باشد که سایرین قیمت‌ها را تغییر ندهند.

هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه، علل گرانی‌های اخیر را «سوءاستفاده مثنی سودجو» خواند و به مردم وعده داد که دولت در چند روز بهای وسایل خانگی، انواع گوشت، حبوبات، وسایل حمل و نقل شهری و بین شهری، شیر و آب بیش از ۵۰ درصد افزوده شد.

مردم اسلام‌شهر و سلطان‌آباد که همچنان از داشتن آب لوله‌کشی محرومند برای تانکر دو هزار لیتری آب، ۱۲۰۰ تومان پرداختند. قیمت آب

تأثیر افزایش بهای

بنزین و نفت بر بازار

بلافاصله پس از افزایش بهای فرآورده‌های نفتی، قیمت کالاها و خدمات در تهران و سایر شهرهای کشور به شدت بالا رفت. در تبریز، مشهد، شیراز، اصفهان و تهران و... بر بهای وسایل خانگی، انواع گوشت، حبوبات، وسایل حمل و نقل شهری و بین شهری، شیر و آب بیش از ۵۰ درصد افزوده شد.

مردم اسلام‌شهر و سلطان‌آباد که همچنان از داشتن آب لوله‌کشی محرومند برای تانکر دو هزار لیتری آب، ۱۲۰۰ تومان پرداختند. قیمت آب

ترکیه و ایران...

بقیه از صفحه اول  
پرداخت. دولت ترکیه در تداوم اقدامات خود، از حکومت اسلامی خواست که چهار تن از دیپلمات‌های خود را به‌سختی با گروهبانان تروریستی در ترکیه از آن کشور فراخواند.

حکومت اسلامی بلافاصله عکس‌العمل نشان داد و چهار تن از دیپلمات‌های ترک را به اتهام جاسوسی از ایران اخراج کرد. مدیر کل وزارت اطلاعات اعلام کرد که این عده در امور داخلی ایران دخالت می‌کردند و به فعالیت‌های غیر قانونی مشغول بودند. وی اظهار داشت که عده‌ای از



## در جریان انتخابات مجلس چندین تن کشته شدند

بقیه از صفحه اول  
غیرتهائی در تهران، و حدود پنجاه نفر به علت تخلف در تبلیغات انتخاباتی، بازداشت شدند. در این مدت همچنین برای حدود ده نفر به اتهام تبلیغات غیرقانونی، استفاده از امکانات دولتی و توزیع پوسترهای جعلی، پرونده قضایی تشکیل شده است. بنا به گفته رازی، یکی از چابخانه نیز به اتهام «استفاده از آرم وزارت آموزش و پرورش برای تبلیغ به نفع نامزدهای مشخصی»، توقیف شد. رازی تأکید کرد که حدود دوهزار پرونده تخلفاتی در دور اول انتخاب مجلس پنجم تشکیل شده است. وی به اسامی بازداشت شدگان اشاره‌ای نکرد.

رئیس دادگستری تهران در ادامه اظهارات خود، خبر دستگیری تعدادی از شهرداران تهران را تکذیب کرد. صدا و سیما و جمهوری اسلامی در روز سه‌شنبه ۲۱ فروردین در بخش‌های مختلف خبری، به نقل از رئیس دادگستری تهران اطلاع داد که چند تن از شهرداران تهران دستگیر و محکوم شده‌اند. شهرداری تهران و برخی از مدیران آموزش و پرورش، از سوی جناح رسالت متهم به همکاری با گروه «کارگزاران سازندگی» هستند. یکی از اتهامات شهرداری تهران اجازه نصب بیانیه «کارگزاران سازندگی» روی پانل‌های تبلیغاتی شهرداری و چاپ عکس‌های رنگی کاندیداهای طرفدار ریاست جمهوری در ضمیمه روزنامه همشهری است.

### انتخابات چندشهر باطل شد

با وجود آن که به هنگام برگزاری مرحله انتخابات، فرستادگان شورای نگهبان، وزارت کشور، آئمه جمعه، بازرسان ویژه ریاست جمهوری و مأموران امنیتی رژیم بالای صندوقهای رایگیری ناظر بر روند انتخابات بودند و در پایان همه بر «آرامش و سلامت» انتخابات مهر تأیید زدند؛ شورای نگهبان انتخابات چند شهر را تحت عنوان «تخلف انتخاباتی» باطل کرد و در برخی از شهرها با ابطال شماری از آرا، نتایج را به دلخواه خود تغییر داد.

به نوشته روزنامه کیهان در حوزه اردکان، قیلا سید اسماعیل داوودی شمسی، به عنوان نماینده معرفی شده بود که شورای نگهبان شخص دیگری را به عنوان حایز اکثریت آرا شناخت. در این حوزه، شورای نگهبان با ابطال کامل تعدادی از صندوقهای رای اردکان، سید اکبر حسینی نژاد را به مجلس فرستاد.

در حوزه انتخاباتی میانوآب، حسین شریفی از سوی وزارت کشور به عنوان حایز اکثریت آرا معرفی شده بود که شورای نگهبان کل انتخابات آن را باطل کرد.

در حوزه انتخابی اصفهان که نتایج آن از سوی شورای نگهبان باطل شد، خانم نیره اخوان بی طرف، همسر دکتر کامران، با کسب بیش از نیم میلیون رای در دور اول به مجلس راه یافته بود. خانم نیره اخوان پس از رد صلاحیت نامزدی دکتر کامران، برای نمایندگی مجلس ثبت نام کرد.

در ملایر خانم الهه راستگو از میان کاندیدها اکثریت آرا را آورد اما شورای نگهبان به بهانه تخلف انتخابی، انتخابات این شهر را باطل کرد. انتخابات شهرهای نائین، نجف‌آباد، خمین و استار، یکی پس از دیگری از سوی شورای نگهبان باطل شدند.

**جنتی: عده‌ای تشکر کردند**  
در مورد علت ابطال انتخابات اصفهان، شورای نگهبان پس از دو هفته تأخیر اعلام کرد که در

جریان انتخابات اقداماتی خلاف قانون صورت گرفته است. به گفته علی‌زاده، عضو فقهای شورای نگهبان، کاندیداهای اصفهان برای کسب آرای مردم، سرودهای غیر مجاز پخش کرده‌اند، مهمانی‌های پر هزینه ترتیب داده‌اند و بین مردم پول پخش کرده‌اند. علی‌زاده افزود: بعضی از کاندیداها وعده‌های غیر واقع به مردم داده‌اند که کل دستگاههای اجرایی دولت هم نمی‌توانستند در کوتاه مدت این وعده‌ها را عملی کنند، چه برسد به یک نماینده یا داوطلب نمایندگی که وعده ساختن مترو و ایجاد اتوبان و خط آهن تهران - اصفهان و مشهد بدهد. در مجلس شورا پنج کرسی به اصفهان اختصاص دارد.

ابطال انتخابات اصفهان، اعتراضات شدیدی را در درون حکومت برانگیخت. طاهری، امام جمعه اصفهان در اعتراض به اقدام شورای نگهبان، نامه‌ای به خامنه‌ای نوشته و در خطبه‌های نماز جمعه که تلویزیون از پخش بخشهای مهم آن خودداری کرد، گفت: «مردم ما با آن سابقه درخشان چه گناهی کرده بودند که آرایشان را بدون ارائه دلیل باطل کردند».

جهانگیری، استاندار اصفهان، از تصمیم شورای نگهبان ابراز ناخشنودی کرد و گفت «تاکنون در دوره‌ها و مراحل مختلف ۱۳ بار انتخابات حوزه‌های مختلف استان اصفهان باطل و یا متوقف شده است». روزنامه سلام علت ابطال انتخابات اصفهان را شکست جناح حاکم خواند.

عضو فقهای شورای نگهبان و رهبر انصار حزب‌الله، در خطبه‌های نماز جمعه از تصمیم شورای نگهبان قاطعانه دفاع کرد و آن را غیر قابل برگشت خواند. جنتی گفت: «مسائلی است که باید عرض کنم؛ یک قسمت آن مربوط به ابطالهایی است که صورت می‌گیرد. واقعا محظوظهایی داریم. بعضی‌ها می‌گویند ابطال کنید. یک جا که ابطال می‌شود یک عده‌ای نامه می‌نویسند، تلگراف می‌کنند، تشکر می‌کنند؛ مخصوصا پیجدهای حزب‌اللهی خیلی خوشحالی می‌کنند که خوب شد ابطال کردید».

**اعتراض «کارگزاران سازندگی» به دخالت خامنه‌ای**  
درگیری جناحهای حکومت بر سر تقسیم کرسیهای مجلس در این مرحله از انتخابات چنان اوج گرفته است که طرفین حتی پوسترهای تبلیغاتی یکدیگر را هم نمی‌توانند کنار هم تحمل کنند. با نزدیک شدن روز رایگیری بر شدت درگیری دو جناح اصلی حکومت، جامعه روحانیت مبارز، به رهبری ناطق نوری و خامنه‌ای از یک سو؛ و کارگزاران سازندگی، معروف به طرفداران رفسنجانی، از دیگر سو افزوده می‌شود. جناح رسالت، طرفداران رفسنجانی را به «لیبرالیسم»، «غرب‌گرایی» متهم می‌سازند و آنان را مسئول بحران اقتصادی، گرانی و تورم معرفی می‌کنند. او در هر سخنرانی بی‌اشکال مختلف به جناح رفسنجانی حمله می‌کند. خامنه‌ای روز ۵ فروردین در پشتیبانی از روحانیت مبارز، گفت:

«این که ما مرتب می‌گوییم مواظب باشید که چه کسی را به مجلس شورای اسلامی می‌فرستید، به خاطر این است که کسانی را بفرستید که فدایی اسلام باشند؛ بدانند که فقط اسلام درد این کشور و ملت را درمان خواهد کرد و پس کسانی را بفرستید که تجربه داشته باشند و گول نخورند، با نام لیبرالی و تحت عنوان آزادی نخواهند پایه تفکر اسلامی را در این کشور بلرزاند و سست کنند».

طرفداران جامعه روحانیت مبارز همین سخنان خامنه‌ای را بر

## در بیست و یکمین سالگرد جنایت بزرگ تپه‌های اوین



مأمورین ساواک واقع شدند. همان روز سازمان امنیت رژیم شاه در اطلاعیه‌ای به دروغ اعلام کرد ۹ تن از زندانیان حین فرار از زندان کشته شدند. خاطره آن فرزندان دلاور مردم همیشه گرمی و ننگ این جنایت بر دامان رژیم پهلوی ابدی است.

از تنوانترین رهبران و بنیانگذاران آن بود. در سحرگاه ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ فدائیان خلق: بیژن جزئی، حسن ضیا ظریفی، سعید کلانتری، عزیز سرمدی، عباس سورکی، محمد چوبان‌زاده و احمد جلیل افشار و مجاهدین خلق: کاظم ذوالنور و مصطفی جوان خوشدل امج گلوله‌های

در آن سحرگاه شوم، تپه‌های اوین شاهد جنایتی هولناک بود. سرباز جوان ساواک، با برنامه‌ریزی و دستور بالاترین مقامات امنیتی رژیم شاه و تأکید شخص وی، ۹ تن از زندانیان سیاسی را به رگبار بستند. هدف این انتقامجویی حیوانی ایجاد هراس در جامعه و محروم کردن جنبش نوپای فدائیان

### روزی که آنها را کشتند

ساعت پنج و نیم بعد از ظهر بود که روزنامه‌ها را به داخل بند فرستادند. ناگهان سکوت بندهای دو و سه زندان قصر، بند زندانیان سیاسی «زیر دادگاه» را فرا گرفت. پس از هجوم اولیه به روزنامه و خواندن آگهی ساواک، به تدریج سکوت سنگین و سنگین‌تر شد. همه بهت‌زده همدیگر را نگاه می‌کردند. هیچ‌کس یاری سخن گفتن نداشت. سکوت سنگین زندانیان بند پنج نیز از ورای دیوار بلند زندان احساس می‌شد. ناگهان فریاد رعد آسای یک زندانی که بعدها فهمیدم رفیق شهید بهروز سلیمانی بود، از حیاط بند پنج به گوش رسید، «بی شرف‌ها، آدم‌کش‌ها، قاتل‌ها!»

صحت‌ها و تصمیم‌گیری‌های مخفیانه. باید اعتراض کرد. باید افشا ساخت. باید، فردا روز ملاقات است. باید به خانواده‌ها واقفیت را گفت. آن‌ها را به حرکت واداشت. میوه نگیریم، سکوت جمعی کنیم. هفته بعد اعتصاب ملاقات می‌کنیم.

فرای آن روز، روز ملاقات بود. زندانیان پیرو و هوادار سازمان و بسیاری دیگر با لباس سیاه به ملاقات بستگان خود رفتند. به دلیل کمبود لباس‌های سیاه تن به تن می‌گشت.

راس ساعت ده صبح، طبق قرار قبلی بدون آنکه

کسی اعلام کند در حیاط بند تجمع و به احترام زندانیان شهید یک دقیقه سکوت برقرار شد. برای نمایش خشم و اعتراض خویش، انقلابیون زندانی در حیاط زندان به حالت نشسته تجمع کردند. مبارزین زندانی در بندهای یک، هفت و هشت از طریق حیاط بندهای دو و سه به حمام برده می‌شدند. تجمع نشسته به هنگام عبور این مبارزین شکوه ویژه‌ای داشت.

سرهنگ زمانی رئیس جلاذ زندان از خشم به خود می‌پیچید. وی انتظار چنین حرکات و روحیه‌ای را به ویژه از زندانیان در انتظار محاکمه نداشت. عملیات سرکوب آغاز گشت. بلندگوی بند با فاصله‌های طولانی اسامی افراد مورد احترام و به زعم زمانی موثر زندان را می‌خواند. پس از رفتن آنان شکنجه حیوانی آنان در بیرون زندان، پشت پنجره اطاق‌ها آغاز می‌شد. رئیس زندان شاه می‌خواست با ظنن فریادهای غریزی ناشی از شکنجه در دل‌ها هراس افکند. میکروفون «زیر هشت» ساعت‌ها باز و به فراخواندن زندانیان برای شکنجه مشغول بود.

قریب چهل نفر به بندهای دیگر فرستاده شدند و گروهی به انفرادی، اما رئیس زندان شاه در رسیدن به هدف خویش، در ایجاد تزلزل در روحیه پیکارجویانه تماشا ناکام ماند. یاد در خون‌نشستگان و پایداری آنان صدچندان بر پیکارجویی زندانیان می‌افزود.

### توافقنامه نظامی اسرائیل و ترکیه

**سفر شیمون پرز به عمان و قطر**  
اسرائیل در عین حال درصدد جلب شیخ‌نشین‌های خلیج فارس است. شیمون پرز در هفته اول آوریل با سلطان قابوس پادشاه عمان دیدار کرد و سپس به دیدار شیخ حمدین خلیفه آل ثانی امیر قطر شتافت. این مسافرت با واکنش شدید حکومت اسلامی روبرو شد. بعد از این مسافرت، سفیران دو کشور به وزارت امور خارجه فراخوانده شدند و مراتب نگرانی جمهوری اسلامی به آنها ابلاغ شد. مدیر کل امور خلیج فارس به آنها گفت: «سفر پرز به کشورهای کرانه جنوبی خلیج فارس، تهدیدی برای مرزها و امنیت ملی ایران قلمداد می‌شود».

\* خامنه‌ای کشورهای خلیج فارس را از نزدیکی به اسرائیل برحذر داشت و گفت: «تومور بدخیم نمی‌دهد بلکه با بهره‌گیری از ضعف دولت‌های عرب، با آنها روابط اقتصادی ایجاد می‌کند و مانند انگل امکان‌های اقتصادی کشورهای اسلامی را می‌مکد».

بقیه از صفحه اول  
اعراب و کشورهای عراق و سوریه دانست. با امضای قرارداد نظامی بین دو کشور، بنظر می‌رسد که آمریکا و اسرائیل توانسته‌اند پای ترکیه را به همکاری‌های نظامی منطقه‌ای علیه حکومت اسلامی بکشانند. در عین حال این دو کشور به مصر هم فشار می‌آورند به پیمان نظامی منطقه‌ای می‌پیوندند. ویلیام پری وزیر دفاع آمریکا در مسافرت خود به قاهره گفت: «مصر باید در همکاری‌های نظامی منطقه‌ای مشارکت داده شود». گفته می‌شود که در سفر اخیر سلیمان دمیریل به مصر توافق شده است که نوعی پیمان نظامی سه‌جانبه بین مصر، اسرائیل و ترکیه تشکیل شود. قرارداد بین ترکیه و اسرائیل در این راستا بوده است.

درايت دولتمردان فرانسه نیست. در برخوردهای بعدی مقامات حکومتی اسلامی بر موقتی بودن بحران در مناسبات بین دو کشور تأکید کردند. مدیر کل امور آفریقای وزارت امور خارجه در مصاحبه با الحیات اعلام کرد. حکم دستگیری فلاحیان تنها در روز پس از نشست شرم‌الشیخ صادر شد و همین مسأله نشانه ارتباط آن با سیاست آمریکایی - اسرائیلی برای انزوای ایران است. او اضافه نمود: این جریان بر روابط ایران و اروپا اثر نخواهد گذاشت زیرا کشورهای اروپایی از جنگ خلیج فارس درس گرفته‌اند، چون با وجود کمک‌های فراوان این کشورها در چریان جنگ خلیج فارس، این فقط آمریکا بود که در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی سود برد.

### شکست مأموریت هیأت ترویکا

زمینه تروریسم آنان به تکرار و مواضع قبلی خود دایر بر اینکه جمهوری اسلامی خود قربانی تروریسم است، ادامه دادند.

مسئولین جمهوری اسلامی در واکنش علنی نسبت به مأموریت هیأت ترویکا بر مواضع گذشته خود پای فشردند و حاضر به عقب‌نشینی در این زمینه نشدند. در

بقیه از صفحه اول  
سیاسی و اقتصادی برای روابط دو کشور خواهد بود» تندترین اظهار نظر از جانب یزدی در نماز جمعه بیان شد، او حکم دادستان فدرال آلمان را ناشی از فشارهای آمریکا و اسرائیل خواند و گفت در صورتی که این مشکل حل نشود ایران ناگزیر از مقابله به مثل، خواهد بود. وی اضافه کرد: «ما نیز دربارہ رجال معروف دنیا از اروپا و آمریکا پرونده‌های خطرناکی را می‌توانیم طرح و آنان را محکوم کنیم».

رئیس قوه قضائیه اظهار داشت: من فکر می‌کنم دولتمردان آلمان همانند فرانسه قضیه را حل کنند و تسلیم استکبار نشوند، زیرا به اعتقاد ما «درايت دولتمردان آلمان کمتر از روندبوده‌است».

## مرگ در جشن تولد ۲۳ سالگی

مرگ دل‌خراش یک جوان ۲۳ ساله‌ی تهرانی به نام علیرضا فرزانه‌فر که در میهمانی جشن تولدش در هفته‌ی گذشته اتفاق افتاد، موجی از خشم و تنفر را در میان مردم تهران به‌ویژه در محله‌ی شهرک غرب ایجاد کرده است. خبرگزاری فرانسه از قول شاهدان عینی حادثه گزارش داده است که در جریان میهمانی جشن تولد، نیروهای بسیجی برای برهم زدن آن به آپارتمان محل سکونت علیرضا فرزانه‌فر که در طبقه‌ی ۱۸ ساختمانی در شهرک غرب واقع است، ریخته و پس از ضرب و شتم مهمانان و گلاویز شدن با صاحب

## تکذیب دخالت «رهبر» در انتخابات

خامننه رهبر رژیم در جریان انتخابات دوره‌ی پنجم مجلس شورای اسلامی، برای بار دوم دخالت خود را به هر شکل در روند این انتخابات تکذیب کرد. این عمل با صدور اطلاعیه‌ی از سوی دفتر وی صورت گرفت. در اطلاعیه‌ی دفتر خامننه که در روز یکشنبه‌ی این هفته در نشریات داخلی چاپ گردید، آمده است، اخیراً برخی افراد مطالبی را از قول این دفتر نقل کرده‌اند و برخی از روزنامه‌ها بدون تحقیق به درج آن مطالب پرداخته‌اند. این در حالیست که خامننه در

## خبرهای کوتاه

### ادعای تازه سفیر رژیم در آلمان

حسین موسویان سفیر جمهوری اسلامی در آلمان، اخیراً ادعا کرد که قتل زنده‌یاد شرفکندی و یارانش توسط عوامل خارجی صورت گرفته و رژیم حاکم بر ایران در این قتل هیچ دخالتی نداشته است. موسویان اظهار داشت که وی می‌تواند اسنادی را در اثبات ادعایش در اختیار رسانه‌های گروهی جهان قرار دهد. موسویان فاش ساخت که چرا وی و رژیم متبوعش اینک قصد دارند به این تلاش مذبحانه برای رفع اتهام از خویش دست زنند و چطور قبل از صدور قرار بازداشت بین‌المللی برای علی فلاحیان رئیس ساواک رژیم توسط قوه قضائیه‌ی آلمان «اسناد» خود را منتشر نکرده‌اند.

### یک جلد کتاب تیراژ سرانه سالانه

علیرضا برازش، معاون فرهنگی وزارت ارشاد اسلامی رژیم هفته‌ی گذشته با افتخار اعلام کرد که در سال ۱۳۷۴، ۱۱ هزار و هفتصد و شصت و دو عنوان کتاب با تیراژ ۶۰ میلیون و نهصد و بیست هزار منتشر شده است که نسبت به سال پیش از آن افزایشی به میزان ۶ میلیون نسخه و ۱۶۰۰ عنوان کتاب نشان می‌دهد. وی همچنین اطمینان داده است که زینک و کاغذ ناشران به قیمت دولتی ارائه می‌شود و حتی در صورتی که امسال رشدی ۴۰ تا ۵۰ درصدی در چاپ و نشر کتاب وجود داشته باشد، مشکل کاغذ وجود نخواهد داشت.

### سروش: دین همواره به تفسیر نو نیاز دارد

عبدالکریم سروش متفکر مذهبی معاصر ایران که ابراز عقایدش جنجال بزرگی را در سال‌های اخیر در جمهوری اسلامی ایجاد کرده است، اخیراً در پاریس در چهارچوب سمینار جدید یونسکو که با عنوان «ما کیستیم؟» برگزار شد، سخنرانی کرد. وی اظهار داشت: دین برای همخوانی با روزگار خود همواره محتاج تفسیر تازه‌ی است و تفسیر نیز به ناچار همیشه تاریخی است. وی در سخنرانی خود علاوه بر تشریح جنبه‌هایی از مذهب اسلام و شیعه، عرفان را از عناصر اصلی شکل‌دهنده‌ی ذهنیت و هویت ایرانیان دانسته، به توصیف تشابهات و تفاوت‌های عرفان حافظ و مولوی پرداخته است.

### حمایت کنگره‌ی آمریکا از بهائیان ایران

نمایندگان کنگره‌ی آمریکا در یکی از جلسات اخیر خود به اتفاق آراء قطعنامه‌ی را تصویب کردند که در آن از رژیم جمهوری اسلامی خواسته شده است که هر چه زودتر از اعمال فشار و ایجاد تضيیقات نسبت به بهائیان دست بردارد. در جریان صدور این قطعنامه در کنگره‌ی آمریکا اعلام شد که از مجموع ۵ میلیون بهائی که در سراسر جهان زندگی می‌کنند، ۳۰۰ هزار نفر در ایران و ۱۲۰ هزار تن در آمریکا به سر می‌برند و بهائیان ایران (محل پیدایش این دین) از اساسی‌ترین آزادی‌های اولیه‌ی انسانی محروم می‌باشند.

### شرایط ارزشیابی مدارک فارغ‌التحصیلان

دکتر سلیمانی معاون دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی شرایط جدید ارزشیابی مدارک تحصیلی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های خارج از کشور را اعلام نمود. وی گفت که اعتبار و شرایط ورود دانشگاه محل تحصیل، طول دوره‌ی تحصیل، تعداد واحدهای تعیین شده در طول دوره، سطح نمرات کسب شده و کیفیت پایان‌نامه و تعداد مقالاتی که در مجلات مختلف از سوی دانشجو به چاپ رسیده است، از عوامل مؤثر در ارزشیابی مدارک تحصیلی فارغ‌التحصیلان خواهد بود. وی گفت که از سال ۱۳۶۷ تا پایان ۱۳۷۴ تعداد ۲۱۶۵ فارغ‌التحصیل دوره‌های مختلف دکتری از کشورهای مختلف به ایران مراجعت کرده‌اند و مدارک آنان ارزشیابی شده است و وی همچنین ابراز داشت که در راستای تأمین اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های داخل کشور در سال ۷۵ به حدود ۸۰۰ دانشجوی دکتری داخل بورس تحصیلی داده خواهد شد.

### تاکسی‌های تهران گازسوز می‌شوند

هاشمی عرب مدیر عامل تاکسی‌رانی تهران هفته‌ی گذشته اعلام کرد که تا پایان شهریورماه امسال کلیه‌ی تاکسی‌های تهران گازسوز می‌شوند. وی گفت هم‌اکنون از ۲۳ هزار تاکسی که در شهر تهران مشغول به کار هستند، بیش از ۱۴ هزار عدد گازسوز شده‌اند.

### تعریف جاده‌ی کرمانشاه - خسروی

اکبر ترکان وزیر راه و ترابری جمهوری اسلامی اعلام کرد که به خاطر تسهیل تردد زائران عراق جاده‌ی کرمانشاه به خسروی در آینده‌ی نزدیک چهار بانده می‌شود و از این طریق ارتباط زمینی ایران با عراق برقرار می‌شود. وی همچنین اظهار داشت که با بهره‌برداری از تونل آزادی در ایلام در پایان امسال علاوه بر خارج شدن استان ایلام از بن‌بست جغرافیایی، ایران از طریق جاده‌ی دیگری نیز به عراق متصل می‌شود.

### افزایش مالیات خرید و فروش خودروها

وزارت امور اقتصادی و دارایی اعلام کرد که از این پس مالیات انواع سواری پیکان مدل ۱۳۷۵ که بهای فروش آن در سال جاری ۲۹ میلیون ریال تعیین شده است، به میزان یک درصد و معادل ۲۹۰ هزار ریال است. مالیات اتومبیل‌های مدل ۶۷ و پایین‌تر از آن نیز ۵۸ هزار ریال تعیین گردیده است. افزایش اخیر در حالی صورت می‌گیرد که پیش از آن نیز بازار اتومبیل در کشور به علت قیمت‌های بالای نامتناسب با قدرت خرید مردم از مدها پیش راکد می‌باشد.

### تلاش «بهار»

#### برای رفع توقیف

یکی از مسئولان نشریه‌ی «بهار»، نشریه‌ی که سال گذشته پس از انتشار تنها سه شماره توقیف گردید، اعلام کرد از آنجا که دست‌اندرکاران این نشریه معتقدند که توقیف نشریات مطلقاً در حیطه‌ی وظائف هیئت نظارت بر مطبوعات نیست، شکایت خود را نسبت به توقیف این نشریه به دیوان عدالت اداری ارائه کرده‌اند. وی اظهار داشت که نامه‌ی مفصلی نیز خطاب به اعضای هیئت نظارت نوشته شده است که در آن کلیه‌ی استدلال‌های لازم برای نشان دادن غیرقانونی بودن اقدام آنان بیان گردیده است. این عضو هیئت تحریریه‌ی نشریه‌ی «بهار» خاطر نشان کرده است که بعضی از اعضای هیئت نظارت مخالفت خود را با تصمیم اعلام شده‌ی این هیئت ابراز کرده‌اند.

### احداث نیروگاه‌های خورشیدی و بادی، اقدامی درست است

مهندس داریوش فروغی مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی انرژی وزارت نیرو هفته‌ی گذشته اعلام کرد که نظر به محدودیت منابع انرژی فسیلی، مسئله‌ی افزایش آلودگی محیط زیست، اثرات پدیده‌ی گلخانه‌ی و تخریب لایه‌ی اوزون ضرورت به کارگیری و استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی، باد و بیوگاز بیش از پیش آشکار شده است و از این‌رو ساخت نخستین نیروگاه‌های خورشیدی و بادی در کشور آغاز شده است. داریوش فروغی اظهار داشت از ۱۵ سال پیش تاکنون نمونه‌های تحقیقاتی استفاده از انرژی‌های خورشیدی، بادی و بیوگاز مانند ساخت ۵ دستگاه گرمابه‌ی خورشیدی، چند دستگاه توربین بادی و دستگاه‌های آب‌شیرین‌کن در کشور مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و در این راستا هم‌اکنون طرح

### با تهران بو گرفته چه باید کرد؟

روزنامه‌ی اخبار چاپ تهران چندی پیش در یکی از مقالات خود نوشت که شب‌ها خیابان‌های شهر بوی فاضل آب می‌دهد و بوهای مشتمل کننده سلامت شهر را تهدید می‌کند و آب آشامیدنی بعضی از مناطق هم بوی فاضل آب گرفته است. افزایش رشد جمعیت تهران و نبود شبکه‌ی فاضل آب شهری و پوشیدگی بسیاری از لوله‌های انتقال آب آشامیدنی باعث آلودگی آب و هوای تهران شده است. تأسیسات بزرگ و برج‌های مسکونی تازه‌ساخته شده که هزاران نفر در آن

### کشف مواد منفجره در کشتی جمهوری اسلامی

پلیس بلژیک اخیراً اعلام کرد در کشتی «ایران کلاهدوز» که از بندرعباس عازم هامبورگ بود، در زمان توقیف در بندر آنورس در این کشور، مواد منفجره‌ی کشف کرده است.

### کارنامه عملیاتی ساواک رژیم در آذربایجان غربی

مدیرکل اطلاعات آذربایجان غربی هفته‌ی گذشته ادعا کرد واحد تحت سرپرستی وی در سال گذشته، ۷ شبکه‌ی جاسوسی را که برای کشورهای بیگانه فعالیت می‌کردند شناسایی و ده‌ها نفر را در این رابطه دستگیر و مقادیری لوازم عتیقه و دستگاه‌های صوتی و تصویری را ضبط کرده است. وی همچنین اظهار داشت که آن واحد در سال ۷۴ به ۳ تیم مسلح مخالف رژیم ضربه وارد کرده و ضمن دستگیری ۲۲ تن از آنان، ۸۷ قبضه اسلحه و مقادیری مهمات به دست آورده است. رئیس ساواک رژیم در آذربایجان غربی در زمینه‌ی قاچاق مواد مخدر آذربایجان غربی در سال ۷۴، ۱۲۷ نفر از اعضای ۲۳ شبکه‌ی قاچاق سلاح و مهمات جنگی و شکاری بازداشت شدند و ۷۰۴ قبضه سلاح شکاری، ۱۳۱۸ قبضه سلاح جنگی سبک و سنگین و ۱۲ دستگاه خودرو متعلق به آنان کشف و ضبط شده است. رئیس ساواک رژیم در آذربایجان غربی کشف شبکه‌های قاچاق کالا و احشام را نیز از دیگر دست‌آوردهای آذره‌ی تسلیت سرپرستی‌اش در سال ۷۴ ذکر نمود.

### تبانی رژیم‌های ایران و آمریکا

روزنامه‌ی لس‌آنجلس تایمز در شماره‌ی ۵ آوریل خود از قول مقامات آمریکایی که نامی از آنها نبرده است فاش ساخت در مقطعی که سازمان ملل متحد، تحریم ارسال اسلحه به طرف‌های درگیر در جنگ بوسنی را اعلام کرده بود، رژیم جمهوری اسلامی با توافق کلیتون رئیس جمهور آمریکا به مسلمانان بوسنی کمک نظامی می‌کرد. این روزنامه می‌نویسد که دو دیپلمات آمریکایی به دستور کاخ سفید و وزارت امور خارجه‌ی آمریکا تایمز صحت آنرا تکذیب کرده، ادعا کردند که همواره قطعنامه‌های سازمان ملل متحد را محترم شمرده‌اند. با این حال سناتور رابرت دول رئیس سنای آمریکا و کاندیدای ریاست جمهوری حزب جمهوری خواه در مجلس سنای آن کشور خواسته است که در این مورد تحقیق کند.

### از زندگی دردآلود سالخوردگان

● بر این باورم که مرگ برای بازنشسته یک خوشبختی و نعمتی است که به آسانی به او نمی‌دهند. وقتی در اینجا کسی دستش به جایی نمی‌رسد باید برود و بمیرد. وقتی مرگ هم آدم را نمی‌خواهد چقدر هولناک است. همه از مرگ متفرند و بازنشسته از زندگی نکبت‌بار خود.

● حدود ۱۵ روز است که یک پیرزن به همراه دخترش در خیابان (زیر پل سیدخندان) بسر می‌برند و علت آن هم تخلیه‌ی خانه از سوی صاحبخانه می‌باشد. آنها در این برف و سرما وضع اسفناکی دارند.

● کارمند بازنشسته هستم. چندسال پیش فرزندانم به تحریک همسرم خانه و زندگی را از دستم گرفتند و از خانه بیرون کردند و در این مدت در گوشه و کنار دعات و روستا توانستم زندگی کنم.

● حالا دیگر در روستاها زندگی برام مقدور نیست. الان سه ماه است که در تهران سرگردانم. با حقوق بازنشستگی که مختصر هست امرار معاش می‌کنم. توانایی دارم که کار کنم و در قبال انجام کار مختصر حقوقی بگیرم که در زمستان نمیرم.

● در اوایل انقلاب در یک سخنرانی گفته شد بازنشسته درخت خشکی است که ریختن آب پای درخت خشکیده امری عبث است، اما همین درخت حامل شاخه‌هایی است که آنها را در برابر طوفان حوادث حفظ می‌کند. درثانی چاه بازنشسته در کنار خود اوست که در مدت ۳۰ سال کار کردن قطره قطره آب به بهای از دست دادن عصاره‌ی جانش در آن انبار کرده و کمترین توقعی از مسئولین نداشته است.

از پیام‌های تلفن خوانندگان روزنامه‌ی سلام



## از رنج و حرمان مردم محروم میهنم

یکی از دستیاران سازمان ما اخیراً سفری به ایران داشته است. وی گزارشی از مشاهدات خود را که به هنگام گشت و گذار روزانه‌اش در تهران تهیه نموده، برای ما ارسال کرده است که در اینجا از نظر شما خوانندگان عزیز نشریه می‌گردد.

کاشان را به قصد تهران ترک می‌کنم، نیمه شب است. آقای راننده که از اصفهان به کاشان مسافر آورده، اصفهانی است. به قول خودش قرار بود که اشب پیش زن و بچه‌اش باشد ولی چون مسافر دارد، به تهران می‌رود. وی می‌گوید پسر را داماد کرده‌ام، بالاخره و قش بود، می‌ترسیدم به فساد کشیده شود. باز نشسته است و بیش از ۵۰ سال سن دارد. می‌گوید برای ازدواج پسرش حداقل ۳۰۰ هزار تومان پول لازم دارد. من مجبورم با او دائم صحبت کنم، چرا که او خسته است و گاهی چرت می‌زند. نوار معین را می‌گذارد و می‌گوید مردی از اصفهان، خستگی را از تنم در می‌آورد. در پاساگاه بسین شهری چلوی ماشین را می‌گیرد. از کجا می‌آید؟ به کجا می‌رود؟ صندوق عقب را باز کنید! آقای راننده می‌پرسد سم است؟ آمد سرباز می‌گوید آره. چند کیلو؟ سنگین نیست به سلامت، پیدایش می‌کنم. راننده توضیح می‌دهد: حتماً او رفته، به من بارها پیشنهاد شده ولی من اهلبن نیستم. باز از بسین می‌آید از طریق کرمان. از سوی مأمور پاساگاه توصیه شد که در راه توقف نکنیم چرا که همین دیروز جلوی دو ماشین را گرفته‌اند و آنها را لخت کرده‌اند. از امنیت راه‌ها می‌پرسم. آقای راننده که هنوز اعتمادش جلب نشده می‌گوید ای آقای مردم گرسنه هستند، دوستی می‌گوید کاش من یک لبنانی یا اهل بوستنی بودم چون که این دولت فقط به اینها خیر می‌رسد. از قم می‌گذریم، وی می‌گوید آقا اگر خبری بشود از اینجا خواهد شد، باور کنید شاه از قم چنان می‌ترسید که جرئت سروکوب نداشت، همین چند وقت پیش که صدای عدوه‌ی به‌قول اینها ضد ولایت فقیه از قم درآمد، خود آقا (خامنه‌ی) آمد نشست قم، همه را سروکوب کردند و رفتند. بله اینها عامه‌ی منتظری را روی سرش کشیدند، ببینید با ما چه می‌کنند.

به تهران می‌رسیم، سبک رانندگی آقای راننده بکلی عوض می‌شود، وی می‌گوید: تهران اگر جا پیدا کردی باید بسوی وگرنه اینها به هیچ‌کس رحم نمی‌کنند. از ماشین او پیاده می‌شوم و با یک ماشین شخصی به سوی میدان انقلاب می‌رویم. از راننده می‌پرسم آقا مسافرتی در تهران صرف می‌کنند؟ او به من چپ چپ نگاه کرده می‌گوید: آقا مگر امروز چی صرف می‌کنند او که لهجه‌ی شهرستانی دارد می‌گوید بچه‌ی تهران است ولی تمام تعمیرات ماشین را در شهرستان می‌کنند چون در تهران صرف نمی‌کنند، اما در عوض در شهرستان هم مسافرتی صرف نمی‌کنند. خدا برکت بده تهران را. مسافر زیاد و خانم‌ها در جلو سوار می‌شوند.

آقای راننده از او می‌پرسد: آقا بالاخره کسی انتخاب شد؟ مسافر روزنامه‌خوان خیلی جدی می‌گوید آقا انتخابات هنوز برگزار نشده. راننده با خنده می‌گوید: آقا شده، شده نکرتم کجای کاری. مسافر دیگری می‌گوید مگر به حال من و شما فرق هم می‌کند و هوگی با اتفاق نظر می‌گویند نه آقا، راستی که فرقی نمی‌کنند. در میدان انقلاب پیاده می‌شوم کنار خیابان کوبن فروش‌ها ایستاده‌اند و فریاد می‌زنند: کارمندی، کارگری، باطل شده، باطل نشده، شهری و روستایی خریداریم. با خود فکر می‌کنم حداقل عقب‌نشینی فعلی دولت از سیاست‌های رفسنجانی و روی آوردن به سیاست‌های قدیمی دولت موسوی حداقل به این چند نفر کوبن فروش خوب ساخته است. اما در همین حال مأموران انتظامی حمله می‌آورند و بساط آنها را در هم می‌ریزند. این افراد اغلب شهرستانی (آذری، کرد و ...) هستند که در تهران حداقل پول بخور و نمیری گیرشان می‌آید.

بازار کتاب در جلوی دانشگاه ظاهراً همچنان گرم است. کتب کمکی یادگیری زبان و فرهنگ لغت بازارش از همه چیز داغ‌تر است. کلاً کتاب‌های خارجی فنی (عمدتاً کامپیوتر) که همه چاپ افست

هستند بسیار گران و پرفرقدارند، اینجا هم کنار پیاده‌رو عدوه‌ی ایستاده‌اند: جزوات کنکور، درسی، غیردرسی، جزوات رزمندگان، جدید، کهنه، خرید، فروش. در مورد کتب غیر درسی گفته می‌شود که اوضاع کتابخانه‌ی خورده است یعنی که مطلب جهت‌دار بیشتر خوانده می‌شود. از طرفی از بحران بعد از فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم و شوک حاصل از آن نیز مدتی گذشته است. از سوی نیروهای مذهبی هم، جنجال در مورد نظرات سروش، فعالیت مجدد مجاهدین انقلاب اسلامی و ارائه‌ی نظراتشان باعث گردیده است که بازار مطالب به‌قول معروف بود گرم‌تر شود. پدیده‌ی جالب اینکه شریعتی دوباره پشت و پشیمان شده و کتاب‌هایش را با باز کرده و آثار فلسفی مخصوص نسیجه و دورانت تجدید چاپ شده و پرفرقدار هستند. از کتب پرفروش دیگر: فرصت را دریابید (ریچارد نیکسون)، انسان دوستی و خشونت (موریس مریلوپونتی)، به‌سوی تمدن جدید (تسافر)، صدای آواز شجران از کتاب‌های پگوش می‌رسد، نوارهای جدید او به‌سرعت به فروش رفته و حتی کمیاب شدند. با اینکه بر روی یک کاست تولید داخل و با کیفیت بسیار پایینی عرضه شده است. گفته می‌شود که شجران خود به این کار رضایت داده است. تنوع نوارهای موسیقی کلاسیک پشت و پشیمان چشم‌گیر است و حاکی از آن می‌باشد که در سال‌های گذشته موسیقی کلاسیک طرفدار بسیار پیدا کرده است. به خیابان ولی‌عصر می‌رویم، شب عید است و مردم در حال خریدند یا حداقل سعی می‌کنند که بتوانند چیزی بخرند. قیمت‌ها هیچ تناسبی با حقوق متوسط مردم ندارد. برای مثال یک معلم دوره‌ی راهنمایی فوق‌دیپلم ۲۲ هزار تومان حقوق و ۱۲ هزار تومان عیدی می‌گیرد در حالی که قیمت یک جفت کفش ۳ تا ۵ هزار تومان، شلوار ۵ تا ۹ هزار تومان و پیراهن ۱ تا ۳ هزار تومان می‌باشد. البسه‌ی زنانه از این هم گران‌تر است. تازه قیمت‌های ذکر شده مربوط به کم‌کیفیت‌ترین اجناس در بازار است. امروز از پولدارها در خیابان ولی‌عصر خبری نیست، بازارها صرفی و میدان محسنی و بالاتر محل خرید طبقات پردرآمد است. خیابان ولی‌عصر جلوانگاه طبقه‌ی متوسط و کم‌درآمد شده است. در نتیجه کیفیت همه‌ی اجناس با درآمد آنها منطبق است. وقتی به چهارراه امیراکرم می‌روم باور نمی‌شود که این همه‌ی اجناس چهارراه است. در گوشه‌ی جنوب غربی عدوه‌ی زیادی کارگر ایستاده‌اند و منتظر آمدن احتمالی کارفرمایی هستند که شاید کاری برایشان داشته باشد. عدوه‌ی از آنها درحین انتظار به خرید و فروش کوبن و اجناس ضروری از جمله روغن، برنج و قند و شکر مشغول هستند، عدوه‌ی هم از طرف مغازه‌دارهای داخل پاساژ اجیر شده‌اند تا مشتری برای آنها جمع کنند. عدوه‌ی با لباس کروی آنجا ایستاده‌اند از یکی از آنها می‌پرسم ساعتی چند کار می‌کنند؟ می‌گوید چه کاری؟ می‌گویم کار ساختمانی یا پاربری. می‌گوید چهارصد تومان ساعتی و ادامه می‌دهد بچه‌ی نقره است و برای کار به تهران نیامده، بلکه پدرش را به بیمارستان آورده که باید عمل شود، او هم باید کار کند تا خرج دارو و دکتر پسر را درآورد. او با احساسی ضدتهرانی می‌گوید: در این خراب شده همه‌جا تهرانی‌ها از پول می‌گیرند در بیمارستان من و شما فرق هم می‌کند و هوگی با اتفاق نظر می‌گویند نه آقا، راستی که فرقی نمی‌کنند. در میدان انقلاب پیاده می‌شوم کنار خیابان کوبن فروش‌ها ایستاده‌اند و فریاد می‌زنند: کارمندی، کارگری، باطل شده، باطل نشده، شهری و روستایی خریداریم. با خود فکر می‌کنم حداقل عقب‌نشینی فعلی دولت از سیاست‌های رفسنجانی و روی آوردن به سیاست‌های قدیمی دولت موسوی حداقل به این چند نفر کوبن فروش خوب ساخته است. اما در همین حال مأموران انتظامی حمله می‌آورند و بساط آنها را در هم می‌ریزند. این افراد اغلب شهرستانی (آذری، کرد و ...) هستند که در تهران حداقل پول بخور و نمیری گیرشان می‌آید.

بازار کتاب در جلوی دانشگاه ظاهراً همچنان گرم است. کتب کمکی یادگیری زبان و فرهنگ لغت بازارش از همه چیز داغ‌تر است. کلاً کتاب‌های خارجی فنی (عمدتاً کامپیوتر) که همه چاپ افست

می‌خرم چهارصد و سه می‌فروشم. این کار پردرست است و می‌تواند برای آنها بسیار گران تمام شود ولی اجبار آدم را به همه کار وامی‌دارد. در مغازه‌های خیابان جمهوری و فسور اجناس (مشخصاً لوازم خانگی) چشمگیر است. نتیجه‌ی سیاست آقای رفسنجانی اینکه یک ایرانی می‌تواند یک سری دستگاه صوتی بخری به قیمت ۸۰۰ هزار تومان، یک میلیون تومان، یک و نیم میلیون تومان. به‌خجالت فریزر ۸۰۰ هزار تومان، مبل چرم آلمانی ۲ میلیون تومان، تلفن موبایل یک میلیون و دویست هزار تومان. اما خرید جنس خارجی از مشکل‌ترین کارها در ایران است. مثلاً به سراغ تلفن می‌رویم. آقا تلفن پاناسونیک با سیم زاپنی چنده؟ ۳۲ تومان (۱۰۰۰×) در مغازه‌ی بعدی ۷۰ تومان (۱۰۰۰×) با تعجب در مورد اختلاف قیمت می‌پرسم. وی توضیح می‌دهد: داداش می‌دانم خریدار نیستی ولی قضیه اینستوری‌هاست پاناسونیک زاپنی، مشترک داریم، تایوانی داریم، زاپنی داریم. یعنی لوازم تلفن مشترک از چند کشور است، تلفن با لوازم زاپنی مونتاژ تایوان و تلفن اصل اصل زاپن. اگر می‌خواهی بعد شد ماه دوباره تولید داخل و با کیفیت بسیار پایینی عرضه شده است. گفته می‌شود که شجران خود به این کار رضایت داده است. تنوع نوارهای موسیقی کلاسیک پشت و پشیمان چشم‌گیر است و حاکی از آن می‌باشد که در سال‌های گذشته موسیقی کلاسیک طرفدار بسیار پیدا کرده است. به خیابان ولی‌عصر می‌رویم، شب عید است و مردم در حال خریدند یا حداقل سعی می‌کنند که بتوانند چیزی بخرند. قیمت‌ها هیچ تناسبی با حقوق متوسط مردم ندارد. برای مثال یک معلم دوره‌ی راهنمایی فوق‌دیپلم ۲۲ هزار تومان حقوق و ۱۲ هزار تومان عیدی می‌گیرد در حالی که قیمت یک جفت کفش ۳ تا ۵ هزار تومان، شلوار ۵ تا ۹ هزار تومان و پیراهن ۱ تا ۳ هزار تومان می‌باشد. البسه‌ی زنانه از این هم گران‌تر است. تازه قیمت‌های ذکر شده مربوط به کم‌کیفیت‌ترین اجناس در بازار است. امروز از پولدارها در خیابان ولی‌عصر خبری نیست، بازارها صرفی و میدان محسنی و بالاتر محل خرید طبقات پردرآمد است. خیابان ولی‌عصر جلوانگاه طبقه‌ی متوسط و کم‌درآمد شده است. در نتیجه کیفیت همه‌ی اجناس با درآمد آنها منطبق است. وقتی به چهارراه امیراکرم می‌روم باور نمی‌شود که این همه‌ی اجناس چهارراه است. در گوشه‌ی جنوب غربی عدوه‌ی زیادی کارگر ایستاده‌اند و منتظر آمدن احتمالی کارفرمایی هستند که شاید کاری برایشان داشته باشد. عدوه‌ی از آنها درحین انتظار به خرید و فروش کوبن و اجناس ضروری از جمله روغن، برنج و قند و شکر مشغول هستند، عدوه‌ی هم از طرف مغازه‌دارهای داخل پاساژ اجیر شده‌اند تا مشتری برای آنها جمع کنند. عدوه‌ی با لباس کروی آنجا ایستاده‌اند از یکی از آنها می‌پرسم ساعتی چند کار می‌کنند؟ می‌گوید چه کاری؟ می‌گویم کار ساختمانی یا پاربری. می‌گوید چهارصد تومان ساعتی و ادامه می‌دهد بچه‌ی نقره است و برای کار به تهران نیامده، بلکه پدرش را به بیمارستان آورده که باید عمل شود، او هم باید کار کند تا خرج دارو و دکتر پسر را درآورد. او با احساسی ضدتهرانی می‌گوید: در این خراب شده همه‌جا تهرانی‌ها از پول می‌گیرند در بیمارستان من و شما فرق هم می‌کند و هوگی با اتفاق نظر می‌گویند نه آقا، راستی که فرقی نمی‌کنند. در میدان انقلاب پیاده می‌شوم کنار خیابان کوبن فروش‌ها ایستاده‌اند و فریاد می‌زنند: کارمندی، کارگری، باطل شده، باطل نشده، شهری و روستایی خریداریم. با خود فکر می‌کنم حداقل عقب‌نشینی فعلی دولت از سیاست‌های رفسنجانی و روی آوردن به سیاست‌های قدیمی دولت موسوی حداقل به این چند نفر کوبن فروش خوب ساخته است. اما در همین حال مأموران انتظامی حمله می‌آورند و بساط آنها را در هم می‌ریزند. این افراد اغلب شهرستانی (آذری، کرد و ...) هستند که در تهران حداقل پول بخور و نمیری گیرشان می‌آید.

بازار کتاب در جلوی دانشگاه ظاهراً همچنان گرم است. کتب کمکی یادگیری زبان و فرهنگ لغت بازارش از همه چیز داغ‌تر است. کلاً کتاب‌های خارجی فنی (عمدتاً کامپیوتر) که همه چاپ افست

روشن کنی به این معنی که من در کار خلاف نیستم ولی اگر خلاف هم ببینم کاری ندارم. در مسایلی ما برادری خواهرش را کشت چرا که خواهر خودفروشی می‌کرد اما خود برادر هم خلاف می‌فروشد. مدرسه را باید فراموش کرد. باید خودت درس بخوانی، مدیر مدرسه مسافرتی می‌کند، دیر هم سیگار می‌فروشد، ناظم پول از پدر و مادرها می‌گیرد تا نمره برای بچه‌ها از دبیران بگیرد و این رشته سر دراز دارد. امروز دانشگاه غیر انتفاعی هم زده‌اند. یعنی آدم پولدار دانشگاهش هم تأمین است ولی کلاه ما پس معرکه است، سیاست را باید فراموش کرد. اینها آخوندها خودشان را سیر کنند هنر کرده‌اند.

واقعیت هم اینست که اینان سیاست را فراموش کرده‌اند مثلاً اگر بررسی چند وزیر را می‌شناسی کمتر کسی پیدا می‌شود که نامی را غیر از رفسنجانی بدانند. البته سیاست هم این افراد را فراموش کرده و علاقه‌ی به حل مسائل آنان ندارد. به قسمت شرقی تهران میدان امام حسین می‌روم ساعت ۵ بعدازظهر است در نگاه اول فکر می‌کنی تظاهرات یا مراسمی در آنجا برگزار می‌شود. بعد به من می‌گویند که از دحام اینجا کاملاً طبیعی است. سر هر خیابانی که به میدان ختم می‌شود اتومبیل‌ها ایستاده‌اند و مسافرتی می‌کنند و چند افسر و سرباز هم مدام به سراغ آنها می‌روند و بعد از گرفتن حق زحمت تذکری به آنها می‌دهند که آقا حرکت کن. راننده‌ی می‌گوید ملکیتی که سرگرد آن دویست تومان رشو بگیرد باید درش را بست آقا. دست‌فروش‌ها کنار خیابان همه چیز می‌فروشد. ماهی، مرغ، بربری، جوراب، قرقره، و قتره ...

لحظه‌ی می‌ایستم و به اطراف نگاه می‌کنم، همه در حال جنب و جوش‌اند. جسمیتی به سه جرات می‌توان گفت تعدادشان به ۵ هزار نفر می‌رسد و بخش زیادی از آنها بنظر شهرستانی می‌رسند. نسل جمهوری اسلامی تا دیده همین بوده است. لحظه‌ی به مسائل محیط زیست، آلودگی هوا، کنترل جمعیت، ساختار شهری، تربیت کودکان، فقر و ... فکر می‌کنم و یاد سخنرانی می‌افتم که می‌گفت: ایران می‌رود تا به یک بنگلادش دیگر بدل شود. مرتضی الویری از دولتمردان با نفوذ می‌گوید: برای سازندگی کشور تنها ۱۰ تا ۲۰ سال دیگر فرصت داریم. با خود فکر می‌کنم کدامیک از این مسائل را این آقایان می‌توانند در عرض ۱۰ تا ۲۰ سال حل کنند؟ سال از انقلاب گذشت تا افرادی بین دولتمردان پیدا شوند و بدانند که در فرهنگ لغت کلمه‌ی به نام توسعه هم وجود دارد. چند سال طول خواهد کشید تا این آقایان بفهمند چگونه می‌توان کشور را توسعه داد! باز هم کنار خیابان ایستاده و منتظر ماشین هستم، مسیر به سمت شمال است. بالاخره اتومبیلی برای من توقف می‌کند ولی تنها بعد از اینکه به مقصد کلمه‌ی دویست تومان را هم اضافه کردم. در راه دو نفر با هم صحبت می‌کنند، اولی: به تو گفتیم اگر پول داری بیار بنذاریم تو کار، دیگری: آره بخدا! اگر سیزدهمینی می‌فروشی دیدم الان پولمان دو برابر شده بود، اولی: می‌گویند سکه اعلام کرده‌اند و سکه گران شده، فردا باید یک سری بومر بانک پیش یارو، دومی: عجب وضعی شده می‌گویند تازه بعد از انتخابات و بعد از عید همه چیز گرانتر می‌شود، سکه هم همینطور. اولی: فعلاً اینها افتاده‌اند به پول جمع کردن. برای پراید (اتومبیل کره‌ای) پول بریزید، برای موبایل پول می‌خواهند. حقوق کارمندان را باید یک جوری بدهند. دومی: بخوره توی سرشان، خواهر فوق‌دیپلم من راهنمایی درس می‌دهد ۱۲ تومان (۱۰۰۰×) عیدی به او می‌دهند پول لباس عید بچه‌ی من می‌دهند. اتومبیل یک تاکسی است و راننده یک راننده‌ی خطی است. وی می‌گوید از اوایل انقلاب کار تاکسی می‌کند. هر روز حداقل ۵ تا ۸ هزار اتومبیل شخصی تنها از اطراف تهران به تهران می‌آیند تا مسافرتی کنند (آمار اتحادیه‌ی تاکسیرانی). از او می‌پرسم اتحادیه‌ی تاکسیرانی لوازم یکدی در اختیار شما می‌گذارد؟ وی می‌گوید نه آقا این صحبت‌ها قدیمی شده، لوازم پیش‌پا افتاده شاید، بقیه را باید آزاد تهیه کرد. اصلاً آقا شما حساب کنید ماشین من (پژو) ۱۰ تومان (۱۰۰۰۰×) می‌قیمتند، یک گریبکس را تعمیر کردم، ۱۵۰۰ تومان (۱۰۰۰×) پیاده شدم، حالا بیا می ۲۰ تومان ۲۰ تومان

### خبرهای علمی

#### اطلاعاتی در مورد بیماری جنون گاوی

این روزها نام بیماری فوق را در رابطه با گوشت آلوده‌ی گاوهای انگلیسی زیاد می‌شنویم. باید بدانیم که نوع انسانی این بیماری کمیاب برای اولین بار در سال ۱۹۷۰ کشف شد. دوره‌ی مخفی آن بسیار طولانی است و چندین سال بطول می‌انجامد. سپس علائم عصبی مشاهده می‌شود که حرکات غیرعادی بدن از آن جمله‌است. سه تا ۱۲ ماه بعد از آن نیز مرگ به سراغ بیمار می‌آید. متأسفانه تاکنون درمانی برای این بیماری پیدا نشده است. تاکنون تصور می‌شد ابتلا به بیماری از طریق وراثت یا بر اثر درمان با داروها است. اما در سال‌های گذشته در عدوه‌ی از بیمارانی که برای درمان نارسائی‌های رشد، از عصاره‌ی هیپوفیز افراد مرده به آنها هورمون رشد تزریق می‌شد این بیماری دیده شد و از این رو، این روش درمانی متوقف گردید. اکنون ۷ سال است که در مورد جنون گاوی به صورت جدی تحقیق می‌شود. اما جنجال اخیر هنگامی شروع شد که ده مورد بیماری جنون گاوی به صورت مشکوکی در بین کسانی که گوشت آلوده مصرف کرده بودند ملاحظه گردید. جنون گاوی برای اولین بار در سال ۱۹۸۶ کشف شد و علائم کلینیکی و میکروسکوپی آن کاملاً با نوع انسانی بیماری مشابهت دارد. فرضیه‌های کنونی یکنوع پروتئین تغییر شکل یافته را عامل بیماری می‌دانند. مکانیسم انتقال جنون گاوی به انسان هنوز مشخص نیست و هنوز تردیدهای بسیاری در آن وجود دارد. اما تجربه‌ی دردناک آیدز و خون آلوده به ویروس آن باعث شده است تا مسئولان بهداشتی انگلیس این بار هر چه زودتر اقدام‌های احتیاطی و هشدار دهنده را به عمل آورند.

#### بازگشت سل و دیگر بیماری‌های عفونی

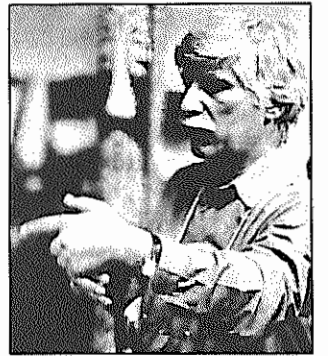
سازمان بهداشت جهانی در نشست اروپائی خود در مورد بازگشت مجدد بیماری‌های عفونی مسری هشدار داد. علت این امر می‌تواند تنها برآثر جابجائی وسیع مردم کشورها و خراب شدن وضع اجتماعی باشد. شیوع آیدز نیز زمینه‌ی ابتلا به بیماری‌های عفونی را بیشتر کرده است. علاوه بر سل، خطر بازگشت دیفتی، وبا، فلج اطفال و مالاریا، کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و نیز جمهوری‌های جدا شده از شوروی سابق را تهدید می‌کند. برای نمونه در سال ۹۵ حدود ۵۵ تا ۶۰ هزار مورد جدید دیفتی در اروپا دیده شده‌است. میزان مرگ و میر کودکان کمتر از ۵ سال به علت بیماری‌های عفونی تنفسی در اروپای شرقی صدها بار بیشتر از اروپای غربی است و مالاریا که در سال‌های ۸۰ تقریباً از بین رفته بود مخصوص در ترکیه، تاجیکستان و ازبکستان میکروب سل آلوده خواهند شد. دلایل بازگشت بیماری سل متعددی است که از جمله‌ی آنها می‌توان از مقاومت میکروب سل در مقابل آنتی‌بیوتیک‌ها و انتشار بیماری‌های ضعیف‌کننده‌ی سیستم دفاعی بدن مانند آیدز نام برد.

#### ارتعاش جنس ویولون را بهتر می‌کند

تجربه‌های علمی یک دانشمند انگلیسی نشان می‌دهد که جنس چوبی که معمولاً ویولون را از آن می‌سازند در اثر ارتعاش حاصل از نواختن بهتر می‌شود. ارتعاش چوب را محکم‌تر می‌کند و از مستهلک شدن آن می‌کاهد. بنابراین هرچه بیشتر نوازنده با ویولون خود کار کند نت‌ها کشیده‌تر و زیباتر به گوش خواهند آمد. چون هم مهارت نوازنده بیشتر می‌شود و هم ویولون او جاقفاده‌تر و محکم‌تر می‌گردد!

جمعش کن، ولی چاره چی است؟ هیچ. الان دیسک کم دارم با هزار منت ۶۰۰ تومان (۱۰۰۰×) پول می‌خواهد برای عمل. ما هم مجبوریم از مردم بگیریم آقا، برای همین شا اگر ۲۰۰ تومان نمی‌فقتید سوارت نمی‌کردم، ولی خداونگلی مسیر ۶۰ تومان است. ولی بچکار کنی آقا بپر تقالم و خیابان دانه‌ی ۲۰ تومان است، فردا عید است و هزار خرج و مخارج، پیاده شده و بقیه‌ی مسیر را با خط واحد ادامه می‌دهم، جا برای نشستن نیست، همه‌جور تپیی در اتوبوس هستند، ولی اغلب افرادی هستند که این مسیر را هر روز باید بروند. در مسیر خانه‌های شیک می‌باید می‌شود، از دوستی که همراه من است می‌پرسم آپارتمان ستری چند است، او می‌گوید نوساز بخوای متر مریعی ۳۰۰ تا ۴۰۰ تومان (۱۰۰۰×) وی می‌گویند اینجا بخوای زندگی کنی باید حداقل ماهی ۲۰۰ هزار تومان درآمد داشته باشی و ادامه می‌دهد افرادی هستند که از خیر سر اینها خوب پول توجیب می‌زنند، مسئله‌ی بساز و بفروشی (شهرداری تقریباً همه جا برای ساختن ساختمان بلند -به‌اصطلاح برج- اجازه صادر می‌کند) ۵۰ تومان (۱۰۰۰۰۰×) بگذارد و ۱۰۰ میلیون برادر. صد در صد استفاده، خدا می‌داند آقای کرباسچی در این سال‌ها چه پولی به‌عجب زده است. من فقط از یک مورد صدور پروانه‌ی ساخت خبر دارم که کارمندان رده‌ی بالای شهرداری (اطرافیان کرباسچی) یک قلم ۱۲۰ میلیون تومان را به خود شواسته بودند.

در یکی از نقاط شمالی شهر قدم می‌زنم، دخترانی دیده می‌شوند که به جای ته دل می‌کنم و به راه خود ادامه می‌دهم.



## بهرام بیضایی: خودمان را هم باید انکار کنیم

دستگاه می‌شناسد مشورت می‌کنند و اگر آنها تأیید کردند که عیبی ندارد، آن را می‌نویسند و می‌دهند. چون این کاری است که در دیپلماسی ایرانی در ایران اتفاق می‌افتد، تلویزیون ایران وقتی فیلم خارجی نمایش می‌دهد آن را «اصلاح» می‌کند. زندهایش را حذف می‌کند یا به حداقل می‌رساند، موضوعها را عوض می‌کند.

هنرپیشه‌ها اکثر موارد یا نامزد می‌شوند و یا خواهر و برادر و یا چیزهایی شبیه این و موضوعها به کلی تغییر می‌کنند. به این دلیل و به این صورت است که تعدادی فیلمهایی که تقلیدی هستند، تولید می‌شود؛ حتی این فیلمها بعضی وقتها خیلی خوب فروش می‌کنند.

من می‌دانم یکی از همین فیلمهای زدوخوردی که این اواخر ساخته شده بود - من آن را ندیده‌ام - نمونه‌های غربی‌اش مثل «رامبو» و «اولین خون» - که آنها را هم ندیده‌ام - روی ویدئو برای تماشاچیان ایرانی بسیار موفق بوده‌اند و چون این موفقیت را نمی‌شد نادیده گرفت یک نسخه تصفیه شده ایرانی شده‌ای، مناسب فضای امروز ایران از روی آنها ساخته شد با کمی اصلاحات که البته خیلی هم فروش کرد. بله این نوع فیلم وجود دارد.

فیلمنامه‌های من ردمی‌شد، ولی حالا مدتی است که رد نمی‌شود بلکه اصلاً به آنها جواب داده نمی‌شود. یعنی مردود شدن مال چند سال پیش بود؛ در سالهای اخیر شکل پاسخ‌دادن تغییر کرده و تبدیل شده به پاسخ ندادن. دو سال پیش یک تهیه‌کننده پیدا کردم که حاضر بود بلافاصله روی فیلمنامه‌های من کار کند. من موضوع آنها در غرب اتفاق می‌افتد. این رشته جدید و عجیبی نیست که ما راجع به چیزهایی که نمی‌دانیم و مردمی که نمی‌شناسیم، نمایشنامه می‌نویسیم و برنامه‌ها می‌سازیم و البته آن نمایشنامه‌ها و آن برنامه‌ها چون بلافاصله اصلشان یک جوری شناخته شده است، حتی گاهی خنده‌دار به نظر می‌رسد. راجع به اشخاصی در جاهای دیگر جهان چیزهایی می‌نویسیم در حالیکه راجع به همسایه‌ها و یا راجع به خودمان نمی‌توانیم بنویسیم. در نتیجه این محدودیت است که مجبوریم از نزدیک‌ترین مسایلمان صرف‌نظر کنیم و ناچاریم در عالم خیال، جهانها یا آدمهای دیگری را در نمایشنامه‌ها و فیلمنامه‌هایمان ترسیم کنیم و خلق کنیم. این وضع باعث شده که کم‌کم تهیه‌کنندگان آن ویدئوهای را که فکر می‌کنند ممکن است با جرح و تعدیل و اصلاح، از همان نوعی که «محدودیتها» می‌خوانند، بشود ایرانی کرد، ارائه می‌کنند و با کسانی که در

گرچه در باره پیش و کردار اختناق‌گرای جمهوری اسلامی در قبال هنر و هنرمندان مستقل و دگراندیش استاد و روایت‌های مختلفی انتشار یافته، لیکن هرگفته و نوشته تازه‌ای در این باره، حاوی نکات جدیدی است که بر زوایای دیگری از مثنی و سیاست فرهنگی‌ستیز این رژیم پرتو می‌انگند و ترندها و فریب‌کاری‌ها را بیشتر برملا می‌کند.

حرفهایی که بهرام بیضایی، نمایشنامه‌نویس و کارگردان برجسته سینمای ایران سال گذشته در مصاحبه با شاهرخ گلستان بر زبان آورده نیز، روش‌ها و شیوه‌های دستگاه سانسور و اختناق جمهوری اسلامی را بیش از پیش بر خواننده آشکار می‌کند و وی را با فشارها، تضییقات و سرکوب‌هایی که جمهوری اسلامی نسبت به هنرمندان مستقل روا می‌دارد بیشتر آشنا می‌کند. به دلیل محدودیت صفحات نشریه تنها بخش‌هایی از پاسخهای بیضایی را در زیر می‌آوریم. گفتنی است که متن کامل این مصاحبه ابتدا در فصلنامه «چشم‌انداز» و سپس در نشریه «سینمای آزاد» درج گردیده است.

شاید شما بدانید که در ایران بعد از سال ۱۳۷۵ (سال انقلاب ایران)، تعدادی نمایشنامه و تعدادی کار تلویزیونی داریم که موضوع آنها در غرب اتفاق می‌افتد. این رشته جدید و عجیبی نیست که ما راجع به چیزهایی که نمی‌دانیم و مردمی که نمی‌شناسیم، نمایشنامه می‌نویسیم و برنامه‌ها می‌سازیم و البته آن نمایشنامه‌ها و آن برنامه‌ها چون بلافاصله اصلشان یک جوری شناخته شده است، حتی گاهی خنده‌دار به نظر می‌رسد. راجع به اشخاصی در جاهای دیگر جهان چیزهایی می‌نویسیم در حالیکه راجع به همسایه‌ها و یا راجع به خودمان نمی‌توانیم بنویسیم. در نتیجه این محدودیت است که مجبوریم از نزدیک‌ترین مسایلمان صرف‌نظر کنیم و ناچاریم در عالم خیال، جهانها یا آدمهای دیگری را در نمایشنامه‌ها و فیلمنامه‌هایمان ترسیم کنیم و خلق کنیم. این وضع باعث شده که کم‌کم تهیه‌کنندگان آن ویدئوهای را که فکر می‌کنند ممکن است با جرح و تعدیل و اصلاح، از همان نوعی که «محدودیتها» می‌خوانند، بشود ایرانی کرد، ارائه می‌کنند و با کسانی که در

## یادواره سیاوش کسرای در برلین

در آن زمان دامنگیر وی و سیاوش نیز گردیده بود. چنین آلودگی‌هایی کسانی چون کسرای را خرد می‌کند ولی نمی‌تواند از پای درآورند. وی در پایان سخنان خود با نظر کسانی که شعر کسرای را از زاویه دیدی تنگ و محدود برانداز می‌کنند مخالفت کرده و طرح نمود که اگر چه کسرای خود را در جایگاه طبقاتی و سیاسی مشخصی می‌یافت اما شعرش فراتر از این بود. آقای حسین علوی سخنان خود را با اشاره به رابطه هنر با جهان‌بینی و تعهد از دیدگاه کسرای و نقش آرمانگرایی در سروده‌های او بویژه در آخرین سروده بلندش مهره سرخ آغاز نمود. وی در سخنان خود طرح نمود که آرمانگرایی انسانی به مضامین عصری پایدار گرچه با مضامین مختلف در هنر معاصر ما به تجلی درمی‌آید و کسرای از زمره شاعرانی است که در شعر خود تا به آخر به این آرمانگرایی وفادار می‌ماند. از نظر کسرای اگر باید رابطه فارغ از مسئولیت نیست وی در پایان سخنان خود طرح نمود که کسرای به معنای واقعی کلمه شاعر زمانه ما بود. آنها که از نزدیک با بی‌تابی‌ها و دغدغه‌ها و شور و شوق عمیقاً انسانی او آشنا بودند می‌دانند که او نه تنها در لحظات آفرینش هنری که در همه زندگیش شاعر بود، زندگی کسرای تجلی زمینی و نمونه‌وار حماسه‌هایی بود که او هنرمندانه در شعرش تصویر می‌کرد. او از یک سو آرزووار جان خود در تیر آرمانش کرد و از سوی دیگر سرباز و دشنه در پهلوی به جاودانگی سوزناکی در آرزوهایش پیوست. سیاوش کسرای همدم وفادار رنجها، امیدها و ناامیدیهای انسان عصر ما بود. او صدای مردم ما بود.

روز چهارشنبه ۲۳ اسفند ماه ۱۳۷۵ (۱۳ مارس ۱۹۹۶) مراسمی به یادبود سیاوش کسرای شاعر نامدار معاصر در دانشگاه فنی برلین برگزار گردید. در این مراسم ضمن شعرخوانی و پخش اشعار با صدا و تصویر شاعر، آقایان فریدون تنکابنی، جلال سرفراز و حسین علوی به سخنرانی پرداختند. آقای فریدون تنکابنی با اشاره به سابقه آشنایی و دوستی با کسرای و همکاری با او در کانون نویسندگان به نقل خاطرات جالبی از او پرداخت. وی در ادامه صحبت خود به تأثیرات شعر وی بر ضد نسل معاصر پرداخته و طرح نمود که هر چند شعر آرش از میان سروده‌های سیاوش کسرای شهرت زیادی یافت ولی سیاوش کسرای از زمره شعرای تک شعر ایران نیست و اشعار تخیلی که دارای ارزش بالایی است سروده است. وی تأکید نمود که کسرای شاعر عشق و امید بود و در این زمینه اشعار او وی را قرائت نموده طرح کرد با وجود آنکه سیاوش کسرای با جنبش چریکی توافقی نداشت زیباترین اشعار را در وصف رشادت مسازران آن زمان و در بزرگداشت شهدای جنبش سرود.

آقای جلال سرفراز در سخنان خود به سوابق روابط و احساسات خود در جریان کار مشترک با سیاوش پرداخت. وی طرح نمود که در جریان انقلاب در شعر کسرای احساس خود را به سیاوش بیان کرد. از نظر وی در آن هنگام، سیاوش آمیخته‌ای از خشم و زمزمه، پرتیاری و آتش بود. یکسو لطافت اندیشه و حس و دیگر سو شراره‌های آتشی فرورزان که از همان لطافت برمی‌خواست تمام وجود او را در برمی‌گرفت. وی در ادامه سخنان خود طرح نمود که در درازای سالهایی که تنگنا از یک کسوره راه گذر می‌نمودند برای وی اثبات گردید که وی در احساس خود درباره کسرای اشتباه نکرده بود. و هرچند برخی آلودگی‌های محیط سیاسی و اجتماعی

نفر فیلمنامه‌هایی را بنویسم، این فیلمنامه‌ها بدون اسم من رفته و تصویب شده و یا تاکنون ساخته شده، یا ساخته خواهد شد. در حقیقت می‌شود گفت که من به انکار خودم برخاسته‌ام. این اواخر این موضوع حتی در تئاتر اتفاق افتاد. یک نمایشنامه من در یک شهرستان باید اجرا می‌شد. مأمورین نظارت گفته بودند نمایشنامه خوب است ولی ما با اسم فلانی مشکل داریم، اسمش را بردارید تا اجرا بشود. آنها تلفنی با من تماس گرفتند، گفتم خیلی خوب، اسم مرا بردارید. بعد گفته بودند اسم نمایشنامه را هم عوض کنید، به من تلفن کردند گفتم باشد، اسمش را عوض کنید، اسمش را عوض کردند. باز مأمورین گفتند ممکن است بیضایی ادعا کند که این همان نمایشنامه من است، بنابراین نوشته‌ای از بیضایی بیاورید که این نمایشنامه من نوشته‌ام. و من به آنها نوشته‌ای دادم که نمایشنامه فلان که در شهرستان فلان اجرا می‌شود به هیچوجه با نمایشنامه من به نام فلانی ارتباطی ندارد و اگر هر کسی در هر جا ادعا کند که این نمایشنامه به هم ارتباط دارند من علیه او اقامه دعوا خواهم کرد، یعنی من رسماً طی نامه‌ای شخص خودم را انکار کردم تا آن بچه‌ها بتوانند کارشان را انجام بدهند.

... متأسفانه در ایران سطح دانش خواندن و نوشتن خیلی پایین است و مردم از راه چشم و با دیدن، خیلی بیشتر موضوع را جذب می‌کنند و به همین دلیل است که سینما خیلی طرفدار دارد و طبیعی است که بعد از هر فیلم خوبی آنها متوقع یک فیلم بهترند. آنها دائماً متوقع‌اند و بیشتر و بهتر می‌خواهند و این دلگرم‌کننده است.

البته من نمی‌دانم چرا از همه فیلمهای قبل از انقلاب جلوگیری شده، بلکه از تاریخ و فرهنگ ما صد سال سینمای جهان را ارج می‌نیمم ولی فیلمهای خودمان را گذاشته‌ایم بلکه زمان آنها را بپوسانند و رنگهایشان را ببرد و نابود کنند، در حالیکه همه جا دارند تاریخ سینما را از انبازها بیرون می‌کشند، فیلمها را ترمیم می‌کنند تا دوباره به نمایش بگذارند، ما داریم سعی می‌کنیم کاری بکنیم تا سابقه سینمایی مان را از بین ببریم. این یکی از همان چیزهایی است که گفتم قطع فرهنگی قهری، دشمنی با یک دوره‌ای که نباید دشمنی با مردم آن دوره باشد و ما فیلمسازان، مردمان آن دوره بوده‌ایم که در کنار ساختن فرهنگ بودیم برغم شرایط آن دوره. نمی‌دانم علت این دشمنی با ما چیست؟ بله، آن فیلمها را متأسفانه روی پرده کسی نمی‌تواند ببیند ولی آنها را در زمانه‌های نوازهای ویدئویی فرسوده و کهنه می‌بینند و دائماً هم درباره آنها سؤال دارند بطوری که وقتی آدم را در خیابان می‌بیند ول نمی‌کنند تا جواب سؤالهایشان را به دست نیاورند.

در آن موقع حتی جواب سلام مرا نمی‌دادند و مرا به هیچ‌جا راه نمی‌دادند که با کسی صحبت کنم و در هیچ اتاقی (دفتری) پذیرفته نمی‌شدم. همچنان که همین الان بسیاری یک فیلمنامه‌ها می‌گویند تو بمان تا ما خبرت کنیم، و می‌بینید که یک سال است مرتباً تماس می‌گیرید و کسی با شما حرف نمی‌زند. و این اتفاقی است که شاید در مورد شخص من دارد می‌افتد و نمی‌دانم در مورد کس دیگری هم هست یا نه. به هر حال آن فکر نمی‌کردند که این فیلمها اعتبار فرهنگی بیاورد - تصادفاً «باشو» مقداری پول برگرداند و من فکر می‌کنم آن چیزی که مهم است، این است.

بعداً که این فیلمها در خارج که ایرانیا را کم و بیش با برجسبهای ناخوشایندی می‌شناختند، حالا دیدند که از آن مملکت تا حدودی شعور و فرهنگ هم بیرون می‌آید. بارها گفته شده که راضی نیستند که این فیلمها در خارج از کشور موفق هستند و ترجیح می‌دادند که فیلمهای دیگری موقوف می‌شدند که به هر حال آن فیلمها هم در خارج نمایش داده شده و کم و بیش در حد خودشان مورد بحث قرار گرفته است.

... در این اواخر ناچار شدم بدون اینکه اسم خودم را بگذارم، برای چند

اخیراً شیوه جواب دادن متفاوت شده. یکی دیگر از شیوه‌ها این است که به تو می‌گویند این فیلمنامه هیچ اشکالی ندارد و خیلی هم خوب است ولی شما فلان آقا را هم ببینید. وقتی آن آقا شما را می‌پذیرد خیلی به شما احترام می‌گذارد و برخورد خوبی دارد ولی خواهش می‌کند که چیزی را در سناریو عوض کنید، که آن چیز اساسی است. سال پیش سر فیلمنامه من به اسم «اشغال» گفتند که هیچ اشکالی ندارد و می‌توانید آن را بسازید، فقط

## چهار سال از حبس کریم زاده گذشت

بریده دارد و توپ فوتبالی در پیش‌پایش می‌غلند. این طرح در کنار مقاله‌ای مربوط به وضع اسفبار فوتبال ایران درج شده بود. گروهی از حزب‌اللهی‌ها به نام «شاگردان مدرسه شهادت» میان طرح کریم‌زاده و چهره آیت‌الله خمینی شباهت‌هایی یافتند، سپس با رضایت و تأیید کارگزاران رژیم دست به راهپیمایی زدند و اعدام کریم‌زاده را خواستار شدند. کریم‌زاده باید ۶ سال دیگر را ظلمات در زندان به سر برد. از این رهگذر هم عیش سرکوبگرانه حزب‌اللهی‌های رژیم سیراب می‌شود و هم بر اختناق و هنر ستیزی جمهوری اسلامی یک‌بار دیگر مهر تأیید می‌خورد تا هنرمندان ایران «حد» خود را دریسایند و پس از آن گلیم‌های کارگزاران فرهنگی رژیم بافته‌اند فراتر نگذارند، و این امید خامی است که ۱۷ سال جمهوری اسلامی در عملی کردن کامل آن با شکست روبرو شده است. بازداشت و حبس منوچهر کریم‌زاده مسوچی از اعتراض و همبستگی در محافل فرهنگی و مطبوعات جهان برانگیخت. هم‌اینک نیز به مناسبت‌های مختلف این سرکوب با اعتراض و انتقاد نیروها و محافل مختلف مواجه می‌شود. گرچه جمهوری اسلامی تاکنون در مقابل این اعتراض‌ها واکنشی نشان نداده است، لیکن با تداوم افشاگریها و بسط اعتراض‌ها ادامه حبس کریم‌زاده برای رژیم مشکل‌تر خواهد شد. بر دامنه این اعتراض‌ها بیافزایم و آزادی کریم‌پور را با صدای بلندتر خواستار شویم.

هشتم فروردین مصادف بود با چهارمین سالگرد بازداشت منوچهر کریم‌زاده، کاریکاتوریست و طراح ایرانی که به خاطر یکی از طرحهای در مجله فاراد دستگیر شد. او را ابتدا به یک سال زندان محکوم کردند، اما زیر فشار حزب‌الله دادگاه تجدید نظر برایش تشکیل دادند و بدینسان یکسال زندان به ده سال افزایش یافت. در طرح مزبور ورزشکاری دیده می‌شود که یک دست و پای به ظاهر

مؤسسه‌ها قرار دهد. اینک فهرست کتاب پنجم به عنوان نمونه در اختیار خوانندگان ارجمند قرار می‌گیرد تا بتوانند به شکل روشن‌تری در آخر درس، آن بوده است که دست کم یک کلمه در متن درس آمده باشد. هدف از آوردن واژه‌های هم‌خانواده آن بوده است که دانش‌آموزان، کمبود خواندن و شنیدن کلمه‌های ترکیبی فارسی را از این طریق جبران کنند و نیز در عمل به توانایی‌های زبان فارسی و امکانات پویانده آن آگاه گردند. هر درس، پرسش‌ها و تمرینهای مناسب و کوتاه دستوری و واژگانی دارد. گذشته از اینها، در آخر هر کتاب درسی، فهرست الفبایی کلمات هم‌خانواده نیز به پیوست می‌آید تا مراجعه دانش‌آموزان را چه برای جمله‌سازی و چه برای آشنایی با اعضای خانواده یک واژه و ترکیب‌های موجود و یا احتمالی آن آسان سازد. در حال حاضر کتاب پنجم ابتدایی در دست چاپ است. ناشر تعهد کرده است که این کتاب و دیگر کتاب‌ها را با عکس رنگی و کیفیت بسیار بالا در اختیار دانش‌آموزان ایرانی و مسئولین آموزشی مدارس و

به تریب حروف الفبا معنی شده و بخشی نیز به واژه‌های هم‌خانواده اختصاص داده شده است. پیش شرط آمدن لغت‌های هم‌خانواده در آخر درس، آن بوده است که دست کم یک کلمه در متن درس آمده باشد. هدف از آوردن واژه‌های هم‌خانواده آن بوده است که دانش‌آموزان، کمبود خواندن و شنیدن کلمه‌های ترکیبی فارسی را از این طریق جبران کنند و نیز در عمل به توانایی‌های زبان فارسی و امکانات پویانده آن آگاه گردند. هر درس، پرسش‌ها و تمرینهای مناسب و کوتاه دستوری و واژگانی دارد. گذشته از اینها، در آخر هر کتاب درسی، فهرست الفبایی کلمات هم‌خانواده نیز به پیوست می‌آید تا مراجعه دانش‌آموزان را چه برای جمله‌سازی و چه برای آشنایی با اعضای خانواده یک واژه و ترکیب‌های موجود و یا احتمالی آن آسان سازد. در حال حاضر کتاب پنجم ابتدایی در دست چاپ است. ناشر تعهد کرده است که این کتاب و دیگر کتاب‌ها را با عکس رنگی و کیفیت بسیار بالا در اختیار دانش‌آموزان ایرانی و مسئولین آموزشی مدارس و

## پاسخ به یک نیاز اشکان آویشن

دیدگاهی «آینده نگرانه» باشد. تلاش‌های معین افراد و یا محافل مشخصی که کم یا زیاد و به شکلهای گوناگون، خواسته‌اند به نیاز مورد نظر پاسخ گویند بازتاب ضرورت بسیار شدید وجود چنان کتاب‌هایی است که از دانش جاری زمان و منطق مورد احترام انسانی بهره‌های لازم را گرفته باشد. تا آنجا که نگارنده دیده و شنیده است، این کتاب‌ها بیشتر حالت تریبی و تألیف متن‌های گوناگون درسی - پیش و پس از انقلاب - همراه با حذف بخش‌های غیر مفید و نالازم را داشته است. تلاش آن بوده که در این دو کتاب - و کتاب‌های بعدی نیز - هیچگونه تبلیغی را چه منفی و چه مثبت در باره یک آرمان مذهبی، سیاسی و یا فرد خاص و یا نظام معین به کار نبرم. قاطعانه باید بدانیم که مدرسه و آموزشگاه، نباید بدل به عرصه

اشکان آویشن، نویسنده و پژوهشگر معین سوئد در باره تلاشهای برای تهیه و تدوین کتاب های درسی مورد نیاز کودکان مهاجر ایرانی، متنی برای ما فرستاده که بخش‌هایی از آن را در زیر می‌خوانید. متأسفانه به علت کمبود جا امکان درج کامل این متن برایمان میسر نیست.

حضور جمعیتی در حدود پانصد هزار نفر از کودکان، نوجوانان و جوانان ایرانی در بیرون از مرزهای ایران و نیاز آنان با آموزش زبان فارسی، نکته‌ای نیست که کسی بدان اعتراف نداشته باشد و یا در صدد پنهان کردنش برآمده باشد. در خلال همه سالهایی که پس از انقلاب بر ما گذشته، این ضرورت بیش از پیش احساس می‌شده است که برای آموزش زبان فارسی و آشنایی غیر جانبدار با تاریخ و فرهنگ ایران، لازم است کتاب یا کتاب‌هایی نوشته شود که بخواند و بتواند به شکل خلاقانه و مسئولانه‌ای پاسخگوی نیازهای زمانه، توأم با نگاهی «گذشته‌گاوانه» و

Ashkan Avishan C/O utbildningsÖringet i Brögsårdet 39-42432 Angered- Sweden



# نگاهی به تحریم اقتصادی ایران

## استراتژی «مهار دوگانه»

بخش دوم

بهر روز خلیج

### مواضع نیروهای دموکراتیک

نیروهای دموکراتیک مخالف اختصاص بودجه عظیم توسط حکومت اسلامی برای خریدهای نظامی هستند. آنها تلاش رژیم تهران را برای دستیابی به تکنولوژی و سلاح هسته‌ای محکوم و آنرا غیر ضرور و ماجراجویانه می‌دانند. نیروهای دموکراتیک مخالف صدور انقلاب اسلامی، تروریسم دولتی و مدافع روند صلح خاورمیانه هستند. آنها از اقدامات جامعه بین‌المللی که بتواند رژیم اسلامی را در موارد بالا مجبور به عقب‌نشینی کند استقبال می‌کنند. ولی استراتژی «مهار دوگانه» و تحریم اقتصادی ایران مشخصاً تضعیف توان نظامی و اقتصادی ایران است که در صورت تحقق آن برای کشور ایران و مردم میهن ما پیامدهای فاجعه‌بار خواهد داشت.

ما بارها شاهد بودیم هم چنانکه خریدهای تسلیحاتی بیش از معمول توسط کشوری و تجهیز آن به سلاح‌های مدرن و تبدیل شدن به یک قدرت نظامی در منطقه، نگرانی جدی کشورهای همسایه را برمی‌انگیزد. در مقابل ضعف نظامی بیش از اندازه زمینه را برای تجاوز کشورهای همسایه فراهم می‌سازد.

ضعف نظامی ایران و عدم توانایی آن در حفظ امنیت مرزها، زمینه مساعدی را برای تجزیه بخش‌هایی از ایران فراهم می‌سازد. عراق نمونه خوبی در این مورد است. در مورد تضعیف توان اقتصادی ایران مسئله به مراتب دردناک‌تر و فاجعه‌بارتر است و مستقیماً با زندگی روزمره مردم ارتباط پیدا می‌کند. اقتصاد ایران هم اکنون با بحران عمیق و پرآدمه‌ای مواجه است و فشار فوق‌العاده سنگینی بر مردم وارد می‌شود. تحریم اقتصادی موجب کاهش درآمد ارزی کشور خواهد شد. درآمد ارزی شاهراگ اقتصاد کشور است و کاهش آن به معنی عدم پرداخت به موقع قرض‌های خارجی، کاهش واردات محصولات کشاورزی و دارو، افت باز هم بیشتر تولیدات داخلی، کاهش عرضه کالا و بالا رفتن نرخ تورم، گسترش کمبود اجناس، طولانی‌تر شدن صف‌ها و افت باز هم بیشتر سطح زندگی مردم است.

تحریم اقتصادی شمشیر دو لبه‌ایست که هم متوجه رژیم حاکم و هم مردم است ولی قربانی اصلی وخامت اوضاع اقتصادی مردم هستند. عراق نمونه گویایی در این مورد می‌باشد. تحریم سازمان ملل متحد به سقوط صدام منجر نشد، بلکه مردم عراق را به فلاکت نشاند. آمریکا با محاصره کوبا طی چندین دهه نتوانست به هدف خود یعنی سرنگونی فیدل کاسترو و نظام حاکم بر آن رسد. در حالیکه مردم کوبا از تحریم اقتصادی آمریکا رنج برده‌اند.

با توجه به مجموعه مسائلی که گفته شد استراتژی «مهار دوگانه» و تحریم اقتصادی ایران به زیان مردم ما و منافع ملی کشور است. تحقق این استراتژی می‌تواند لطمات جبران ناپذیری بر مردم و کشور ما وارد آورد. سیاست‌های مخرب رژیم فقها به‌مراه تحریم اقتصادی و تضعیف توان اقتصادی و نظامی ایران برای مردم ما، فاجعه‌های باز هم بیشتری خواهد آفرید.

قصد دولت کلینتون در پیشبرد استراتژی «مهار دوگانه» وادار کردن رژیم اسلامی به رعایت حقوق بشر و برقراری حکومت دموکراتیک نیست. حقوق بشر و تحول دموکراتیک در کشور ما جایی در خور در سیاست‌های آمریکا ندارد. اختصاص ۲۰ میلیون دلار بودجه «سیا» برای عملیات مخفی نمی‌تواند در خدمت تحول دموکراتیک در جامعه ما قرار گیرد.

آمریکا تا کنون نشان داده است که با رژیم‌های مستبد، مذهبی و غیرمذهبی، مکتباً و معمم هر آنجا که منافعش اقتضا کرده است، نه تنها کنار آمده، بلکه سرسختانه از موجودیت آنها در مقابل آلت‌ناتوهای دموکراتیک دفاع کرده است. این موضوع نه تنها به سالیهای جنگ سرد، بلکه به همین سالها برمی‌گردد. دفاع آمریکا از رژیم مرتجع عربستان و دیگر شیوخ عرب و حمایت از قشری‌ترین مجاهدین افغانی نمونه آن است.

با توجه به مجموعه مسائلی گفته شده اتخاذ موضع سنجیده در مقابل سیاست‌های آمریکا با توجه به موجودیت رژیم اهریمنی از حساسیت زیادی برخوردار است. در میان اپوزیسیون مجاهدین خلق و بخش‌هایی از سلطنت‌طلبان به استقبال از سیاست آمریکا برخاسته‌اند. با توجه به خصوصیت این نیروها، موضع‌گیری آنها قابل پیش‌بینی بود چراکه برای آنها نه مردم و منافع ملی، بلکه مسئله این است که چه کسی انحصار قدرت را بدست می‌گیرد هر دووی ایران جریانه‌ها نشان داده‌اند که برایشان نه مسئله تحول دموکراتیک، بلکه کسب انحصاری قدرت سیاسی خودشان مطرح است.

اما بخش اعظم نیروهای اپوزیسیون در داخل و خارج از کشور بر سیاست‌های آمریکا صحنه گذاشت و آنها را معایر منافع ملی و مصالح مردم دانست. ولی عده‌ای از بین جریانه‌های دموکراتیک موضع دیگری اتخاذ کردند. به نظر این عده ما در خارج از کشور امکانات دیگری جز جلب افکار عمومی و دولت‌ها برای فشار آوردن به جمهوری اسلامی نداریم و مخالفت با تحریم اقتصادی، خلع سلاح اپوزیسیون است. آنها می‌گویند ما بدون در نظر گرفتن اهداف آمریکا در اعلام تحریم اقتصادی، باید از این اقدام پشتیبانی کنیم و در یک کارزار وسیع جهانی، از افکار عمومی و دولت‌های جهان خواستار همکاری برای تحت فشار قرار دادن رژیم برسرای تأمین حقوق بشر در ایران

شویم و اضافه می‌کنند ما نمی‌توانیم خواستار کوتاه شدن عمر رژیم اسلامی باشیم ولی در عمل دست روی دست بگذاریم و از اقدامات تضحیتی اقتصادی و سیاسی قدرت‌های سیاسی علیه آن - ولو اینکه کوتاه مدت زینانه‌ای اقتصادی معینی نیز برای مردم ایران در بر داشته باشند - پشتیبانی نکنیم. عده‌ای دیگر می‌گویند زمانی که توازن قوا در حکومت اسلامی روزبه روز به سود ارتجاعی‌ترین نیرو می‌چرخد، دلیلی وجود ندارد که از تحریم اقتصادی به مثابه فشار بین‌المللی حمایت نکنیم.

در رابطه با نظرات بالا لازمست به نکات زیر توجه شود:

- تحریم کامل اقتصادی ایران را نباید از استراتژی «مهار دوگانه» منفک کرد. تحریم تاکتیک این استراتژی است و در خدمت آن قرار دارد. نیروهای ملی و چپ نمی‌توانند موافق استراتژی باشند که هدف آن تبدیل کشور ایران به یک کشور ضعیف و ناتوان است. آمریکا تنها به تحریم اقتصادی اکتفا نخواهد کرد و به اقدامات دیگر که علیه مردم و منافع ملی ما است، دست خواهد زد.

- هدف آمریکا تأمین دموکراسی در کشور ما و روی کار آمدن حکومت دموکراتیک نیست، اگر با وجود همین حکومت اسلامی، کشور ما از نظر نظامی و اقتصادی فوق‌العاده تضعیف شود و دست از سیاست‌های پهنجنگانه بکشد و یا به نوعی به سازش با آمریکا دست یابد، هدف دولت کلینتون تأمین شده است. این امر، به معنی آن نیست که اگر در کشور ما روز و روزگاری تحول دموکراتیک پیش رفت و دموکراسی حاکم گشت حتماً آمریکا در مقابل آن خواهد ایستاد ولی در عین حال باید توجه داشت که برای آمریکا بهترین حالت آن است که در ایران حکومتی سرکار بیاید که همچون حکومت عربستان سعودی و یا حکومت شاه، پایگاه او در منطقه باشد.

- نمی‌توان با هر اقدام به صرف اینکه به حکومت اسلامی ضربه می‌زند، موافق بود. ما چوب این نوع تفکر را در گذشته خورده‌ایم تفکری که حتی از «فئودالهای افغانی» در مبارزه علیه «امپریالیسم» حمایت می‌کرد. چگونگی می‌توان به اهداف آمریکا که با اهداف نیروهای دموکراتیک ایران متضادند، بی‌توجه بود و از اقدامات آن در تحقیر اهداف حمایت به عمل آورد. ما ایران دموکراتیک، مستقل و مرفه می‌خواهیم. درحالیکه تلاش آمریکا آن است که ایران به کشوری ضعیف از لحاظ نظامی و فقیر به جهت اقتصادی تبدیل شود. برای دولت‌مردان و دانشگتن سعادت و بهروزی مردم ایران مطرح نیست. آمریکا تمایزی بین رژیم حاکم و مردم قائل نیست و برای رسیدن به اهداف خود حاضر است مردم یک کشور را به فقر و گرسنگی، فلاکت و بی‌خانمانی بکشانند، برای دولت کلینتون مطرح نیست که مردم عراق بر اثر تحریم اقتصادی چه دردها و رنج‌هایی را متحمل می‌شوند و هر سال تعداد انبوهی از کودکان بر اثر فقر و نبود بهداشت تلف می‌شوند. واشنگتن همانا در فکر تحقق استراتژی «مهار دوگانه» است.

- اگر معتقد به تحول دموکراتیک در کشور و روی کار آمدن حکومت دموکراتیک بجای رژیم اسلامی هستیم که باید بدست مردم ما انجام گیرد، دیگر نمی‌توان با اقدامات مخفیانه «سیا» و آلت‌ناتو سازی آن موافق بود.

- مخالفت و مبارزه با مشی سیاسی آمریکا به معنی تأیید مشی اتحادیه اروپا و ژاپن نیست. به مشی اتحادیه اروپا انتقادهای جدی وارد است. این کشورها اساساً منافع اقتصادی و استراتژیک خود را در رابطه با حکومت اسلامی مینا قرار می‌دهند. برای آنها مناسبات حسنه با ایران به مثابه استراتژی مطرح است. ایران در کشمکش بین آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن در خاورمیانه و در رابطه با کشورهای نفتخیز جای ویژه‌ای دارد. به همین خاطر اروپا به سیاست «گفتگوی انتقادی» معتقد است. ولی در عمل انتقاد خیلی کم‌رنگ و گفتگو بر سر قراردادهای اقتصادی خیلی پررنگ است. برای کشورهای اروپایی هم مسئله نقض حقوق بشر در ایران و ترور مخالفین توسط مأموران وزارت اطلاعات مطرح نمی‌باشد. مشکل اتحادیه اروپا با حکومت اسلامی سلمان رشدی است. اعتراضات گاه‌به‌گاه آنها عمدتاً بر اثر فشار احزاب اپوزیسیون این کشورها و نیروهای اپوزیسیون رژیم اسلامی در اروپا است. اروپا و ژاپن هنوز در توهم قدرت‌گیری «جناح معتدل» در حکومت اسلامی است.

به سود مردم ایران، مصالح کشور و تأمین امنیت در منطقه است که بین ایران و آمریکا خصوصت‌ها کاهش یابد، از دامن زدن به تشنج اجتناب گردد، سیاست‌هایی غرب که علیه منافع دو کشور و صلح در منطقه است، کنار گذاشته شود و مناسبات عادی و دوستانه متکی بر احترام متقابل بین دو کشور برقرار گردد.

آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن بر بستر مناسبات سیاسی و اقتصادی با ایران می‌توانند به رژیم فقها فشار آورند که حقوق بشر را نقض نکند و از سیاست‌های مخرب خود در منطقه و جهان دست بردارد. از کانال فشارهای سیاسی و اقتصادی متعدد (نه الزاماً تحریم اقتصادی ایران) می‌توان به رژیم تهران فشار آورد. اقداماتی نظیر تصمیم مجلس نمایندگان آلمان دایر بر منع ورود و ولایتی به آلمان و صدور حکم تعقیب فلاحیان توسط دادستانی آلمان، تعدد زیادی از کشورهای اروپایی از جمله آلمان، فرانسه و اتریش به خاطر منافع اقتصادی و ترس از عملیات انتقام‌جویانه تروریست‌های اسلامی در مقابل فشارها و تهدیدات حکومت اسلامی عقب می‌نشینند و به خواست‌های حکومتگران ایران تن می‌دهند.

نیروهای دموکراتیک از مجامع بین‌المللی، دولت‌های جهان به ویژه اتحادیه اروپا، ژاپن و آمریکا باید بخواهند که تنها منافع اقتصادی و استراتژیک خود را مبنای مناسبات با حکومت اسلامی قرار ندهند و برای تأمین حقوق بشر در ایران و رعایت قوانین بین‌المللی بر رژیم فقها فشار آورند. نیروهای دموکراتیک از یکسو پیکار قاطعانه‌ای را برای گذر از رژیم ولایت فقیه به حکومت مردم سالاری پیش می‌برند و از سوی دیگر با آن دسته از سیاست‌های آمریکاکه علیه مردم ما و منافع ملی کشور است، مبارزه می‌کنند.

### شکاف بین اروپا و ژاپن با آمریکا

برخورد اروپا و ژاپن قبل از فروپاشی اتحاد شوروی با سیاست‌های آمریکا به گونه دیگری بود. آنها در مقابل بلوک شرق، سیاست‌هایی را که آمریکا دیکته می‌کرد و حتی در مواردی با منافع آنها همخوانی هم نداشت، با آکراه گردن می‌نهادند. اما بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، وضع بکلی دگرگون شده است. آنها اکنون به سادگی حاضر نیستند به سیاست‌های آمریکا تن در دهند و در هر مجادله و کشمکش، منافع ملی خود را مبنای تصمیم‌گیری قرار می‌دهند.

اختلاف اروپا و ژاپن با آمریکا بر سر جمهوری اسلامی، بخشی از رقابت آنها برای تسلط بر خاورمیانه و حوزه‌های نفتی است. اتحادیه اروپا در جریان جنگ خلیج فارس به دنباله‌روی از آمریکا کشیده شد و در جنگ شرکت نمود و با دست خود موقعیت خود را در عراق و خاورمیانه تضعیف و موقعیت آمریکا را تقویت بخشید.

اما اتحادیه اروپا و ژاپن در سالهای اخیر حاضر به پیروی از سیاست آمریکا در مورد رژیم اسلامی نشدند. آنها حاضر نیستند منافع خود را در ایران قربانی تصمیمات آمریکا کنند. دولت کلینتون رهبری فشار بر رژیم اسلامی را بدست گرفته است. قبول این رهبری توسط اتحادیه اروپا و همراهی با آمریکا در این سیاست، به معنی پذیرش داوطلبانه باز شدن پای آمریکا به ایران است. اگر آنها با آمریکا همراه شوند و زینانه‌ای اقتصادی ناشی از پیشبرد سیاست تحریم را بپذیرند، فردا نه تنها موقعیت سیاسی و اقتصادی بهتری را در ایران کسب نخواهند کرد، بلکه در موقعیت به مراتب ضعیف‌تری قرار خواهند گرفت و زمینه را برای تسلط کامل آمریکا بر کشورهای تولید کننده نفت فراهم خواهند ساخت.

برای ژاپن و اتحادیه اروپا و به ویژه آلمان مناسبات حسنه با ایران تنها ناظر بر منافع آنی نیست، بلکه کاملاً جنبه استراتژیک دارد. آنها برای جلوگیری از تسلط کامل آمریکا بر خاورمیانه و کشورهای تولید کننده نفت و برای محکم کردن جای پای خود در حوزه خلیج فارس، بر تداوم سیاست گفتگوی انتقادی با حکومت اسلامی پای می‌نشانند. ژاپن و اتحادیه اروپا به درجات متفاوت با سیاست‌های مخرب رژیم اسلامی همانند آمریکا مخالفند ولی معتقدند که تجارت و تماس با ایران موجب می‌شود که این کشور رفتار خود را تعدیل کند. آنها استدلال می‌کنند که بهبود وضع اقتصادی موجب تقویت موضع عمل‌گراها در مقابل نیروهای افراطی که حامی سیاست ضدغربی هستند، می‌شود.

### پیامدهای استراتژی «مهار دوگانه»

اولین پیامد بالقوه استراتژیک سیاست «مهار دوگانه» این است که طرد دو کشور ایران و عراق موجب می‌شود که آن دو در ضدیت با آمریکا بهم نزدیک شوند. رفت و آمدهای مداوم بین دو کشور، گفتگوهای سیاسی بین این دو دشمن دیرینه برای حل اختلافات و موانع موجود در گسترش روابط بین آن دو مؤید این مسئله است. بخشی از نیروهای نظام اسلامی شدیداً بر بهبود روابط دو کشور و حل مشکلات مصر هستند.

پیامد دوم نزدیکی ایران و روسیه است. روسیه در صحنه رقابت با آمریکا در خاورمیانه، جمهوری اسلامی را متحد طبیعی خود قلمداد می‌کند رژیم اسلامی نیز در مبارزه با آمریکا، روسیه را متحد نزدیک خود پایتخته است. در حال حاضر روسیه عمده‌ترین منبع تأمین‌کننده اسلحه ایران است. روسیه بارها خاطر نشان کرده است که بر اثر فشار آمریکا قرارداد فروش نیروگاه اتمی به ایران را لغو نخواهد کرد. اخیراً معاون نخست وزیر روسیه به تهران رفت. در این سفر پیش‌نویس سند همکاری میان تهران و مسکو به امضا رسید. اولگ داویدف اعلام داشت که روابط تهران و مسکو مهم و استراتژیک بوده و به هیچ کشوری اجازه دخالت در روابط دوستانه خود با تهران را نمی‌دهد.

در عین حال حکومت اسلامی درصدد تقویت محور ایران، هند و چین است. رفسنجانی چند ماه پیش به هند دو کشور سفر کرد و مورد استقبال شدید قرار گرفت. این سه درخواست آمریکا برای تحریم اقتصادی، جواب منفی داد و چین نیز از پذیرش درخواست آمریکا دایر بر عدم ارسال تکنولوژی هسته‌ای و تحریم اقتصادی ایران خودداری ورزید.

در داخل کشور نیز تشدید فشارهای آمریکا موقعیت مخالفین سرسخت برقراری روابط با آمریکا را تقویت و موقعیت طرفداران مذاکره مستقیم را تضعیف کرده است. در مجموع می‌توان گفت تشدید فشارهای آمریکا، تا حدود زیادی سمت معینی به سیاست خارجی ایران داده است:

- حکومت اسلامی از شکاف بین اروپا و ژاپن با آمریکا سود جست و می‌کوشد که شوراییهای موجود بین ایران و اتحادیه اروپا و ژاپن را برطرف و یا کاهش دهد و بدین ترتیب با انعقاد قراردادهای اقتصادی به ویژه در عرصه نفت با کشورهای اروپایی، دامنه تأثیر تحریم اقتصادی را محدود سازد.

- حکومت اسلامی با روسیه درصدد برقراری رابطه نزدیک و در تداوم آن اتحاد استراتژیک است تا از طریق روسیه هم به تقویت توان نظامی خود پرداخته و به سلاح‌های پیشرفته و تکنولوژی هسته‌ای دست یابد و هم متحد قدرتمند در مبارزه با آمریکا داشته باشد.

- حکومت اسلامی با عراق در صدد حل مشکلات متعدد و بهبود گسترش مناسبات فی‌مابین است. در صورت حل مشکلات، احتمالاً اتحاد بین دو کشور در مقابل آمریکا شکل خواهد گرفت.

### تحلیل استراتژی «مهار دوگانه»

«مهار دوگانه» فراتر از یک خط مشی ساده و محدود می‌باشد. این استراتژی یک برنامه فراگیر است که قسمت شرقی خاورمیانه و ناحیه‌ای وسیع از ایران تا اسرائیل را در بر می‌گیرد. طبق این طرح، این ناحیه به دو قسمت جغرافیایی شرق و غرب و تلویحاً به دو بخش کاملاً متقابل «صلح» (اعراب و اسرائیل)، و «مهار» (ایران و عراق) تقسیم می‌شود. قسمت غربی متشکل از اسرائیل و دولت‌های عرب اطرافش می‌باشد که عرصه صلح است. ایران و عراق که نیمه شرقی را تشکیل می‌دهند، موضوع «مهار دوگانه» می‌باشند. این خط مشی معتقد است که این دو قسمت متقابلاً بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. مطابق این استراتژی کنترل تهدیدات توسط عراق و ایران روی پیشبرد صلح بین اسرائیل و همسایگان عرشش تأثیر می‌گذارد. همچنین پیشبرد صلح اعراب و اسرائیل توان کنترل تهدیدات عراق و ایران را بالا می‌برد. دولت کلینتون خط مشی متفاوت از جنگ سرد رونالد ریگان، یعنی صلح از طریق قدرت را ارائه می‌دهد، خط مشی «صلح از طریق مهار».

پایه خط مشی جدید کلینتون بر تلقی ایران و عراق بمثابة دشمنان آمریکا، تضعیف هر دو کشور و ایجاد توازن بین آن دو در پایین‌ترین سطح توانایی‌های آنها است. تحریم کامل اقتصادی ایران یکی از تاکتیک‌های دستیابی به این استراتژی است. طراحان این استراتژی بر سیاست‌های پهنج‌گانه حکومت اسلامی به مثابه مُخل قوانین بین‌المللی، امنیت و صلح در منطقه دست گذاشته‌اند. اما استراتژی «مهار دوگانه» تنها ناظر بر فشار بر رژیم تهران برای عقب‌نشینی در آن موارد نیست. تأمین این مقصود، جزئی از آن استراتژی است. خط مشی آمریکا مشخصاً تضعیف ایران از لحاظ توانایی‌های اقتصادی و نظامی است (همانند عراق). آمریکا وجود ایران توانمند و قوی را به ضرر منافع خود می‌بیند.

تداوم خصوصت کور با آمریکا و سیاست‌های تروریستی و ماجراجویانه رژیم اسلامی از یکسو و از سوی دیگر اتخاذ استراتژی «مهار دوگانه» و تحریم اقتصادی به شمشیر بین دو کشور شدیداً دامن زده است. سیاست آمریکا تا کنون علیه ایران اینقدر تیز نبوده است. خصوصت از جانب دو طرف دامن زده می‌شود. هر اقدامی از جانب یکی، اقدام متقابل طرف دیگر را موجب می‌شود. با اختصاص ۲۰ میلیون دلار بودجه «سیا» برای بی‌ثبات کردن حکومت اسلامی، مجلس شورای اسلامی متقابلاً ۲۰ میلیون دلار برای مقابله با اقدامات «سیا» اختصاص داد. طبعاً عملیات متقابل به تخریب بیشتر مناسبات بین دو کشور خواهد انجامید.

آمریکا تصویری اغراق‌آمیز و غیرواقعی از توانایی‌ها و اقدامات رژیم اسلامی ارائه می‌دهد که خارج از قابلیت‌ها و امکانات رژیم است که در بحران همه‌جانبه‌ای فرورفته است. هدف آمریکا از ارائه تصویر غلوآمیز، قراردادن حکومت اسلامی در ظرفیت و جایگاهی است که بتواند برپایه آن رژیم اسلامی را به مثابه «کانون سیز علیه غرب»، «دشمن تمدن غربی» و «منشاء کانون تروریسم جهانی» و «برهم زننده نظم بین‌المللی» در ذهن جهانیان بنشاند. تئوری ناظر بر این تصویر، تئوری «برخورد تمدنها» است که دست‌پخت ساموئل هانتینگتون است. بر پایه این تئوری «تمدن اسلامی» به مثابه دشمن «تمدن غرب» و رژیم اسلامی به عنوان نیروی اصلی این «تمدن» نام برده می‌شود. با توجه به این تئوری و اهداف استراتژی «مهار دوگانه»، اقدامات آمریکا منحصر به تحریم کامل اقتصادی ایران نخواهد بود و طرح‌های دیگری را به دنبال خواهد داشت. از جمله، طرح بی‌ثبات کردن رژیم اسلامی، تجزیه بخش‌هایی از ایران، برنامه عملیات نظامی، آلت‌ناتو سازی و طرح‌های سرنگونی.

در بین مدافعین مشی «مهار دوگانه» گرایش‌های متفاوت از فشار به رژیم اسلامی برای دست کشیدن از سیاست‌های خود در موارد پهنج‌گانه تا انجام عملیات نظامی و سرنگونی حکومت اسلامی وجود دارد. نیوت گینگریچ مدافع سرسخت طرح‌های سرنگونی است. در حالیکه قبلاً جرجیان معاون وزیر امور خارجه آمریکا از تلاش برای تغییر رفتار ایران صحبت کرده و گفته بود که آمریکا در صدد سرنگونی دولت ایران نیست. برخی نمایندگان کنگره آمریکا می‌گفتند که آمریکا دشمن اسلام و بنیادگرایی نیست، بلکه با تلاش‌هایی که برای تحمیل عقیده فوق انجام می‌گیرد، مخالف است.

در سالهای اخیر به تدریج طرفداران برخورد معتدل در دولت و کنگره آمریکا تضعیف شده و طرفداران برخورد‌های تند علیه ایران توانسته‌اند تا حد قابل توجهی سیاست‌های خود را به کنگره و دولت کلینتون بقبولانند. تشدید خصوصت بین دو کشور و تند شدن سیاست آمریکا نسبت به رژیم اسلامی، زمینه‌ساز تشنج و درگیری بین دو کشور و در نهایت انجام عملیات نظامی آمریکا علیه ایران است. به ویژه اینکه حکومت فقها استعداد زیادی برای کارهای ماجراجویانه و تروریستی دارد.

آمریکا در منطقه حضور سنگین نظامی دارد. مقامات پنتاگون اظهار می‌دارند که نیروهای آمریکا در منطقه در صورت ضرورت می‌توانند علیه ایران بکار گرفته شوند. با تداوم سیاست رژیم فقها در زمینه تسلیحات، احتمال انجام عملیات نظامی آمریکا در ایران تحت عنوان «مقابله با گسترش تسلیحات کشتار جمعی» کم نیست.

# در کدام سو ایستاده ایم؟

ف. تاپان

واقعیت اجتماعی نگرستی، او تنها ایدئولوژی خود را عوض کرده است و از موضع لیبرالیسم محافظه کار به نقد جنبش چپ نهشته است.

ظاهری پور صریح نمی نویسد، اما چنان می نویسد که همگان خود این نتیجه را بگیرند که بنیانگذاری سازمان فدائیان حاصل یک عصیان کور بود و عصیان کور چیزی نیست که بتوان به دفاع از آن برخاست. این سخن، خطاب به همه فدائیان است که سالهاست در زیر بمباران اینگونه تبلیغات قرار گرفته اند که روح و روان آنان را می ساید و اراده آنان را در پیکار برای اهداف بزرگشان سست می کند: در این سازمان اگر هنوز چیزی هست که بتوان بر آن اتکا کرد، متأسفانه همان ۷ سال نبرد علیه دیکتاتوری شاه است. از آن زمان که نگاه ما به جهان «عمیق تر» شد، تا امروز که گروهی کمر به زیر و رو کردن این سازمان بسته اند، افتخارات، پیروزی ها و نقاطی که بتوان بر آن اتکا کرد، کمتر و کمتر شده است. این سخن دفاع از مبارزه مسلحانه نیست، این مبارزه دیگر به گذشته تعلق دارد، دفاع از همه ارزش هایی است که به نام مبارزه با رادیکالیسم و به نام دفاع از مسالمت جویی بی بها و بی بهاتر می شوند. برای نزدیک شدن به لیبرالیسم و برای پذیرفته شدن در اردوی «دموکراسی» است که این گذشته با چنین خوشنویسی نغی می شود. «دموکرات ها» هر گونه می خواهند در مورد این گذشته بنویسند و قضاوت کنند، اما این گذشته در نزد توده مردم گذشته ای است که علیرغم همه اشتباهاتش دارای احترام و حمایت است و ما به این احترام و حمایت نیاز داریم. بر خلاف آن چه که گفته می شود، مبارزه مسلحانه تعیین کننده هویت فدائیان نبود، این مبارزه به کنار گذاشته شد و فدائیان خلق باقی ماندند. فدائیان خلق، نیرویی سوسیالیست بودند که برای عدالت اجتماعی و آزادی می رزمیدند و آن چه آنها را ماندگار کرد، انتخاب سوسیالیستی آنها بود. این است آنچه که باید از گذشته و تاریخ سازمان از آن پاسداری شود.

\*\*\*

تلاش برای «ایدئولوژی زدایی» از جنبش چپ، تلاشی وسیع است. یکی از برجسته ترین صفاتی که «چپ دموکرات» می کوشد خود را با آن توضیح دهد، غیر ایدئولوژیک بودن این چپ است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در دومین کنفرانس خود، در سند تعیین هویت خویش تصریح کرد: «سازمان ما یک سازمان ایدئولوژیک، یعنی سازمانی که از نظام فکری - فلسفی خاصی پیروی می کند، نیست و در تدوین و تنظیم برنامه، خط مشی سیاسی و امور تشکیلاتی خود، در مجموعه اندیشه و دانش پیشرو و معاصر بهره می گیرد».

تعریف کنفرانس سازمان از «سازمان غیرایدئولوژیک» به همین پاراگراف محدود ماند و هیچ نهاد مسئولی نیز در صدد توضیح برنیامد که چرا یک سازمان سیاسی در مبارزه و هر انسانی است؟ «علم» و «حقیقت محض»؟ آیا اختلافات عظیمی که بین احزاب سیاسی وجود دارد، اختلافاتی ناشی از تفاوت نگرش آنان به «علم» است؟ در سیاست سخن گفتن از یک مدل علمی اثبات شده و یا حقیقت محض عوام فریبی است. می توان برخی روش های سیاسی را که سودآوری آنها را تجربه زندگی اثبات کرده است، به عنوان روش های علمی پذیرفت، اما نمی توان یک مدل سیاست را به عنوان مدل علمی پذیرفت. می توان علمی نمی توان سیاست را به عنوان یک مدل حکومت ها قضاوت کرد. این قضاوت همواره از زاویه منافع معین اجتماعی و سیاسی خواهد بود. در سیاست و مبارزه حزبی، انتخاب وجود دارد. این انتخاب حاصل سمت گیری اجتماعی معین است. احزاب، محصول انتخاب و تصمیم گروه های اجتماعی معین برای پیشبرد منافع طبقاتی و اجتماعی معین هستند.

در اینجا سخن بر سر انتخاب ها و سمت گیری های کلان است و طبیعی است که هر تاکتیک و عمل سیاسی را نمی توان تابع آن دانست، اما باید تاکید کرد سمت گیری های کلان حاصل انتخاب و تصمیم احزاب و انسانهاست و نه حاصل حقایق علمی و جانبداری از حقیقت محض.

\*\*\*

نشاندن «انسان آزاد» به جای «انسان ایدئولوژیک» و «حزب آزاد» به جای «حزب ایدئولوژیک»، مهمترین هدفی است که طرفداران ایدئولوژی زدایی از چپ اعلام می کنند. تصویری که از «انسان ایدئولوژیک» داده می شود، تصویر انسانی مسخ شده و اسیر ایدئولوژی است که خود و حزب خود و رهبران خود را همه حقیقت می پندارد. این واقعیتی است که احزاب مارکسیستی، برای دوره هایی اسیر چیزی شدند که ایدئولوژی می پنداشتند و این نیز واقعیت است که آنان که قصد ایدئولوژی زدایی از چپ را دارند، بر اشتباهات گذشته متکی شوند و آنان را برجسته کنند تا درستی گفته خود را نتیجه بگیرند. اما این نیز واقعیت است که انسان هایی از درون همین سیستم، علیه بندگی و بردگی ایدئولوژیک به پا خواستند و خود بزرگ ترین تجدیدنظرها را در مکتب خود وارد ساختند. مارکس، تا حدودی لنین، و بسیاری از کمونیست های اروپایی در این زمره بودند. جز این نیز نمی توانست باشد که در ابعاد کلان و تاریخی، هیچ گاه منافع طبقاتی و اجتماعی تابع اصول ایدئولوژیک نشده است زیرا ایدئولوژی خود بیانگر این منافع است. اگر حزب چپ این رابطه را به درستی درک کند، نه برده اصول از پیش ساخته خواهد شد و نه احتیاج دارد که خود را از جهان بینی و ایدئولوژی محروم سازد.

رهایی از ایدئولوژی «آزادی» و «علم» نمی آورد. آن ها که قصد دارند دفاع از «حقیقت محض» را به جای نگرش معین طبقاتی بنشانند، و یا حزب «علمی - کارشناسی» را جانشین حزب مردمی سازند، به این موضوع توجه نمی کنند که آنچه را در برابر «ایدئولوژیک کردن واقعیت» پیشنهاد می کنند، پایان دادن به توهم «انحصار حقیقت» نیست، دفاع از توهمی دیگر به نام جانبداری از «حقیقت محض» است. واقعیت اجتماعی، حقایق اثبات شده و یا رد نشده علمی نیستند که بتوان آنها را واری منافع این یا آن طبقه و گروه اجتماعی به اثبات رساند. در اجتماع و سیاست، آن چه که برای گروهی «حقیقت محض» است، می تواند برای گروهی دیگر یک «دروغ بزرگ» باشد. در سیاست نمی توان جانبدار نبود و هر کس نیز چنان ادعایی بکند، در ادعای خود صادق نیست.

سؤال اساسی و بنیانی در عرصه سیاست این است که چه چیز ملاک انتخاب سمت گیری سیاسی و اجتماعی حزب و هر انسانی است؟ «علم» و «حقیقت محض»؟ آیا اختلافات عظیمی که بین احزاب سیاسی وجود دارد، اختلافاتی ناشی از تفاوت نگرش آنان به «علم» است؟ در سیاست سخن گفتن از یک مدل علمی اثبات شده و یا حقیقت محض عوام فریبی است. می توان برخی روش های سیاسی را که سودآوری آنها را تجربه زندگی اثبات کرده است، به عنوان روش های علمی پذیرفت، اما نمی توان یک مدل سیاست را به عنوان مدل علمی پذیرفت. می توان علمی نمی توان سیاست را به عنوان یک مدل حکومت ها قضاوت کرد. این قضاوت همواره از زاویه منافع معین اجتماعی و سیاسی خواهد بود. در سیاست و مبارزه حزبی، انتخاب وجود دارد. این انتخاب حاصل سمت گیری اجتماعی معین است. احزاب، محصول انتخاب و تصمیم گروه های اجتماعی معین برای پیشبرد منافع طبقاتی و اجتماعی معین هستند.

\*\*\*

انتخاب بنیادین یک نیروی چپ رادیکال، سوسیالیسم است. سوسیالیسم به عنوان یک نظام اقتصادی - اجتماعی که در آن مجموعه ای از ارزش ها، مفاهیم و مناسبات عادلانه وجود دارد شامل دموکراسی، عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی و فرهنگی و رفاه به مناسبات غالب اجتماعی بدل می شوند اساسی ترین هدفی است که نیروهای چپ خود را با آن تعریف می کنند. تاکید بر این هدف، به ویژه امروز که سوسیالیسم از سوی دشمنان همیشگی به سخره گرفته می شود و از سوی دوستان دیرپوی حداکثر به عنوان یک خیال پردازی نیک تنها با لبخندی از سر همدردی توأم می شود، بیش از هر زمان ضروری است.

تلاش هایی که برای جایگزینی این انتخاب بنیادین با انتخاب های دیگری نظیر دموکراسی و حقوق بشر و علم و مدنیت و نظایر آن صورت می گیرد، نیروها و احزاب چپ را به سمت بی هویتی، ناسیونالیسم و ملی گرایی و به ویژه لیبرالیسم سوق می دهد. این تلاش ها سوسیالیسم را تا سطح پاره ای ارزش ها و اندوخته های اخلاقی تنزل می دهند و حکم تاریخی مارکسیسم را که سوسیالیسم آلت تاثیر سرمایه داری است، به فراموشی می سپارند. این فکر که سوسیالیسم تنها یک سری ارزش هایی است که در چهارچوب نظام سرمایه داری به تدریج تحقق می یابند و این جامعه را عادلانه تر و انسانی تر می کنند، فکر مستحکمی نیست.

چنین رسم شده است که در زمان تبلیغات و آن گاه که مردم را مخاطب قرار داده ایم، گذشته خود را به رخ بکشیم و وسیله فخر فروشی قرار دهیم و در تحلیل های خود، آن زمان که پیامی سیاسی به «دموکرات ها» را مد نظر داریم، چنان قلم قرمز بر این گذشته بکشیم که جز شرم برای آن که در این سازمان عضویت دارد هیچ نماند. مقاله جمشید طاهری پور، «یادمان ۲۵ سال» در کار شماره ۱۲۶ که ظاهراً در پزگدانش ۲۵ سال پیکار فدائیان خلق نوشته شده است، از آن مقالاتی است که برای خواننده خود در پایان جز این احساس شرم باقی نمی گذارد.

طاهری پور در سرتاسر مقاله خود این هدف را دنبال می کند که همه پیکار و موجودیت نخستین دوره حیات فدائیان خلق را در «تاکتیک مسلحانه» خلاصه کند. او بنیان گذاران سازمان ما را گروهی جوان عصیانگر و عاصی بدون فکر و ایده و هدف تصویر می کند و می نویسد: «مبارزه مسلحانه نیازی به «تئوری» نداشت، برای پذیرش ضرورت آن دستمایه ای از مهر و کین، عاطفه و عصبیت، عشق و نفرت کافی بود و آن احساس بیگانگی که رژیم پرمی انگیزت. با اینکه جزئی این اندیشه را به میان آورده بود که نبرد چریکها، «نبرد علیه دیکتاتوری» است، هیچ هدف و برنامه مشخص سیاسی و اجتماعی در کار نبود. آن چه که طاهری پور به عنوان قضاوتی نو نسبت به گذشته سازمان خود عرضه می کند، بارها از سوی لیبرال ها، ملی گرایان و اخیراً نیز «سلطنت طلبان دموکرات» تکرار شده است، و نو بودن آن تنها آنجاست که اینها یزواتک آن را در میان خود فدائیان نیز می توان شنید. و شاید نکته نو دیگر در این میان آن است که وی با صدایی رساتر از هر کس دیگر، شکست فدائیان خلق در پیکار با دیکتاتوری شاه را اعلام می دارد و می نویسد: «در آستانه پیدایی نخستین طلیعه های انقلاب، یعنی مسلحانه در معرض شکست قطعی قرار داشت و اعتقاد به درستی راه چریک ها در حال فرو ریختن بود. «سازمان چریک های فدائیان خلق ایران» تا شکست چندگامی بیشتر فاصله نداشت». طاهری پور «نگاه ایدئولوژیک» چریکها را دلیل «شکست» آنان می پندارد و توضیح نیز نمی دهد که «نگاه ایدئولوژیک» در نزد جوانان عصیانگری که هیچ برنامه سیاسی و اجتماعی نداشتند، و جز عصبیت و مهر و کین در آن ها چیز دیگری نبود، چه معنا می تواند بدهد؟ وی که ظاهراً با شعار دفاع از حقیقت به میدان آمده است، به نحو حیرت انگیزی به تحریف واقعیت برای اثبات چیزی که قصد کرده است از آن دفاع کند، می پردازد. او قصد دارد از چپ «ایدئولوژی زدایی» کند و در این راه چنان به افراط می رود که هر اشتباهی را ناشی از «نگاه ایدئولوژیک» به واقعیت می پندارد و از جمله می نویسد: «در نگاه ایدئولوژیک به انقلاب بود که خمینی، برای ما جوانان یک متحد ارزش و اعتباری ایدئولوژیک پیدا کرده». طاهری پور در هیچ جای مقاله خود توضیح نمی دهد که از کدام ایدئولوژی سخن می گوید، اما ظاهراً منظور او ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی است. و نکته ای که او به کل از آن غافل مانده است، این جاست: مگر بخش دیگری از چپ ایران نبود که با وفاداری به همین ایدئولوژی، خمینی برایش چون یک متحد ارزش و اعتبار پیدا نکرد؟ مگر بخشی از چپ ایران نبود که با وفاداری به این ایدئولوژی، به مخالفت با مبارزه مسلحانه چریکها برخاست؟ آیا طاهری پور می خواهد ادعا کند که یگانه مفسر آن ایدئولوژی بوده است؟

یکه که نمی خواهد «حقیقت» را قربانی «ایدئولوژی» کند، با چه استدلالی فدائیان خلق را در نبرد با دیکتاتوری شاه در «آستانه شکست» اعلام می کند؟ به این دلیل که تعداد چریکها به تعداد انگشتان دست رسیده بود؟ آیا این نگاه «غیرایدئولوژیک» نمی تواند انبوه جوانان و روشنفکران و مردمی را که رو به سازمان آورده بودند ببیند؟ معیار شکست و پیروزی یک خط مشی سیاسی و اصولاً یک سازمان سیاسی در چیست؟ مگر در جلب اعتماد مردم، در بردن ایده ها و افکار و سیاست های خود در آنها نیست؟ رفیق طاهری پور در صدد است از این مقدمات نتیجه اصلی را بگیرد: او نیز تلاش دارد که مرز بندی نیروهای سیاسی را بر پایه نظریه لیبرالیستی اعتدال و انقلاب، و مسالمت و قهر قرار دهد. طاهری پور پیکار فدائیان خلق علیه دیکتاتوری شاه را به ضرر دموکراسی ارزیابی می کند و خط مشی حمایت از خمینی را به سود دموکراسی می نامد: «عملیات چریکی جو سنگین حقیقتان پلیسی را نشکست، حقیقتان پلیسی دامنه و شدت بیشتری گرفت. تاکتیک مسلحانه برای دیگر شکل های مبارزه راه نگشود، اختناق، بیشتر دامن گسترد و کار آرام و پرشکب مبارزه صفتی و تبلیغات سیاسی که با فعالیت علمی ملزمه داشت، دشوارتر شد».

اما بعد از انقلاب: «تحویلی سلاح، شرکت در انتخابات، استقبال از مناظره های تلویزیونی - علیرغم نیات خودغرضانه پروان خمینی - تلاش برای حل مشکلات از طریق مذاکره، اهتمام در راه تثبیت آزادی فعالیت سیاسی در چهارچوب قانون و... در تداوم فضای دموکراسی در کشور سهم و نقش نمایان داشت». و آیا خود این دو حکم بطلانی بر آن تلاش طاهری پور که «شکست» را نتیجه «نگاه ایدئولوژیک» می شمارد، نیست؟ می بیند که دفاع از مشی مصالحه با خمینی، احتیاج به هیچ نوع خاصی از نگاه ایدئولوژیک به انقلاب ندارد. می توان نگاه خود را عوض کرد و باز این مشی را توصیه کرد. مگر مشی مصالحه با رفسنجانی امروز بیش از همه از سوی کسانی توصیه نمی شود که خود را کاملاً «ایدئولوژی زدایی» کرده اند؟

طاهری پور از این ایده دفاع می کند، که هر مشی مسالمت جویانه ای صرف نظر از آن که متوجه تحکیم چه چیز و تضعیف چه چیز است، کمک به دفاع از دموکراسی است و هر مشی قهرآمیزی ضد دموکراسی، برای او مهم نیست که آن مشی مسالمت جویانه در خدمت تحکیم خونخوارترین رژیم سیاسی معاصر ایران قرار گرفت و برای او مهم نیست که «تاکتیک مسلحانه» بزرگترین نیروی مقاومت علیه دیکتاتوری شاه را برانگیخت. این تلاش که نیروهای سیاسی را بر اساس مشی مسالمت و قهر، اصلاح طلبی و رادیکالیسم تقسیم بندی کند، این بار هر چند تحت نام «ایدئولوژی زدایی» عرضه شده است، اما یک فکر قدیمی لیبرالیستی است. طاهری پور از ذهن خود ایدئولوژی زدایی نکرده است، زیرا نمی توان بدون ایدئولوژی به

منطقاً زمانی فرا خواهد رسید که ارزشهای سوسیالیستی، از هر راه و به هر صورتی که تحقق یابند، به ارزش های غالب جامعه تبدیل خواهند شد و مناسبات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بر اساس آنها سازمان دهی خواهند گردید. چنین جامعه ای دیگر یک جامعه نوین خواهد بود، جامعه ای که سوسیالیسم بر آن غالب است. جامعه ای که سوسیالیستی است.

مارکسیسم، بیان ایدئولوژیک انتخاب سوسیالیستی است. چپ باید این استعداد را در خود تقویت کند که مارکسیسم را به صورت یک مکتب زنده و قابل تجدید نظر بنگرد و آن را با به پای زمان نوس کند و به «مجموعه دستاوردهای دانش معاصر بشری» مجهز سازد. مارکسیسم باید به مثابه نحوه نگرش و متد برخورد و تجزیه و تحلیل مسایل سیاسی و اجتماعی، به عنوان یک سمت گیری اجتماعی، به عنوان مجموعه ای از ارزش ها و اعتقادات بنیادی، که تعیین کننده جایگاه نیروهای چپ در عرصه مبارزه های اجتماعی است، نگریسته شود. تجربه چند ساله اخیر نشان می دهد، آن ها که کمر به ایدئولوژی زدایی و واقع مارکسیسم زدایی از چپ بستند و مارکسیسم را کنار گذاشتند، نتوانستند خود را از «قید» نگرش طبقاتی به مسایل سیاسی و اجتماعی رها سازند، موضوع طبقاتی و نگرش اجتماعی خود را عوض کردند. نفی مارکسیسم در چپ ایران، با پذیرش (کامل و یا تکه پاره) لیبرالیسم، ناسیونالیسم و در موارد محدودی ایدئولوژی های افراطی راست، همراه بوده است.

\*\*\*

از نتایج بلافاصله «ایدئولوژی زدایی»، تجدید نظر در نگرش طبقاتی نسبت به طبقات و احزاب سیاسی و از دست دادن معیارهای اساسی قضاوت است. در بین نیروهای چپ شیوه های قدیمی و توطئه گرانه سرمایه داری، به نام نواندیشی رواج می یابد. یکی از این شیوه های «نو» این است که در مبارزه سیاسی دوست و دشمن دایمی وجود ندارد و باید خوب و بد هر نیرو را با هم دید و در برابر هر اقدام و عمل مشخص، «موضع مشخص» داشت و از قضاوت های کلی بریز کرد. هرگز نباید از این «آزاد اندیشی غیرایدئولوژیک» انسان را در حیرت فرو می برد. یکی از مقالاتی که در نشریه کار به چاپ رسید، چنین آمد: آغا محمد خان قاجار آدم بسیار سفاکی بود و دستور داد چشم همه مردم کرمان را کور کنند ولی... ولی او در عین حال کسی بود که به پدیده خاک شناسی اهمیت می داد و چاه های آب زیادی حفر کرد و از این رو در قضاوت نسبت به او باید «همه جانبه» برخورد کرد و «واقع بین» بود! اعتقاد من بر این است که بسیاری از مباحثی که امروز در جنبش چپ طرح می شود، نظیر بحث مربوط به پادشاهان چند هزار سال پیش، مقدم بر هر چیز دارای هدف های سیاسی و پیام های سیاسی به نیروهای معین سیاسی است. کورگانه است اگر کسی فکر کند که در میان انبوه مسایلی که جنبش چپ امروز با آنها دست بگریبان است، ناگهان عده ای به فکر بازنویسی تاریخ هزاران سال گذشته افتاده اند و در تلاش خود هیچ نظری نیستند به احیاء ناسیونالیسم عظمت طلبانه ایران و ناسیونالیست های عظمت طلب ایران نیز ندارند.

اما صرف نظر از این هدف های معین سیاسی، این نحوه برخورد، حزب سیاسی را از قضاوت عمومی و پایدار نسبت به سایر احزاب و نیروهای سیاسی محروم می کند و بزرگترین ضررش آن است که هر گونه مرز طبقاتی و اجتماعی را از بین می برد. از چنین نتیجه ای هر نیروی سود ببرد، حزب چپ سوسیالیستی و توده های زحمتکش جامعه سود نخواهد برد.

حزب چپ سوسیالیستی و توده های مردم نمی توانند نسبت به نیروهای سیاسی و اجتماعی و طبقاتی قضاوت صریح و روشن نداشته باشند. این قضاوت به آن ها کمک می کند که متحدین، رقیب و دشمنان خود را بهتر بشناسند و بر اساس این یا آن عمل مشخص، که می تواند عوام فریبانه نیز باشد، دچار سرگیجه نشوند. این قضاوت به آنها کمک می کند که در مبارزه سیاسی بتوانند متحدین و دوستان پایدار خود را از دیگران تشخیص دهند. این قضاوت اراده گرایانه نیست، قضاوت تاریخی نیست به هر نیروی سیاسی و نقش آن در مبارزه اجتماعی بر اساس انتخاب های بنیادین این نیروی سیاسی صورت می گیرد. همین انتخاب های بنیادین است که مناسبات نیروهای اجتماعی یا یکدیگر را تنظیم می کنند. به این معنا، هیچ نیروی سیاسی در پیکارهای خود به دنبال حقیقت محض نیست، به دنبال مسالمت طلبی ها و اهداف بنیادین خود است. آن چه که سوسیالیست ها را از نظر تاریخی و علیرغم اختلافات لحظه ای در یک جبهه قرار می دهد و با یکدیگر متحد می کند، مبارزه آن ها در راه سوسیالیسم است. سوسیالیست ها، قضاوت خود نسبت به سایر نیروهای اجتماعی را نیز بر پایه موضع آن ها نسبت به مجموعه به هم پیوسته ای از نیازهای تاریخی جامعه یعنی دموکراسی، عدالت اجتماعی، و رشد اقتصادی قرار می دهند. و از همین نظر دارای موضع تاریخی نسبت به دیکتاتورها، سلطنت طلب ها، و مکتب دیگر نظیر لیبرالیسم و ناسیونالیسم هستند.

\*\*\*

آنچه ما را به گذشته سازمان خود و همه چپ ایران پیوند می دهد و ما را موظف می سازد تا به دفاع از تاریخ خود در برابر ناسیونالیسم، شونیسم و لیبرالیسم برخیزیم، اشتراک در انتخابی است که سازمان ما یک بار در ۲۵ سال پیش برگزید و امروز باید بر آن پای فشرود. این طبیعی است که آنچه بنیان گذاران سازمان ما از سوسیالیسم، دموکراسی و دیگر اهداف بنیادی ما و مارکسیسم می فهمیدند، همان نباشد که امروز ما می فهمیم. در هر حزب و سازمان سیاسی چنین است. اما اعتقاد به سوسیالیسم، مخالفت با سرمایه داری، دفاع از توده های مردم، رشته ای است که چپ ایران و نه تنها چپ ایران که همه چپها در سراسر جهان را از میان همه اختلافات به هم پیوند می دهد و جبهه واحد آنان را می سازد.



## در پاسخ آقای علی اصغر حاج سید جوادی

۱- برزگر

● آخر این نشد که هر فرد و گروهی پایه اعتبار و مشروعیت خود را بر بی اعتبار کردن دیگران بگذارد

شکوفایی و بالندگی بازدارد. وانگهی آنچه امروز پس از فرونشستن گرد و خاک «فروپاشی» نمی توان نادیده گرفت همانا این واقعیت تاریخی است که نظام های سوسیالیستی، در دوران موجودیت خود، به گونه ای غیر قابل مقایسه، از همه جوامع پیشرفته روی کره زمین، عادلانه تر، انسانی تر، متمدن تر، با فرهنگ تر، امیدوارتر، و در مجموع، به سوسیالیسم نزدیکتر بودند...

حالی چگونگی است که نویسنده محترم ماجرای «فروپاشی» را تاییدی بر اندیشه های خود و «همفکران» به حساب می آوردند، چندان روشن نیست!  
- آقای حاج سید جوادی پرسش دیگری را نیز پیش کشید: «ملکی چه راهی جز پیوستن به نهضت ملی به رهبری مصدق می رفت؟» که در واقع باید پرسیده شود «ملکی با پیوستن به نهضت ملی برای این نهضت و رهبری دکتر مصدق چه کرد؟»

برای آنکه به این پرسش پاسخی در خور داده شود مقدمات به پاره ای از عواملی که پیروزی کودتا را میسر ساخت از زبان برخی سران نهضت و شخصیت ها اشاره کرده و سپس از زبان دیگران و به نقش ملکی در آن دوران اشاره می کنم:

### عوامل پیروزی کودتا

- دکتر غلامحسین صدیقی وزیر کشور و نایب نخست وزیر در جریان مصاحبه ای علل موفقیت کودتا را بر شمرده و از جمله به عقاید و افکار دکتر مصدق و پیش اجتماعی و سابق سیاسی او، به کیفیت ایجاد جبهه ملی و خصوصیات شخصی و مرامی اعضای آن اشاره کرده می گوید: «مشکل، چه در کار سیاسی و چه در رده نظامی و فرماندهی این بود که مردان، انگشت شمار بودند. در آن زمان به اشخاص با شخصیت و عالم و میهن دوست نیاز داشتیم»  
- دکتر سنجابی می نویسد: «سرتیپ ریاحی (رئیس ستاد ارتش)» به مصدق تلفن کرد اجازه بدهید سرتیپ دفتری را دستگیر کنیم، او در این کار (کودتا) آماده است. روز ۲۷ مرداد دفتری نزد نخست وزیر آمد و گریه کرد. مصدق به او گفت چه خبر است عمو جان، برو شهربانی را تحویل بگیر! ۳

- دکتر صدیقی در همین رابطه در مصاحبه خود می افزاید: «فراموش نمی کنم صبح روز ۲۸ مرداد ساعت ۱۰ صبح نخست وزیر تلفن کرد که حکم ریاست شهربانی را برای سرتیپ دفتری بنویسد. این کار انجام شد. روز بعد (در زندان کودتا) به مصدق گفتم آقا به این افسر اعتماد داشتید؟ دکتر گفت آقا کاش بودید و می دیدید که این افسر که با ما نسبتی هم دارد (دفتری، برادرزاده مصدق بود) آمد و گفت خدمتی به من رجوع کنید. من چه موقع مناسب تر از حالا می توانم به شما خدمت کنم؟»  
- سنجابی همچنین می نویسد: «چریانها را به وسیله تلفن به مصدق خبر می دادند ولی مناسبانه مصدق اقدام و تجهیزاتی برای جلوگیری از کودتا ننواست به عمل آورد... به زاهدی اجازه داده شد از تحصن مجلس سالم بیرون آید. او بیرون آمد و مخفی شد.»  
- سرهنگ غلامرضا نجاتی می نویسد: «به همان نسبت که کودتاچیان در تهیه طرح عملیات و اجرای آن دقت و مهارت و پشتکار به خرج می دادند... دولت و ارتش و مسئولان نظامی و امنیتی کشور از اهمیت توطئه هایی که در شرف اجرا بود غافل بودند و خود را برای مقابله با آن آماده نکرده بودند... ستاد ارتش مصدق طرحی به نام طرح مقابله با کودتا داشت. با وجود حکومت نظامی، کودتاچیان با اتومبیل های نظامی و زره پوش در خیابانهای تهران تا صبح رفت و آمد می کردند»  
- در کتاب «مصدق، نفت، ناسیونالیسم ایرانی» از قول دکتر شیابوی بختیار آمده است: «در وقایع اوت ۱۹۵۳ مصدق بی درنگ بایست و واکنش نشان می داد و از طریق حکومت نظامی کلیه کسانی را که در کودتا شرکت داشتند به جوجه اعدام می سپرد»

- سرهنگ نجاتی همچنین می نویسد: «در خلال ۲۵ تا ۲۸ مرداد مسئولان امور مملکتی بخصوص در ارتش و نیروی انتظامی نهایت سستی و بی لیاقتی به خرج دادند. عناصر نامطمئن و افسران شاغل مقامات مهم فرماندهی و اطلاعاتی طرفدار کودتا که شناخته شدند، تعویض نشدند و حتی یکی دو نفر از آنها مقامات بالاتری را اشغال کردند.

ناچار اعلام کرد: برای اجتناب از مبارزه که موجب تضعیف نهضت می شود از تشکیل جمعیت سوسیالیست توده ایران انصراف حاصل شده است. ما تمام آزادی خواهان را هرگونه تشمت و اختلاف نظر جلوگیری نموده و مبارزه پرافتخار حزب را کاملتر از گذشته ادامه دهنده».

انشعاب به پایان رسید اما «مبارزه سوسیالیستی» خلیل ملکی تازه می رفت آغاز گردد.  
- آقای حاج سید جوادی همچنین می پرسد: «ایرادات خلیل ملکی و انشعابیون به رهبری حزب توده چه بود؟»

- «مبارزات سوسیالیستی» خلیل ملکی دو دوره متمایز را در بر می گیرد: در دوره اول، چنان که گفته شد، «مبارزه» از حدود برخی خرده گیری ها به رهبری حزب توده و شیوه اداره آن فراتر نمی رفت. شرایط اجتماعی - سیاسی در آن دوران انشعابگران را به تنگنایی سخت و در واقع، به بن بست کشانده بود. در دوره دوم اما، «مبارزه» شدت و گسترش بی سابقه یافت. و آن در زمانی است که رهبری حزب توده ایران به سبب برخورد ناهنجار اولیه اش با حکومت دکتر مصدق و مخالفت نامفهوم با شعار «ملی شدن صنعت نفت» به موضع انفعالی کشانده شده و از هر سو آماج حمله ها بود. در این شرایط خلیل ملکی تکیه گاه معتبری چون «نهضت ملی» به رهبری دکتر مصدق را پشتوانه استوار فعالیت های خود یافت و همدستی با ماجراجویی چون دکتر مظفر بقایی را، که به بادالالت جلال آل احمد بر سر راه او سبز شده بود، مغتنم شمرد.

در این دوره از «مبارزه» نه تنها نهاد حزب توده ایران بلکه «سوسیال امپریالیسم» شوروی و در ارتباط با آن، همه مقلات جهانی سوسیالیسم علمی آماج حمله های کور و کین توزانه قرار گرفت. حزب توده به حیانت و بیگانه پرستی و دنباله روی و اتهاماتی از این دست متهم شد.

گره کارهای حاج سید جوادی و همفکران ضمنا در آنجاست که آنان، ظاهرا، پدیده های تاریخی، سیاسی و اجتماعی پنجاه سال پیش را مستقل از عوامل و شرایطی که آنها را به وجود آورده و بر عرصه تاریخ رانده است، به دآوری می کشانند و لاجرم این پدیده ها را با معیارهای امروزی می سنجند و چه بسا در قضایای تیره و تاریک، آغشته با گرد و خاک «نظم نوین جهانی» سبک سنگین می کنند و با چنین برداشتهایی است که تاریخ را به نرخ روز می نویسند و آنچه از مقلاتی چون «فریب» و «ویرانگری» و «حیانت» و «بیگانه پرستی» و «دنباله روی» و جز آن در چشمه دارند سخاوتمندانه نثار حزب شکست خورده توده می کنند؛ و متقابلا «بت شکن بزرگ تاریخ ایران» را که «از یاد آن همت می طلبید» به عرش اعلا می رسانند.

- آقای حاج سید جوادی به سان کسانی که فروپاشی جوامع سوسیالیستی را پیروزی اندیشه های افرادی چون خلیل ملکی می دانند. می پرسند: «چرا ملکی نظام روسیه شوروی را سوسیالیستی نمی دانست؟»

- حقیقت آن است که اتحاد شوروی سوسیالیستی فرایند نخستین آزمایش انسان برای رهایی از ستم و استثمار طبقاتی است. پیش ما از نویسنده محترم این است که آیا این نخستین آزمایش علمی - تاریخی همه بشری باید صرفا با معیارهای امپریالیستی، با محاسبه سود و زیان سرمایه داری و با ملاحظاتی «بازار» ارزیابی شود؟ وگرنه با چه معیارهایی؟

تاریخ در همین دوران کوتاه پس از فروپاشی در اعلام دآوری خود چندان درنگ نکرده است: از دیدگاه تاریخی، گذشته از سلطه ریشه دار رسوبات ذهنی، عادات و سنت های عقیدتی هزاران ساله و جاذبه مقلاتی چون «بازار» و «مالکیت خصوصی»، که زمینه ساز شکست هرگونه نوآوری از این دست است، عوامل اصلی مؤثر در «فروپاشی» چنین است: بروز خطاها و کم ظرفی ها، شتابکاری در پیشبرد ساختار ناشناخته سوسیالیسم در دوران طولانی و سخت و ناهموار گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم، از یک سو، و مهمتر از آن، نقش ویرانگر و توطئه های تجاوزکارانه بی وقفه امپریالیسم، از سوی دیگر. به جرات می توان گفت که هرگاه تجاوز بی وقفه گستاخانه و بی حد و مرز امپریالیسم در کار نبود، در جهان نیرویی وجود نداشت که سوسیالیسم را از

نوشته آقای حاج سید جوادی که در شماره ۱۲۵ نشریه «کار» با عنوان «اگر ملکی مرده است، ما هنوز زنده ایم» در خواننده های که بخواد آن را جدی بگیرد دوا حساس متضاد برمی انگیزد: مسکوت گذاردن و یا روی بند بند آن انگشت نهادن: مسکوت گذاردن بدان سبب که مقاله در اساس تکرار همان اتهامات و احکام بی پشتوانه و یک طرفه است که طی چهل - پنجاه سال اخیر کوشیده اند در اذهان بنشانند؛ و پاسخ گفتن از آن رو که درست همان تهمت های کهنه نتواند ذهن جوان هایی که از گذشته ها کمتر اطلاع دارند را به داوری غیرمنصفانه بکشاند.

برای اینکه سختم مستند باشد برخی از عباراتی را نقل می کنم که آقای حاج سید جوادی در مورد خلیل ملکی و نیز در باره حزب توده ایران در مقاله خود بدان اشاره کرده است: «ارزیابی خردمندانه و دوراندیشانه خلیل ملکی»، «هنر ملکی در اندیشیدن منطقی و درست مسایل بحران نهضت»، «هشیاری و بینش اجتماعی - سیاسی و آگاهی ملکی از عمق چریانات»، «هنر ملکی در سنجش قوای دشمنان نهضت: انگلیس و آمریکا و دربار و حزب توده»، «شجاعت و صراحت و همچنین نفرت و بیزاری از ریاکاری و دروغ گویی و پنهان کاری»، «بینش ملکی که راه منطقی و انسانی و ملی و میهنی خود را با زیافت... و «بت شکن بزرگ تاریخ ایران» که «نویسنده از یاد آن همت می طلبید»... و...

«متقابلا» درباره نهادهای - تاریخی - اجتماعی - سیاسی چون حزب توده ایران، برای سیاه و سفید کردن پدیده ها: «حزب شکست خورده توده» (نمی گوید شکست از کی و چرا؟)، «میزان و عمق عوام فریبی در شیوه های تبلیغاتی حزب توده»، «بازی فریبکارانه حزب توده»، «ویرانگر حزب توده»، «حزبی که تبلیغات گسترده آن برای ماشین تبلیغاتی و سیاسی انگلیس سوخت مناسبی تهیه کرد تا زمینه همکاری انگلیس و آمریکا فراهم شود و توطئه سقوط مصدق را تدارک ببندد»... و...

در اینجا همان عبارت برعکس نویسنده محترم، که در واقع سخن از زبان خوانندگان اوست، به ذهن تداعی می شود. او می نویسد: «آخر این نشد که هر فرد و گروهی... پایه احراز اعتبار و مشروعیت خود را بر بی اعتبار کردن دیگران بگذارد و در این رهگذر از ارائه هرگونه مدرک و دلیلی خودش را در برابر مردم و افکار عمومی و خوانندگان و شوتندگان خود بی نیاز تصور کند!»

### پرسشهای او و پاسخهای من

نویسنده محترم پرسش های مشخصی را نیز در میان نهاده است که راه او می کشاید و چنین است که من مناسب می دانم به مواردی از آن پرسشها بپردازم:  
- آقای حاج سید جوادی می پرسند «خلیل ملکی که بود و چرا از حزب توده جدا شد؟»

- تا آنجا که می توان پی برد، ملکی پس از بازگشت از اروپا در جمع گروه «۵۳ نفر» به زندان رضا شاه افتاد. بعد از پیدایش حزب توده ایران در کنگره اول این حزب (مرداد ۱۳۲۳) شرکت کرد، از موضع چپ شرکت این حزب در انتخابات دوره چهاردهم مجلس را محکوم دانست و آن را «عسول و مبارزه طبقاتی» و «گرایش به عناصر غیرپروتری» ارزیابی کرد. در «کابینه ائتلافی قوام» زیر سرپرستی دکتر فریدون کشاورز وزیر فرهنگ، به پست مدیر کلی آموزش ارتقا یافت.

پس از شکست «فرقه دمکرات آذربایجان» با بهره گیری از آشفته گی های سیاسی - سازمانی حزب توده به مقام دبیری آن حزب دست یافت. در این مقام بود که به رغم «معتقدات» قبلی خود اعلامیه ای انتشار داد و در آن تاکید کرد که حزب باید «مبارزه طبقاتی» را کنار گذارد و «به مبارزات پارلمانی مانند ملل دمکرات» روی آورد. این خط مشی در حزب پذیرفته نشد.

از این رو ملکی با جمعی از روشنفکران عضو حزب فراکسیونی تشکیل داد تامگر رهبری بی رقیب حزب را در دست گیرد و در خط مشی و سازمان حزب تغییرات دلخواه به وجود آورد. چون این نقشه ناموفق ماند، ملکی و هم دستانش به انشعاب از حزب روی آوردند. انشعابگران جزوهای یا عنوان «دو روش برای یک هدف» منتشر کردند و در آن نوشتند که «هدفی جز هدف حزب توده ایران ندارند». «انتقادهای آنان از حزب محدود به برخی رهبران حزب و شیوه اداره حزب است» و «به زودی جمعیت جدیدی را تشکیل خواهند داد که هدفهای حزب توده ایران را دنبال کنند». این جمعیت از پیش «جمعیت سوسیالیست توده ایران» نام یافت.

در آن زمان اعتبار و حیثیت اجتماعی - سیاسی حزب توده آن چنان بر فعالیت انشعابگران سایه افکن بود، که ملکی

عده ای بیش از پیش به دشمن پیوستند...»  
- پرفسور سپهر ذبیح می نویسد: «در روزهای ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ مرداد بر اثر فرار شاه و فرمان نخست وزیر زاهدی و انتظار حوادث پیش بینی نشده سر در گمی بسیاری در پایتخت بود که نشانه های تردید و ودلی مصدق و یاران نزدیک او بود. نمی دانستند چه اقدامی باید بکنند. تنها سران کودتایی ارتش بودند که می دانستند چه می کنند و چه باید بکنند. برخلاف مصدق که وخامت اوضاع را درک نمی کرد»  
نقش ملکی

حال باید دید در چنین شرایط بحرانی، خلیل ملکی با آن «هشیاری و بینش عمیق اجتماعی - سیاسی و آگاهی از عمق چریانات» برای جلوگیری از وقوع کودتای احتمالی چه راهنمایی و راهگشایی هایی می کرد؟ و جامه از پیوستن خلیل ملکی به نهضت ملی به رهبری دکتر مصدق، چه طرفی برمی بست.

- دکتر صدیقی در همان مصاحبه خود می گوید: «خلیل ملکی و عده ای دیگر اصرار داشتند که در سالروز ۳۰ تیر عناصر وابسته به حزب توده در یک تظاهر جداگانه شرکت کنند و ملیون در زمان دیگر، در نتیجه، یک نیم روز چپها بانظمت و ترتیب خاصی و قدرت تشکیلاتی فراوان و یک نیم روز عناصر ملی با ضعف تشکیلاتی دست به تظاهر زدند. این باعث شد که انگلیسی ها را بیشتر برانگیزد و آیزنهاور با برداشت خاص خود ایران را تهدید کند»

- دکتر سنجابی در همین رابطه می نویسد: در ۳۰ تیر ۱۳۳۲ به خاطر سالگرد تظاهرات عظیمی حزب توده کرد به همین جهت خلیل ملکی نگرانی خود را به من (چنین) اعلام کرد: «آیا دیگر برای ما چه مانده است؟ توده ای ها آبروی ما را بردند! این آقای دکتر مصدق چه کاری می خواهد با ما بکند؟... من جریان را به مصدق گفتم، قرار شد خودمان نزد او برویم. هفت هشت نفر - ملکی و داریوش فروهر و شمشیری و یک نفر از حزب ایران و من و دو نفر از بازارپها - نزد دکتر مصدق رفتیم. خلیل ملکی خیلی تند صحبت کرد و گفت چه دلیل دارد که شما قدرت توده ای ها را به رخ ملت می کشید و مردم را متوحش می کنید؟ مصدق گفت چه کارشان کنم، خوب آنها هم تظاهر می کنند. ملکی گفت: جای آنها توی خیابانها نیست، در زندانهاست!...»  
این بود نمونه ای از «راهنمایی ها» و «راهگشایی ها!» خلیل ملکی، بی تفاوت در برابر همه خطرهای مرگباری که پیروزی یک کودتای احتمالی را اجتناب ناپذیر می ساخت، با سودجویی از هر فرصت، سراسیمه تلاش می کرد تا مگر «نهضت ملی» و رهبر آن را به آلت اجرای مقاصد کین توزانه خود مبدل سازد! عجیب و چندان آور و نرفت انگیز!

### و خویش داوری او در پایان کار

خلیل ملکی در «خاطرات سیاسی» اش به شیوه خاص خود، به آن «حقد و حسد و کین توزی» که انگیزه اصلی او در «مبارزه سوسیالیستی» اش بود اشاره می کند. در ارتباط با کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی که در جریان آن خروشیف، استالین و شیوه استالین را در اداره حزب و دولت آن کشور محکوم کرد، ملکی نوشت: «امروز که من به گذشته نگاه می کنم و قضایا را بی حقد و حسد و کینه از نظر می گذرانم آرزو می کنم که کاش ما هم درباره رژیم شوروی و هم دنباله روی در حزب توده عینی بودن و واقع بینی بیشتر به کار می بردیم... من آرزو می کردم کاش ما روش واقع بینانه و توام بسا خون سردی خودمان را در مورد حزب توده و رژیم شوروی آنقدر ادامه می دادیم تا اوضاع مانند امروز گردد.»

تا آقای علی اصغر حاج سید جوادی و «همفکران» چه گویند!  
برزگر ۷/۱۲/۷۴

زیر نویس ها  
۱- تویق العاده قیام شرق مورخ ۲/۱۱/۲۶، به نقل از عبدالصمد کامبخش: نظری به جنبش کارگری و کمونیستی ایران  
۲ و ۳ و ۴ - سرهنگ غلامرضا نجاتی: جنبش ملی شدن صنعت نفت  
۵ و ۶ و ۷ - دکتر کریم سنجابی، خاطرات، (امیدها و ناامیدی ها) چاپ اول ۱۳۶۸  
۸ - پروفسور سپهر ذبیح: ایران در دوره مصدق  
۹ - خلیل ملکی: خاطرات سیاسی صفحه ۲۸ - ۲۷  
#در نقل سخنان دیگران عبارات داخل پرانتز از من است.

## علل عدم تمایل بخش خصوصی به سرمایه گذاری در ایران

شماره ۹ گزارش یک دهه تحولات نظام بانکی کشور در سلام، ۱۳۷۳/۷/۴، صفحه ۲.  
۵- سلام، ۱۳۷۳/۳/۲، صفحه ۲.  
۶- محمد حسین کوچک علیزاده: «تشکیل و استهلاک سرمایه»، ایران فردا شماره یک، خرداد و تیر ۱۳۷۱، صفحه ۲۱.  
۷- از سخنرانی رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در ۱۶ مهر ۱۳۷۰ در دانشگاه علامه طباطبائی.  
۸- سعید لیلان: ایران فردا، شماره ۵، بهمن و اسفند ۱۳۷۱، ۱۵.  
۹- روزنامه رسالت، ۱۰ تیر ۱۳۷۱، صفحه ۱۵.  
۱۰- سعید لیلان: ایران فردا، شماره ۵، صفحه ۲۲.  
۱۱- روزنامه سلام، مهر ۱۳۷۲، صفحه ۲.  
۱۲- روزنامه هفتشنبه، ۲۰ شهریور ۱۳۷۲، صفحه ۱۰.  
۱۳- رسالت، ۱۰ تیر ۱۳۷۱، صفحه ۱۵.  
۱۴- رسالت، ۱۳۷۲/۱۲/۲۵، ویژه نامه.  
۱۵- سلام، ۱۳۷۲/۱۲/۸، صفحه ۳.

در خاتمه بد نیست به یک آمار جالب اشاره شود که نشان می دهد با توجه به اینکه در ایران غیر از بیکاران پنهان که ۲۵ درصد گزارش شده است، بین ۱۰ تا ۱۵ درصد بیکار وجود دارد و سالانه ۸۵۰ هزار نفر وارد بازار کار می شوند اگر قرار باشد برای تمام بیکاران ایجاد اشتغال شود و موافقت اصولی هم به روال گذشته صادر شود به ۱۰۴ سال وقت نیاز خواهد بود.

۱- گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۷۰ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بهار ۱۳۷۳، صفحه ۷۱ و مصاحبه آقای توسلی نماینده طیس در مجلس شورای اسلامی با رسالت، ۱۳۷۲/۳/۲۸، صفحه ۱۹.  
۲- کیهان، ۱۴ اسفند ۱۳۶۹، صفحه ۵.  
۳- سعید لیلان: نظری بر عملکرد اقتصادی جمهوری اسلامی، مجله ایران فردا، شماره ۵۶، بهمن و اسفند ۱۳۷۱، صفحه ۲۳.  
۴- روزنامه سلام، ۲۷ آبان ۱۳۷۱، گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۰ بانک مرکزی، صفحات ۱۲۲-۱۲۰ و مجله پژوهش و مجلس

ساکت آمریکا مانند تمبا، در ایالت فلوریدا، فقط ۴۵ دقیقه وقت لازم دارد (۱۵)، اما در تهران این کار چند ساعته در گذشته یک تا ۹ سال و شاید در مواردی هم پیش از آن طول کشیده است. خوشبختانه گفته می شود که اکنون حدود یکسال است که دولت جهت تسریع کار صدور موافقت را منحصر به وزارتخانه مربوطه کرده است تا بلکه زمان معطلی کاهش یابد. گفتنی است که در بعضی مواقع موافقتنامه ممکن است با سرعت غیر قابل تصویری صادر شود و آن بیشتر در مورد دلالات آن است که به رموز کنار، زدوبند و پرداخت پولهای کلان غیر رسمی به خوبی آشنا هستند و یا توصیه های لازم برای تسریع کار آنها می شود. اما معمولاً این قبیل افراد کارآفرین نبوده و علاقمند به صنعتی کردن کشور نیستند، لذا ممکن است به جای عملی کردن طرحها، این مجوزها را مورد معامله قرار داده و آن را با سود قابل توجهی به دیگری فروخته و کار دیگری را شروع کنند. بدین ترتیب این قبیل مجوزها گاهی مدتها دست به دست می گردد بدون اینکه کار تولیدی مورد نظر شروع شود.

بقیه از صفحه ۱۱  
برای مثال گرفتن موافقت اصولی جهت راه اندازی یک واحد صنعتی ممکن است سالها دوندگی لازم داشته باشد. چون متقاضی باید فرمهای زیادی پر کند، به ادارات و سازمانهای دولتی زیادی برود و مراحل مختلفی را با صبر و شکیبایی زیاد طی کند تا بلکه موافقت لازم را بگیرد. بنابراین اطلاع و آشنایی با مشکلات و دردهای زیاد کار، خود علاقه و انگیزه بسیاری از سرمایه گذاران را از همان ابتدا از بین می برد و یا کاهش می دهد و آنها را بسوی مشاغل بی دردسر و پولساز در بخش خدمات می کشد. تردیدی نیست این مشکلات در سایر کشورهای کمتر توسعه یافته هم به درجات مختلف وجود دارد اما بنظر می رسد در ایران بسیار پیچیده تر و شوارتر شده است. یک اقتصاددان اهل کشور پرو مدت زمان لازم برای گرفتن موافقت دولت جهت ایجاد یک کارگاه صنعتی در کشورش را ۲۸۹ روز اعلام کرده و می نویسد این کار در شلوغ ترین شهر آمریکا یعنی در نیویورک چهار ساعت و در یک شهر کوچک و

## نامه‌های رسیده

### اهداف فمینیست‌ها در بسیاری جنبه‌ها قربانی با احقاق حقوق زنان ندارد»

داریوش از آمریکا طی نامه‌ای با عنوان «اهداف فمینیست‌ها در بسیاری جنبه‌ها قربانی با احقاق حقوق زنان ندارد» برای ما می‌نویسد: دیده می‌شود که برای اصلاح یک موضع نادرست، موضع نادرست دیگری اتخاذ می‌شود، از آن جمله‌اند: اعلامیه شورای مرکزی در رابطه با ۸ مارس و چند نکته در نوشته خانم ماهباز. در اعلامیه شورا آمده است که «از آنجاکه طبیعت، بار اصلی تولید مثل را بر دوش زنان گذاشته است، ما خواهان حق تصمیم‌گیری زن در همه موارد مربوط به تولید مثل هستیم. قانون باید حق تصمیم‌گیری درباره جلوگیری از بارداری و سقط جنین را تا سه ماه برای زنان محفوظ دارد و دولت را موظف به حمایت از هر تصمیمی کند که زن با اراده آزاد خود اتخاذ می‌کند». و در نوشته خانم ماهباز آمده است: «زنان نباید به کمک تئوریهای فمینیستی، خودآگاهی یابند». در بخش دیگری از نامه داریوش چنین می‌خوانیم: پیشرفت علم طب و تکنولوژی آزمایشگاهی، این امکان را به وجود آورده است که بدون اینکه زن و مرد با هم رابطه‌ای برقرار کنند، عمل تولید مثل انجام گیرد... این شیوه تولید مثل هم‌اکنون در آمریکا و برخی کشورهای اروپایی عملی است بسیار رایج... امروز می‌توان در آزمایشگاه با استفاده از تخمک زن و اسپرم مرد، بچه‌های آزمایشگاهی تولید کرد... نمونه‌های موفقیت‌آمیز اینگونه تولید مثل روی گوسفند انجام شده است و من اطمینان دارم به طور بسیار محرمانه، روی انسان نیز تجربه شده است... تنها نقش انحصاری که طبیعت در اختیار زنان گذاشته است، تولید تخمک است که در مقابل، به مردان نقش انحصاری تولید اسپرم را سپرده است. خواست تصمیم‌گیری زن در مورد تولید مثل چیزی نیست جز زن‌سالاری... درست مثل اینکه بزرگتر بودن مغز مردان همراه با قدرت بدنی بیشتر را دلیل برتری مردان بدانیم. شاید در نوشته شورا کلمه «مشترک» از

ضعف نبوده است. آنچه که توکویل از آمریکا و جوامع صنعتی نقل می‌کند غالب توجه است، او می‌گوید با صنعتی شدن، فردگرایی در جامعه توسعه پیدا کرده است. فرد ایزوله شده دور از روابط سابق خانوادگی و سنتی خود را ضعیفتر از همیشه در مقابل دولت می‌یابد. برای آنکه حقوق فرد در مقابل دولت حفظ شود احتیاج به فعال کردن گروه‌های اجتماعی خودگردان است. وی سپس به معرفی سیستم‌های مختلف فدرال در جهان پرداخته و خاطر نشان می‌کند: فدرال از واژه فودوس می‌آید که معنای عهد و پیمان را می‌دهد... فدرالیسم سیستمی است که در چهارچوب قانون اساسی اختیار یا اختیاراتی به نواحی، ایالات و استانها تفویض شده و بدون موافقت آن ناحیه، استان، ایالت و دولت مرکزی نمی‌تواند آنرا بازپس بگیرد. در مواقعی مانند جنگ یا بلایای طبیعی (زلزله، سیل، ... ) نواحی یا مناطق اختیارات خود را بطور موقت به دولت مرکزی می‌سپارند. فدرالیسم معمولاً به دو دسته تقسیم می‌شود: فدرالیسم منطقه‌ای و فدرالیسم زبانی... در فدرالیسم منطقه‌ای، حقوق و اختیارات در نظر گرفته شده برای ملیت یا قومی که در آن منطقه زندگی می‌کنند در چارچوب جغرافیای آن ناحیه باقی می‌ماند... در فدرالیسم زبانی (انسانی) امکانات و تسهیلات زبانی در چارچوب مدرسه، اداره، بیمارستان و ... در اختیار شهروندان بدون در نظر گرفتن منطقه جغرافیایی گذاشته می‌شود. به عنوان مثال، در کشوری که چند زبان ملی یا رسمی دارد، افراد بدون محدودیت جغرافیایی می‌توانند در ادارات مختلف به پرسنلی مراجعه کنند که به زبانشان تکلم می‌کنند. البته این سیستم می‌تواند در کشوری که دو

دوست عزیز، سعید از کیف: نامه شما همراه با سند ضمیمه رسید. با تشکر از شما، به موقع به آن خواهیم پرداخت. نوشته‌ای تحت عنوان «نمایشنامه ۲۰ میلیون دلاری آمریکا برای مبارزه با جمهوری اسلامی» به اعضای «روشن» به دست ما رسیده است. در این نوشته، اختصاص ۲۰ میلیون دلار از سوی دولت آمریکا به مبارزه با جمهوری اسلامی و هیاهویی که رژیم ولایت فقیه در این مورد به راه انداخته، یک «بازی سرگرم‌کننده» ارزیابی شده و آمده است در حالی که دولت آمریکا بیش از چهل سال پیش برای سرنگونی دولت ملی دکتر مصدق، ۲۰۰ میلیون دلار بودجه اختصاص داد، تصویب بودجه ۲۰ میلیون دلاری اخیر نمی‌تواند جز یک مانور گمراه‌کننده باشد. دوستی به نام ن. مشکال از آلمان، نامه‌ای به ما ارسال داشته‌اند که در آن، ضمن اعلام حمایت از تریبون آزادی که «کار» در اختیار نیروهای چپ و آزادیخواه گذاشته، تحت عنوان «چرا ما بایستی عربی صحبت کنیم؟» آمده است: «نگاه کنید به کلماتی که بعد از سال ۵۷ در صحبت‌های سردمداران حکومت و در کتاب‌های درسی رواج پیدا کرده است... چون روزگاری ایرانیان از اعراب شکست خورده‌اند... آیا مردم ایران باید زبان، آداب و رسوم خود را فراموش کنند و زبان، آداب و رسوم عرب را به کار بندند؟» دوست ما نیما با عنوان «از بهمن پیام‌وریم و به کار بندیم» می‌نویسد: «جای بسی شگفتی که در کارنامه ۵ ساله گذشته سازمان، رد و نشانی از فعالیت‌های داخل کشور نیست... آنچه حق حیات همه گروه‌های سیاسی، اجتماعی و اصلاحات پیوسته و دمکراسی را در جامعه ایران تضمین می‌کند، همانا حضور سازمان یافته توده‌هاست، و این میسر نخواهد شد جز در پرتو فعالیت‌های مستمر امروز. اگر مردم بازم آموزش نیافته و خام و بدون داشتن اهرم‌های اعمال و حراست از دمکراسی، پای به آن روز نیامده نهند، انتظاری جز دامی نو و کلاهی گشاد را نباید داشت. پس بگوئیم تا رکن اساسی تحولات آتی ایران (مردم) را فراموش نکنیم.»

## پاسخ به نامه‌ها

یاسه زبان رسمی یا ملی دارد اجرا گردد اما تصور آن که کشوری با هفت یا هشت زبان رسمی بتواند در شهرهای بزرگ خود، پرسنلی در اختیار مردم‌بگذار که بتوانند به زبان مادری مراجع کنندگان به آنها پاسخ دهند، بسیار مشکل می‌نماید. تقریباً تمامی سیستم‌های فدرال، فدرالیسم منطقه‌ای را پیشه کرده‌اند. کشور بلژیک فدرالیسم منطقه‌ای و هم فدرالیسم انسانی را به اجرا گذاشته است. فدرالیسم منطقه‌ای برای بخش جنوبی فرانسه زبان و شمال فلامان زبان و فدرالیسم زبانی برای پایتخت (بروکسل) دو زیانه خود را در نظر گرفته است. در ادامه این نوشته سپس به تفاوت فدرالیسم با سایر سیستم‌های عدم تمرکز اشاره شده است و به عنوان مثال در مورد منطقه‌گرایی آمده است که در یک سیستم منطقه‌گرایی اگرچه دولت، بخشی از اختیارات را به مناطق می‌سپارد، ولی هر وقت که اراده نماید می‌تواند این اختیارات را پس بگیرد. در بخش مربوط به خودمختاری آمده است: یکی دیگر از سیستم‌های عدم تمرکز، خودمختاری است که به هیچ وجه معنای مشخص و تعریف شده ندارد... فرانسه از سال ۱۹۸۲ نوعی خودمختاری به جزیره کرس داده است اما هر وقت اراده کند می‌تواند این اختیارات را حذف نماید. در اتحاد جماهیر شوروی سابق، جمهوریهای خودمختاری وجود داشته‌اند که به جمهوریهای اصلی وابسته بودند. نخجوان، جمهوری خودمختاری بود که به جمهوری آذربایجان وابسته بود... در صورت اختلاف بین قانون اساسی آذربایجان و قانون اساسی نخجوان، حق با اولی می‌بود.

## در نیویورک برگزار می‌شود:

### جنبش‌های زنان ایران: گذشته و امروز

برگزارکنندگان کنفرانس: انجمن ایرانیان دانشگاه کلمبیا، شورای اندیشه برای ایران، کانون دفاع از دمکراسی در ایران  
زمان: جمعه ۱۹ آپریل ۱۹۹۶  
ساعت: ۱۴ - ۲۱/۳۰ بعدازظهر  
محل: ۶۰۲ هامیلتون هال، دانشگاه کلمبیا  
خیابان ۱۱۶ و برادوی (ترن شماره یک یا نه، ایستگاه ۱۱۶)  
جلسه اول: (۱۷/۳۰ - ۱۴)  
سازماندهی زنان امروز: سازمان ملل، موسسات غیر دولتی، تشکیلات محلی (به زبان انگلیسی)  
مدیر جلسه: مریم پیر نظر  
۱- سازمان ملل: بخش پیشرفت زنان  
۲- موسسات غیر دولتی (اعلام خواهد شد)  
۳- سازماندهی محلی: کمیته امداد رسانی به پناهندگان ایرانی  
تنفس: (۱۸ - ۱۷/۳۰)  
جلسه دوم: (۲۱/۳۰ - ۱۸)  
تجربه‌هایی از تاریخ جنبش زنان ایران (به زبان فارسی)  
مدیر جلسه: نیلوفر مینا  
۱- مهری شمس: زنان و اصلاحات فرهنگی رضا شاه  
۲- زهره خیام: زنان فعال کفدراسیون و جنبش زنان ایران در دوره انقلاب  
۳- منیژه صبا: مقاومت زنان در ایران، بعد از انقلاب  
برای اطلاعات بیشتر تلفن: ۱۰۳۹-۶۶۵۰۱۰۳۹ (۲۱۲)

## سایر نامه‌های رسیده

ا.ج. در نامه‌ای به انتقاد از مواضع سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر) علیه حزب توده پرداخته و در آن با اشاره به مبارزه طولانی مدت خود علیه رژیم خمینی، بر درستی مواضع حزب توده در جریان حوادث ۲۸ مرداد سال ۳۲ تأکید کرده است. علی‌اکبر در نوشته‌ای تحت عنوان «عدالت، واقعیت و انکارناپذیری» می‌نویسد: انسانها، عدالت را به وجود نیاورده‌اند بلکه آنها کاشف عدالت بوده‌اند. عدالت بسان بسیاری از واقعیت‌های علوم، یکی از بنیادهای طبیعت و انسان بوده است و همواره روابط بین اجسام مختلف ... با

در نامه‌ای به انتقاد از مواضع سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر) علیه حزب توده پرداخته و در آن با اشاره به مبارزه طولانی مدت خود علیه رژیم خمینی، بر درستی مواضع حزب توده در جریان حوادث ۲۸ مرداد سال ۳۲ تأکید کرده است. علی‌اکبر در نوشته‌ای تحت عنوان «عدالت، واقعیت و انکارناپذیری» می‌نویسد: انسانها، عدالت را به وجود نیاورده‌اند بلکه آنها کاشف عدالت بوده‌اند. عدالت بسان بسیاری از واقعیت‌های علوم، یکی از بنیادهای طبیعت و انسان بوده است و همواره روابط بین اجسام مختلف ... با

## کتاب اسناد چهار کنگره

همچنانکه در شماره‌های قبلی نشریه کار به اطلاع خوانندگان رسید، به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد تولد جنبش فدائیان خلق ایران اسناد، قطعه‌نامه‌ها، قرارها و پیامهای چهار کنگره سازمان در یک مجموعه به چاپ رسیده است. علاقه‌مندان به تهیه این اسناد می‌توانند آن را از طریق نشریه کار به دست آورند. به این منظور لازم است ۱۰ مارک آلمان (شامل هزینه پستی) به حساب نشریه واریز شود، این مبلغ می‌تواند همچنین به صورت تعبر پستی برای ما ارسال گردد. لطفاً از ارسال چک بانکی خودداری کنید.

## کمک‌های مالی رسیده

کمک به خانواده زندانیان سیاسی با کد «دوست» از لس آنجلس ۱۰۰ دلار آمریکا  
کمک مالی به نشریه از طرف ر - هومن ۲۰۰ کرون سوئد  
کمک مالی به نشریه کار با کد «به یاد یخاک افتادگان جنبش ضد شاهی - خمینی» ۱۰۰ مارک  
کمک مالی هواداران سازمان در آلمان ۶۰۰ مارک

## توضیح

با پوزش از خوانندگان گرامی، در شماره گذشته نشریه «کار»، آدرس پستی کانون «تلاشگران جامعه باز» به هنگام صفحه‌بندی حذف شده بود که برای اطلاع علاقمندان در زیر درج می‌گردد.  
Postfach 700810  
60594 Frankfurt  
Germany

## فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید  تمدید اشتراک  شماره اشتراک: ( )  
مدت اشتراک: شش ماه  یک سال   
نام: \_\_\_\_\_ تاریخ: \_\_\_\_\_  
آدرس: Name: \_\_\_\_\_  
Address: \_\_\_\_\_

## بهای اشتراک "کار"

اروپا:  
شش ماه - ۴۵ مارک  
یک سال - ۹۰ مارک  
سایر کشورها:  
شش ماه - ۵۲ مارک  
یک سال - ۱۰۴ مارک

GER.....3 DM

## "کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

دارنده حساب: I.G.e.v  
شماره حساب: 22442032  
کد بانک: 37050198  
Verleger: I.G.e.v  
آدرس: I.G.e.v  
Postfach 260268  
50515 Koeln  
Germany

شماره فاکس 0049 - 221 - 3318290

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تعبر) به آدرس "کار" پست کنید!



# علل عدم تمایل بخش خصوصی به سرمایه گذاری در ایران

دکتر امیرباقر مدنی

شکست برنامه اول توسعه و تشدید بحران اقتصادی بحث‌های متعددی را در بین اقتصاددانان کشور پیرامون مسائل توسعه دامن زده است. از جمله این بحث‌ها موضوع سرمایه گذاری در ایران و نقش بخش خصوصی در این امر است. ما اظهار نظر یکی از اساتید اقتصادی کشور بنام دکتر امیر باقر مدنی را به نقل از روزنامه سلام در این شماره نشریه کار چاپ می‌کنیم.

یکی از اهداف اصلی برنامه توسعه اقتصادی (۷۲-۱۳۶۷) واگذاری فعالیتهای تولیدی به بخش خصوصی و تشویق هر چه بیشتر سرمایه گذاری‌های غیر دولتی بوده است تا با استفاده بهتر از ظرفیتهای بالقوه کشور سطح تولید و اشتغال بالا رفته و با افزایش صادرات غیر نفتی، ایران بتواند از مشکل صادرات تک محصولی رهائی یابد. اما اکنون که به پایان برنامه اول رسیده‌ایم نه تنها از سرمایه گذاری خصوصی مورد نظر تولید انبوه و صادرات صنعتی ارزآور خبری نبوده است بلکه بعلاوه کمبود تولیدات داخلی، ایران بیش از گذشته به واردات کالاهای مصرفی، مواد اولیه و وابستگی به خارج گرفتار شده است. محاسبات نادرست مدیران اقتصادی کشور که با برداشتن از برنامه تعدیل و آزادسازی اقتصاد تنها، به رها ساختن قیمت‌ها و بازگذاشتن دروازه‌های کشور بر روی کالاهای خارجی محدود بوده است سبب شد انبوه کالاهای خارجی مصرفی و لوکس از آدامس و شکلات، سیگار و موز، تا اتومبیل‌های گران قیمت و کالاهای مشابه دیگر از خارج خریداری و وارد کشور شود تا جایی که ایران برای اولین بار در طول تاریخ خود نزدیک به ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار بدهی‌های خارجی با بهره سنگین ببار آورد.

پرسشی که هر ایرانی دلسوز و نگران برای آینده کشور می‌تواند داشته باشد این است که کلاً مشکل اقتصادی کشور ما چیست؟ چرا ایران با دارا بودن منابع طبیعی فراوان و متنوع، درآمد ارزی قابل توجه حاصل از فروش نفت که امکانات سرمایه گذاری‌های مورد نیاز کشور را آسان می‌سازد و از اینها گذشته به گواهی سیاحان و کارشناسان خارجی افراد باهوش، توانا و با استعداد در کشور ما کم نیست پس چرا تاکنون نتوانسته‌ایم ژاپن، کانادا، لاکل به اندازه‌ی کره جنوبی، تایوان و یا مالزی و تایلند گامهای قابل ملاحظه‌ای در راه صنعتی کردن کشور برداشته و وابستگی به غرب را که از ابتدای انقلاب مورد توجه مقامات جمهوری اسلامی ایران بوده است کاهش دهیم؟ تردیدی نیست که عقب‌ماندگی اقتصادی ایران ریشه‌های تاریخی، فرهنگی و سیاسی دارد و نگارنده در مقاله دیگری در حد توان اندک خود به بررسی آن پرداخته‌ام.

در بررسی حاضر تنها علت‌های عدم تمایل بخش‌های خصوصی به سرمایه گذاری در ایران را مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهم. در این صورت می‌توان پرسش فوق را به اینصورت مطرح کرد: در ایران با توجه به اشتغال حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار درآمدهای نفتی و نقدینگی موجود (پول و شبه پول) حاصله از توزیع نابرابر آن که بالغ بر ۵ هزار میلیارد تومان است و با توجه به اینکه بزرگترین مشکل اقتصادی ایران کمبود توان تولیدی است، چرا سرمایه گذاری‌های لازم در بخش‌های مورد نیاز کشور بسیار اندک بوده است؟ از آنجا که هرگونه تجزیه و تحلیل اقتصاد ایران، بویژه علل کاهش سرمایه گذاری‌های بخش خصوصی بدون توجه به نقش درآمد نفت در اقتصاد ایران بی‌فایده خواهد بود بحث خود را در ابتدا با اثر درآمد نفت بر نحوه استفاده از پس‌اندازها و سرمایه گذاری‌های خصوصی شروع کرده و سپس به سایر علل کمبود انگیزه‌های سرمایه گذاری بخش خصوصی در ایران اشاره خواهیم کرد.

## نفت و اقتصاد ایران

یکی از ویژگیهای کشورهای کمتر توسعه یافته، گسترده بودن نقش دولت در اقتصاد است چون در این کشورها اجرای برنامه توسعه اقتصادی به عهده دولتها است. در کشورهای صادرکننده نفت مانند ایران به علت درآمد کلان نفت و توزیع آن بوسیله دولت این نقش بس گسترده‌تر شده است. بویژه در طول دو دهه گذشته، بعلاوه افزایش قیمت نفت و تأمین درصد بالایی از بودجه کشور از طریق صدور نفت، نقش و مسئولیت دولت بیش از پیش افزایش یافته است. اگر چه ظاهراً درآمد نفت بر امکانات مالی دولت می‌افزاید و سرمایه‌های لازم را برای اجرای پروژه‌های عمرانی و توسعه صنعتی مهیا می‌کند و بسیاری بر این باورند که در ایران برخلاف بعضی از کشورهای کمتر توسعه یافته دیگر، مشکل سرمایه گذاری کمبود دلار و ریال نیست اما در واقع باید گفت این درآمد نفت بوده است که اقتصاد کشور را سخت به بیراهه کشیده است.

با توجه به امکانات مالی عظیمی که با فروش نفت در اختیار دولت قرار می‌گیرد اکنون دولت در ایران نقش بزرگترین محرک رشد صنعتی را برعهده گرفته است بطوری که در طول برنامه اول از ۳۲ میلیارد دلار سرمایه گذاری در صنایع حدود سه چهارم آن توسط دولت انجام گرفت، پیش‌بینی می‌شود در برنامه دوم هم سهم عمده‌ای از سرمایه گذاری‌های صنعتی توسط دولت انجام گیرد. (۱) افزون بر سرمایه گذاری‌های مستقیم، دولت بعنوان بزرگترین تهیه کننده سرمایه برای بخش خصوصی وارد عمل می‌شود و بخش خصوصی، بویژه صاحبان صنایع، هم عادت کرده‌اند که برای تأمین نیازهای مالی خود جهت سرمایه گذاری‌های جدید همیشه چشم به بانکهای دولتی دوخته و با توجه به میزان نفوذ خود و یا رابطه‌ای که با مسئولین برقرار می‌کنند، هرچه بیشتر اعتبار و وام یا بهره‌کم بگیرند و در صورت امکان از سایر کمکهای دولتی بویژه

ارز ارزان تا جایی که بتوانند استفاده کنند. اما همین بذل و بخشش‌های بدون حساب و کتاب و بدون رعایت ارجحیت‌های سرمایه گذاری سبب می‌شود در ایران نیازی به تأسیس مؤسسات مالی خصوصی که در کشورهای دیگر نقش مهمی را در جمع‌آوری پس‌اندازهای سرگردان و هدایت آنها به سوی سرمایه گذاری‌های سودمند ایفا می‌کنند احساس نشود. حتی حوزه عمل بازار بورس هم در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر محدود و تنگ است. شهر (تهران) فعال است. اما در دیگر کشورهای کمتر توسعه یافته مانند مصر، برزیل و هند، بخش خصوصی عادت به دریافت وام و اعتبار از دولت نکرده است. و لذا صاحبان صنایع در این کشورها متکی به خود هستند و منابع مالی مورد نیازشان را برای سرمایه گذاری از بازار پول، و یا با فروش سهام در بورس تأمین می‌کنند. در نتیجه به اندازه بخش خصوصی در ایران به لحاظ وابستگی به کمکهای دولت درگیر بوروکراسی نمی‌شوند و مدتهای طولانی در انتظار تصمیم‌گیری‌های آداری و یا دریافت موافقت اصولی معطل نمی‌شوند. آنان بجای کوشش برای بهره‌برداری از امکانات و کمکهای دولتی تمام کوشش و تلاش خود را در راه پیشبرد اهداف بنگاه، افزایش تولید و رقابت در بازارهای داخلی و خارج از کشور بکار می‌برند. بطور خلاصه درآمد نفت و هزینه آن بوسیله دولت سبب شده است در ایران نظارت و کنترل دولتی و تصمیم‌گیری‌های آداری در ارتباط با فعالیت‌های تولیدی و سرمایه گذاری بیش از بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته دیگر باشد.

از نتایج دیگر شیوع بیماری مزمن و کشنده «نفتی بودن» می‌توان به کم‌کاری و کاهلی یعنی نشستن و با اتکا به واردات، ثروت ملی را مصرف کردن اشاره کرد. در طول پانزده سال گذشته نزدیک به ۳۰۰ میلیارد دلار درآمدهای ارزی کشور بدون آینده‌نگری و بجای سرمایه گذاری‌های تولیدی سودمند، برای تهیه نیازهای کشور در راهبهای هزینه شده است که اکنون نه تنها سبب وابستگی هرچه بیشتر جامعه به واردات کالاهای ضروری و اساسی از خارج شده است بلکه با دادن ارز ارزان به صنایع و شرکتها، بنیادها و «افراد خاص» جهت واردات کالاهای مختلف (۲) موجب گسترش فساد و سوءاستفاده بعضی از مقامات فرصت طلب از درای‌های ملی شده است. بدین ترتیب با اتخاذ سیاست‌های پولی و ارزی نسنجیده و نادرست، بخش قابل توجهی از درآمدهای کشور با ترندهای گوناگون به جیب درصد بسیار کوچکی از مردم سرازیر شده که اکنون طبقه چندینی از سرمایه‌داران عمده را در ایران تشکیل داده است. گفتنی است افزون بر پول نفت، ادامه وام گرفتن دولت از سیستم بانکی کشور برای تأمین کسری بودجه نیز، که در فاصله سالهای ۶۷-۱۳۵۷ بطور متوسط سالانه بالغ بر ۱۱۷۰ میلیارد ریال بوده است، و با انتشار اسکناس بدون پشتوانه تأمین می‌شد (۳) و سپس با استفاده از اعتبارات بانکیهای تجاری ادامه یافت به رشد نقدینگی کشور کمک کرده، در افزایش درآمد سرمایه‌داران مؤثر بوده است. جدول زیر نقدینگی، رشد نقدینگی و نرخ رشد تورم را از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۷۲ نشان می‌دهد.

سال	نقدینگی	رشد نقدینگی	رشد تورم
۱۳۶۰	۵۱۱۲	-	-
۱۳۶۱	۶۲۳۰/۷	۲۲/۸	۱۹/۲
۱۳۶۲	۷۵۱۴/۴	۱۶/۸۵	۱۴/۸
۱۳۶۳	۷۹۶۹/۹	۶/۰۲	۱۰/۴
۱۳۶۴	۹۰۰۲/۱	۱۳/۰	۶/۹
۱۳۶۵	۱۰۷۲۲/۷	۱۹/۱	۲۳/۷
۱۳۶۶	۱۲۶۶۸/۱	۱۸/۱۴	۲۷/۷
۱۳۶۷	۱۵۶۸۷/۳	۲۳/۸	۲۸/۹
۱۳۶۸	۱۸۷۵۳/۳	۱۹/۵	۱۷/۵
۱۳۶۹	۲۲۹۶۹/۵	۲۳/۵	۸/۹
۱۳۷۰	۲۸۶۲۸/۴	۲۴/۶	۱۹/۵
۱۳۷۱	۳۵۸۶۶	۲۵/۳	۲۱/۶
۱۳۷۲	۴۵۰۰۰	۲۵	-

نکته حائز اهمیت دیگر در ارتباط با افزایش سریع نقدینگی و تعلق قسمت اعظم تنها به ۵ درصد از مردم کشور، افزایش شکاف طبقاتی و گسترش فقر عمومی در کشور است. ایران از نظر توزیع درآمد در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر، پیش از انقلاب هم در وضع و موقعیت خوبی قرار نداشت اما اکنون گفته می‌شود ۸۰ درصد مردم کشور روی خط یا زیر خط فقر زندگی می‌کنند (۴). در اینصورت باید ایران را از نظر توزیع درآمدها یکی از بدترین‌ها در جهان به حساب آورد. گفتنی است توزیع نامساوی درآمدها از دید بسیاری از اقتصاددانان در کوتاه مدت قابل قبول است به شرط اینکه قسمت عمده آن صرف سرمایه گذاری‌های مورد نیاز کشور شده و سطح تولید و اشتغال را بالا ببرد. بطوری که می‌دانیم در قرن نوزدهم در بعضی از کشورهای اروپا هم که در حال رشد بودند توزیع درآمد بسیار نابرابر بوده است اما در این کشورها درصد بزرگی از درآمدهای طبقات بالا که از راه فعالیت‌های تولیدی عایدشان می‌شد صرف سرمایه گذاری‌های تازه می‌شده است. در حال حاضر هم در کشورهای تازه صنعتی شده مانند کره جنوبی، سنگاپور، تایوان و چین بخش عمده‌ای از درآمدها صرف سرمایه گذاری‌های تازه می‌شود. برای مثال در جمهوری خلق چین نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی ۴۰ درصد و در کره جنوبی، تایوان و تایلند ۳۰ درصد گزارش شده است. اگر در ایران هم افزایش درآمد به سمت سرمایه گذاری‌های تولیدی سوق داده می‌شد جای نگرانی نبود چون در بلند مدت سطح اشتغال، تولید و درآمد افزایش می‌یافت و به رفاة عمومی جامعه منجر می‌شد اما در ایران صاحبان سرمایه‌های نامشروع با وجود داشتن امکانات مالی فراوان، چون با تحمل رنج و زحمت و قبول ریسک زیاد به ثروت‌های بادآورده نرسیده‌اند، بلکه عادت دارند بدون کار و تلاش و یا بند و بست در کوتاه مدت به سودهای کلان برسند علاقه زیادی به

سرمایه گذاری‌های بلند مدت در رشته‌های گوناگون کشاورزی صنعتی که شدت مورد نیاز کشور است نشان نمی‌دهند و در عوض واسطه‌گری، خرید و فروش، تجارت و گاه احتکار نیازمندی‌های مردم و مال‌اندوزی از هر راه را پیشه خود می‌سازند.

## بحران سرمایه گذاری

اکنون با ارائه بعضی آمار و ارقام می‌توانیم مشاهده کنیم که در ایران در مقایسه با بعضی از کشورهای شرق آسیا نه تنها نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص ملی بسیار کم و دلسردکننده بوده است بلکه در فاصله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۷ میزان تشکیل سرمایه در ایران (به قیمت ثابت ۱۳۵۳) بطور باور نکرده‌ای به یک سوم کاهش یافته است. در حالی که تشکیل سرمایه در سال ۱۳۵۵ حدود ۱۱۰۰ میلیارد ریال بوده است این رقم پس از دوازده سال به ۳۷۰ میلیارد ریال که برابر با میزان سرمایه گذاری‌های ۱۳۵۲ است، کاهش یافته است. به بیان دیگر از ۳۲ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۵۵ به ۱۳ درصد در سال ۱۳۶۷ کاهش یافته است. مطالعه دیگری که انجام گرفته نشان می‌دهد که سرمایه گذاری‌های سال ۱۳۶۶ (به قیمت ثابت) برابر با میزان سرمایه گذاری‌های اواخر دهه ۱۳۴۰ بوده است (۵) در حالی که جمعیت کشور در این مدت دو برابر افزایش یافته بود. اگر بخواهیم به بحران سرمایه گذاری ایران در سالهای ۶۷-۱۳۶۵، که رئیس بانک مرکزی سالهای منبزر را بحرانی‌ترین سالها از نظر تشکیل سرمایه در ایران نامیده است، (۶) بهتر پی ببریم لازم است سرمایه گذاری‌های سرانه را در سالهای مختلف مورد مقایسه قرار دهیم.

در حالی که سرمایه گذاری خالص سرانه (به قیمت ثابت ۱۳۵۳) در سال ۱۳۵۶ معادل ۲۸۶۰۰ ریال بوده است این رقم در سال ۱۳۶۷ به ۲۷۰۰ ریال، یعنی کمتر از یک‌دهم، کاهش یافته که حتی ارقام مربوط به استهلاک را هم جبران نمی‌کرد (۷). پس جای شگفتی نیست که معاون پژوهشی وزارت اقتصاد و دارائی اعلام می‌کند در فاصله ۶۹-۱۳۵۹ رشد تولید ناخالص ملی صفر و در حالی که زیر صفر بوده است (۸). آمار منتشره هم نشان می‌دهد در سال ۱۳۶۶ که تولید سرانه ناخالص ملی در سال ۱۳۵۷ برابر با ۱۰۵/۶ هزار ریال بوده است (به قیمت ثابت ۱۳۵۳) رقم منبزر در سال ۱۳۶۷ به کمتر از نصف، یعنی پنجاه هزار ریال برابر با تولید ناخالص ملی ۲۱ سال پیش شد (۹). روشن است نتیجه چنین کاهش عظیم در میزان سرمایه گذاری‌ها تقلیل تولید و گسترش فقر و بیکاری در جامعه است.

پس از خاتمه جنگ عراق با ایران و انتخاب رئیس جمهور جدید، برنامه اول جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۷) به مورد اجرا گذاشته شد و امید می‌رفت اقتصاد کشور به هر طریقی که شده خارج از مشکلات جنگ به حرکت درآید اما متأسفانه در این دوره هم بر خلاف سرآورده‌های قبلی و برنامهریزی شده که نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی سالانه ۱۹/۷ درصد پیش‌بینی شده بود (۱۰) در طول چهار سال برنامه اول بطور متوسط سالانه ۱۰/۶ درصد شد (۱۱). در حالی که استهلاک ماشین‌آلات بدلیل فرسودگی زیاد، بویژه در صنایع نساجی که در بعضی موارد ۴۰ تا ۶۰ سال قدمت دارند؛ بین ۱۰ تا ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی گزارش شده است.

از سوی دیگر لازم به تذکر است که چون بخش عمده سرمایه گذاری‌ها در ایران در سالهای مورد بحث در بخش مسکن انجام گرفته بدو بدین ترتیب می‌توان گفت در واقع در طول برنامه اول هم سرمایه گذاری‌های خالص انجام نگرفته است و یا حتی ممکن است نرخ آن منفی بوده باشد بنابراین با توجه به میزان کم ارقام تشکیل سرمایه از یک طرف و استهلاک زیاد صنایع از طرف دیگر صدمات و زیانهای زیادی به صنایع کشور وارد آمده است. اما نرخهای رشد اقتصادی ۳ درصد، به ترتیب ۱۲/۱ درصد و ۱۰ درصد برای سالهای ۶۸، ۶۹ و ۱۳۷۰ که دولت اعلام کرده است به علت استفاده از ظرفیتهای خالی و بدون استفاده صنایع و واردات یوزانس با بهره‌های سنگین بوده است (۱۲) که در سال ۱۳۷۰ واردات کالا به ۲۸/۷ میلیارد دلار بالغ شده بود. اما اکنون بدلیل نزدیک شدن به استفاده کامل از ظرفیتهای صنایع و کاهش واردات و صرفه‌جویی برای پرداخت قروض خارجی انباشته شده از واردات بدون حساب و کتاب، در سه سال اخیر رشد اقتصادی کاهش یافته است.

اکنون که درآمد نفت، از یک طرف به دلیل سیر نزولی قیمت آن در بازارهای جهانی و از سوی دیگر به جهت افزایش زیاد جمعیت کشور، برای واردات کالای اساسی و ضروری و تأمین بودجه عمرانی کشور کافی نیست و مسئولین اقتصادی هم دریافته‌اند که ریشه نابسامانیهای موجود کسری بودجه، کمبودها، تورم، قروض خارجی، بیکاری، فقر، افزایش نرخ ارز و در درجه اول از ضعف توان تولیدی کشور ناشی می‌شود که از کاهش در میزان سرمایه گذاری‌های تولیدی طی پانزده سال گذشته حاصل شده است لذا هر اقدامی برای رهایی از بحران کنونی در درجه اول باید با تقویت پایه‌های تولیدی از طریق سرمایه گذاری در بخش‌های مختلف آغاز شود. اما متأسفانه با وجود تشویق‌های دولت به علت فقدان فضای مناسب برای سرمایه گذاری در ایران صاحبان سرمایه اشتیاق و حرارت لازم را به سرمایه گذاری نشان نمی‌دهند. چون حرکت سرمایه تابع فاکتورهایی نظیر امکانات مناسب زیربنایی کشور، بهره‌وری در انتظار از کار و سرمایه، دسترسی به آمار و اطلاعات درست در باره امکانات بالقوه کشور، وجود قوانین و مقررات مفید و مثبت مربوط به تولید و تجارت است. عبارات دیگر، فرآیند سرمایه گذاری با یک سلسله محاسبات و برآوردهای دقیق داده‌ها و ستاده‌ها و پیش‌شرطها

انجام می‌گیرد و سرمایه‌دار پس از اطمینان از امنیت سرمایه و اعتماد به ادامه برنامه‌ها و سیاستهای جاری دولت در بلند مدت، و آگاهی از میزان تقاضای بازارهای داخلی و یا امکانات نفوذ بر بازارهای بین‌المللی اقدام به سرمایه گذاری می‌کند اما با مروری بر شرایط موجود در ایران می‌توان به خوبی پی‌برد که تولید دارای محدودیت‌ها و تنگناهای زیادی است، لذا فضای مناسب و مورد نظر برای بسیاری از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی هنوز مهیا نشده است. یعنی افزون بر مشکلات ناشی از روش‌های نادرست هزینه کردن درآمد نسفت توسط دولت که قبلاً به آن پرداختیم محدودیت‌های دیگری هم بر سر راه سرمایه گذاری‌های خصوصی وجود دارد که عبارتند از: موانع تاریخی سرمایه گذاری در ایران، علاقه و عادت به کسب سود زیاد در کوتاه مدت، بوروکراسی آداری، قوانین مترزلزل و وعده‌های عملی نشده دولت، کمبود اطلاعات و آمار، روشن‌نبودن حدود و میزان مالکیت، بهره‌وری بسیار پائین نیروی کار و سرمایه، اتلاف و ضایعات بیش از حد، مشکلات ساختمان زیربنایی کشور، استهلاک و فرسودگی بیش از حد ماشین‌آلات صنایع، وابستگی زیاد به مواد اولیه وارداتی، توانایی اندک رقابت در برابر کالاهای وارداتی، تردید در امنیت قضایی و اقتصادی کشور، عدم توانایی و آمادگی برای نفوذ در بازارهای جهانی. اکنون به شرح این محدودیت‌ها پرداخته می‌شود: سرمایه‌داران ایرانی از گذشته دور هیچگاه احساس امنیت نکرده و نمی‌توانستند نسبت به حفظ و بقای اموال و دارایی‌های خود در آینده اطمینان کافی داشته و اقدام به سرمایه گذاری کنند. بطوری که بعداً اشاره خواهد شد حتی در حال حاضر هم سرمایه و دارایی‌های مردم در کشور ما از تضمین‌های لازم و کافی برخوردار نیست؛ و لذا هم‌اکنون عدم امنیت سرمایه مسئله‌ای مهم و عامل بازدارنده در ترغیب بخش خصوصی به سرمایه گذاری محسوب می‌شود. به همین جهت بر خلاف نوآفرینان در غرب، سرمایه‌داران ایرانی اغلب از انتخاب راههای پرخطر و قبول ریسک و انتظار طولانی‌گریزانه و خود را با انجام سرمایه گذاری‌های بلند مدت متعهد به صنعتی‌کردن کشور نمی‌بینند، در حالی که در غرب، ژاپن و اخیراً تجربیات کشورهای تازه صنعتی شده آسیا مانند کره جنوبی و تایوان نشان می‌دهد که رمز موفقیت آنها در توسعه، تلاش برای سود بیشتر نبوده بلکه هدفشان در درجه اول تولید بیشتر با کیفیت بهتر و قیمت ارزاتر جهت نفوذ در بازارهای جهانی در بلند مدت بوده است. اما دیدگاه سرمایه‌گذاران در ایران، بدست آوردن سود زیاد در مدت کم و انتخاب کم‌خطرترین راهها است، آنها تلاش می‌کنند به هر طریقی شده با استفاده از کمک‌های دولتی ثروت خود را در کوتاه مدت به چند برابر برسانند و معمولاً به دلیل ضعف ابزارهای پولی و مالی کشور و اعمال نفوذهایی که در جریان تصمیم‌گیری‌ها می‌شود در اهداف خود موفق هستند.

## سودآوری زیاد

### در مشاغل تجاری و دولتی

در حالی که متوسط سود سرمایه گذاری در بخش کشاورزی با تمام مشکلات و زحماتی که برای کشاورز دارد ۲۰ تا ۳۰ درصد و در صنایع ۲۷ درصد اعلام شده است (متوسط سود سهام در بورس تهران)، سودآوری در مشاغل تجاری، واسطه‌گری و خرید و فروش گهگاه ۵۰ درصد و یا شاید بیشتر است. بطوری که در ماههای پایانی سال ۱۳۷۲ شاهد بودیم چگونه نرخ ارز و طلا در مدت چند ماه بوسیله دلالات در بازار تهران حدود ۸۰ درصد افزایش یافت و دلار از ۱۶۰۰ ریال در شهریور ۱۳۷۲ تا ۲۶۸۰ ریال در بهمن همان سال رسید و نرخ سکه طلا از ۱۴۰ هزار ریال به ۲۶۰ هزار ریال بالا رفت (۱۳). به موازات افزایش قیمت طلا و نرخ برابری ارز و ریال قیمت کالاهای دیگر بویژه کالاهای وارداتی که توسط دلالات احتکار شده بود و به افزایش گذاشتن تا جایی که شرکت‌های دولتی هم با افزایش چشمگیر قیمت تولیدات خود، از بردن سود بیشتر در بازار اشفته بی‌نصیب نماندند. از جمله قیمت اتومبیل پژو مونتاژ ایران در مدت سه یا چهار ماه از دو میلیون و دویست هزار تومان به سه میلیون و هفتصد هزار تومان افزایش یافت (۱۴). بنابراین دلالاتی که فقط دو دستگاه از این اتومبیلها را بنام خود و همسرشان پیش خرید کرده بودند در فاصله چند ماه حدود سه میلیون تومان سود نصیب خود ساختند که برابر است با چهار سال حقوق یک استادیار دانشگاه و یا سه سال حقوق یک استاد پس از ۲۵ سال سابقه تدریس. این قبیل معاملات و زودبندها در گذشته نیز در مورد سایر تولیدات صنایع داخلی، مواد اولیه، زمین، سرقفلی و حتی سهام در بازار بورس تهران هم انجام گرفته است. بنابراین به آسانی می‌توان پی‌برد که چرا کار دلالتی در ایران در مقایسه با کارهای تولیدی از جذابیت بیشتری برخوردار است. بویژه اینکه این قبیل کارها با ضعف موجود در نظام مالیاتی کشور از مالیات بر درآمد هم معاف‌اند در حالی که سرمایه گذاری در مشاغل تولیدی افزون بر سود کم، ریسک زیاد و انتظار طولانی باید مالیات دولت را هم به موقع پرداخت.

### بوروکراسی آداری

در ارتباط با مسائل و مشکلات آداری ایران تاکنون مطالب زیادی گفته و نوشته شده است. افرادی که حتی بیکار سروکارشان با سازمانهای دولتی ایران بوده است خوب می‌دانند بوروکراسی حاکم بر کشور تا چه اندازه وقت‌گیر و دردسرآفرین است. این مسئله در ارتباط با کاهش انگیزه‌های سرمایه گذاری می‌تواند نقش بزرگی داشته باشد. بقیه در صفحه ۹

قرارداد صلح می‌باشد.

## روسیه و روسیه سفید پیمان تشکیل کشورهای مستقل و متحد را امضا کردند.

### مبارزه انتخاباتی ریاست جمهوری در روسیه

برخوردار می‌باشد. زوگائف با ۲۰ درصد در رتبه اول قرار دارد. تا کنون کشورهای غربی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم از انتخاب مجدد یلتسین حمایت کرده‌اند.

وام ۱۰ میلیارد دلاری صندوق بین‌المللی پول

صندوق بین‌المللی پول اعلام کرد که وامی به مبلغ ۱۰ میلیارد دلار در اختیار یلتسین قرار خواهد داد. این وام در جهت هدایت اقتصاد روسیه به سمت اقتصاد آزاد و با ثبات کردن آن خواهد بود. وام ۱۰ میلیاردی دلاری در سه سال آینده به تدریج پرداخت خواهد شد. ناظران معتقدند که این اقدامی در جهت حمایت از یلتسین در انتخابات ریاست جمهوری می‌باشد. روسیه در سال گذشته ۶/۳ میلیارد دلار وام دریافت کرده بود. بدین روسیه اکنون ۱۲۸ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

#### مبارزه انتخاباتی زیگائف

زوگائف مبارزه انتخاباتی خود را با سفر به سبیری شروع کرد. تا کنون بیش از ۵۰ حزب و گروه و سازمان سیاسی از زوگائف حمایت کردند. او اعلام خطر می‌کند که ملت روسیه رو به نابودی می‌رود. او می‌گوید که برای حکومت خلق، برقراری عدالت و رونق اقتصادی و تولد روحی دوباره یک ملت مبارزه می‌کند. او ضمن انتقاد از سیستم گذشته و در هم آمیزی دولت و حزب و الغای سیستم پارلمانی، به نفع سیستم حزبی، خواستار برقراری اتحاد جماهیر شوروی بر اساس اتحاد داوطلبانه کشورهای مستقل در روندی صلح‌آمیز می‌باشد. و خواهان آن است که روسیه بدون خشونت و جنگ از وضعیت فاجعه‌بار کنونی دربیاید. مسئله سوسیالیسم و یا کاپیتالیسم نیست؛ مسئله حفظ حیات کشور است. زوگائف طرفدار راه حل مسالمت‌آمیز سه‌ساله چچن است.

مخالفت روسیه با گسترش ناتو در شرق

گراچف، وزیر دفاع روسیه در کنفرانس وزرای دفاع ۱۲ کشور مشترک‌المنافع، از آنها خواست که مواضع خود را در مقابل گسترش ناتو در شرق اعلام کنند او گفت که نقشه اتحاد آتلانتیک شمالی که خود را در شرق گسترش می‌دهد، تهدیدی برای تمام کشورهای مشترک‌المنافع می‌باشد. همچنین پرماکف، وزیر امور خارجه روسیه که در ماه ژانویه به جای کوزیرف، وزیر امور خارجه پیشین به روی کار آمده است، تمایز سیاست خود را از سیاست قبلی اعلام کرد. او در مصاحبه‌ای با ایبوستیا گفت که روسیه در نزدیکی خود به غرب، افراط کرده است. روسیه نه متحد غرب و نه دشمن غرب خواهد بود. ما کسانی را که بعد از پایان جنگ سرد می‌خواهند بر جهان تسلط پیدا کنند، تحمل نخواهیم کرد.

اعتراض نسبت به عملیات اسرائیل در فلسطین

بعد از عملیات انتحاری، اسرائیل مانع ارتباط مناطق فلسطینی نشین با مناطق اسرائیلی شد. این عمل مانع دسترسی ۶۰ هزار فلسطینی به محل کار خود شد. در یورش‌های متعدد پلیس اسرائیل به مناطق فلسطینی تاکنون بیش از ۱۰۰۰ نفر به اتهام هواداری از حماس دستگیر شده‌اند.

دادگاه عالی اسرائیل طی حکمی انفجار خانه‌های افرادی از حماس را که در عملیات انتحاری دست داشتند و یا از آن حمایت کرده‌اند، قانونی دانست. تاکنون ۷ خانه وابستگان حماس با مواد منفجره نابود شده است. این مساله اعتراض گروه‌های حقوق بشر فلسطین و اسرائیل را به دنبال داشته است.

اسرائیل عقب‌نشینی از «چبرون» را تا تاریخ نامعلومی به تأخیر انداخت. وزیر امور خارجه اسرائیل «احود بارک» می‌گوید مقامات کشور خودمختار باید ابتدا در مبارزه با تروریسم موفق شوند، قبل از آن که ارتش از چبرون عقب‌نشینی کند.

شهردار چبرون این عمل را نقض قرارداد صلح نامید و نمایندگان چبرون در پارلمان، آن را به عنوان یک «عمل خطرناک» که صلح را در مخاطره قرار می‌دهد، نامیدند.

## تجاوز مجدد ارتش اسرائیل به خاک لبنان

دقیقی در دست نیست. سه روز پس از آغاز عملیات نظامی اسرائیلی‌ها، ۵۰۰ هزار نفر از اهالی جنوب لبنان مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدند.

تجاوز هوایی اسرائیل به خاک لبنان با واکنش‌های متفاوتی از سوی محافل درگیر و محافل بین‌المللی مواجه شده است. شیمنون، رئیس‌جمهور لبنان در دیدارهای حسی مبارک رئیس‌جمهور مصر، ضمن محکوم کردن تهاجم نظامی اسرائیل، دلایل اسرائیل را بی‌پایه خواند و اظهار داشت: چنین اقداماتی سبب تقویت حزب‌الله در لبنان خواهد شد. حریری از حسی مبارک خواست که نقش میانجی بین لبنان و اسرائیل را بر عهده بگیرد. وارن کریستوفر وزیر امور خارجه آمریکا مدعی شد که حزب‌الله با تهاجم خود به خاک اسرائیل، عملاً ارتش اسرائیل را به مصاف طلیعه است. سخنگوی وزارت خارجه روسیه ضمن محکوم کردن اقدامات اسرائیلی‌ها گفت: به سختی

#### مبارزه انتخاباتی به سبک اسرائیلی

بعد از عملیات انتحاری حماس در اسرائیل، تبلیغات انتخاباتی بلوک متحد راست‌گرایان شدت یافت. لیکود تبلیغ می‌کند که یهودیان همچنان خود را در معرض تهدید می‌بینند، صلح باید امنیت را برای یهودیان اسرائیل به همراه آورد و این امنیت تأمین نشده است. حمله پرز به لبنان، در حقیقت بخشی از مبارزه انتخاباتی او برای تأمین آراء می‌باشد. در اسرائیل هنوز حمله نظامی به عنوان یک عامل مهم در سرنوشت انتخاباتی تأثیر دارد. پرز در مسافرت خود به کشورهای قطر و امارات اعلام کرد که نتیجه صلح و قرارداد آن را به رفندام خواهد گذاشت. این گفته با اعتراض یاسر عرفات روبرو شد. او می‌گوید که این عمل متغیر

تجاوز هوایی اسرائیل به خاک لبنان با واکنش‌های متفاوتی از سوی محافل درگیر و محافل بین‌المللی مواجه شده است. شیمنون، رئیس‌جمهور لبنان در دیدارهای حسی مبارک رئیس‌جمهور مصر، ضمن محکوم کردن تهاجم نظامی اسرائیل، دلایل اسرائیل را بی‌پایه خواند و اظهار داشت: چنین اقداماتی سبب تقویت حزب‌الله در لبنان خواهد شد. حریری از حسی مبارک خواست که نقش میانجی بین لبنان و اسرائیل را بر عهده بگیرد. وارن کریستوفر وزیر امور خارجه آمریکا مدعی شد که حزب‌الله با تهاجم خود به خاک اسرائیل، عملاً ارتش اسرائیل را به مصاف طلیعه است. سخنگوی وزارت خارجه روسیه ضمن محکوم کردن اقدامات اسرائیلی‌ها گفت: به سختی

## بنگلادش: تشکیل دولت موقت برای برگزاری انتخابات آزاد

طیف‌های مختلفی تشکیل شده است اکنون به تنها خواست مشترک خود یعنی برکناری خالد ضیاء دست یافته است.

استعفای خالد ضیاء نه نشانگر روحیه دمکرات او بلکه علاوه بر مقاومت مخالفان در مقابل او، نتیجه فشار صاحبان صنایع نیز بود که به علت اعتصابات طولانی متحمل ضررهای هنگفت شدند. بانک جهانی و بازار مشترک نیز با فشار به خالد ضیاء خواستار راه‌افتادن چرخهای صنایع این کشور بودند.

هابی‌بور رحمان که مسئولیت اداره دولت موقت را به عهده گرفته است در بنگلادش پیشتر به عنوان یک نویسنده و محقق آثار رابیندرانات تاگور معروف است. او در غرب بنگلادش متولد شده و تحصیلات خود را در کلکتا و داکا و لندن و آکسفورد به پایان رسانده است و ۳۰ سال در رشته حقوق به کار پرداخته است. حکومت ۱۰ نفره غیر حزبی که توسط او تشکیل می‌شود باید در طی ۹۰ روز انتخابات پارلمان را برگزار کند. وظایف این دولت با تشکیل پارلمان و دولت جدید به پایان می‌رسد.

پارلمان بنگلادش در اواخر مارس قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن قانون اساسی تغییر پیدا می‌کند، یک حکومت موقت قدرت را به دست خواهد گرفت و انتخابات آزاد را انجام خواهد داد. حکومت موقت و برگزاری انتخابات آزاد توسط آن یکی از خواستهای اپوزیسیون از ۲ سال پیش می‌باشد. خالد ضیاء نخست‌وزیر فعلی تغییر قانون اساسی را «تاریخی خواند» و از همه نیروها خواست که برای حل بحران اجتماعی و برقراری صلح در جامعه متحد شوند.

اما اپوزیسیون اعلام کرد که چنین قانون مهمی را از یک پارلمان دست‌نشانده تحت رهبری یک نخست‌وزیر غیر قانونی نمی‌تواند بپذیرد و خواستار برکناری خالد ضیاء و لغو نتایج انتخابات ۲۶ فوریه شد. بالاخره بعد از سه هفته اعتصابات و درگیریها هفته گذشته خالد ضیاء از نخست‌وزیری استعفا داد و رئیس‌جمهور یسوراس، قاضی عالی بنام هابی‌بور رحمان را به عنوان مسئول دولت بیطرف معرفی کرد. انتخابات آزاد بسایستی تا ماه مه برگزار شود. اپوزیسیون بنگلادش که از



اعتراض آرام به ناآرامی‌ها: کارگران یک کارخانه پارچه‌بافی در داکا با تظاهرات تشنه جلوی کارخانه، به ناآرامی‌های بنگلادش اعتراض می‌کنند.

## جنگ داخلی در لیبیا

تتها در یک منطقه دیپلمات شروع شد، ۲۰ هزار تن پناه جستند که با کمبود مواد غذایی و آب روبرو شدند. سفارت آمریکا به خارج کردن خارجی‌ها از منطقه توسط هلی‌کوپتر به مناطق امن از جمله سیرالئون پرداخت. جنگ داخلی در لیبیا در سال ۸۹ با کشته شدن ساموئل دنو رئیس‌جمهور وقت از قبیله کمران توسط

درگیریها بعد از امضای این قرارداد می‌باشد. میانجیگری نمایندگان کشورهای همسایه آتش‌بس شکننده‌ای بین طرفین درگیر برقرار شد. این آتش‌بس توسط نیروهای مسلح دو طرف که اکثراً جوانان کم‌سال هستند، بارها نقض شده است. بسیاری از مردمی که از ترس کشتارها فرار کرده‌اند از دستیابی به مواد غذایی و در موارد زیادی حتی از آب آشامیدنی محروم هستند.

لیبیا در غرب آفریقا هفته گذشته شاهد درگیریهای سخت بین افراد مسلح قبیله کران با حکومت موقت این کشور بود. درگیریها با برکناری جانسون یکی از وزرای کابینه از پست خود شروع شد. او با جمع‌آوری افراد مسلح افراد قبیله خود و حمله به یک پایگاه نظامی در مونروویا پایتخت لیبیا، ۴۰۰ تن را به گروگان گرفت، جنگ به سرعت در سطح شهر گسترش یافت، مغازه‌ها بسته شد، مواد غذایی نسیایاب گشت، مردم از وحشت کشتارهای جمعی دست به فرار زدند.